

# فصلنامه دارمان یاب

## DARMAN YAB

شماره ۲۸ پاییز ۱۴۰۲ | ۸۲ صفحه | قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان



### از تنظیم‌گری تا اقتصاد سلامت

دارو و تجهیزات پزشکی، برعلیه اقتصاد دستوری



### صمت لای گیره ذی نفعان؟

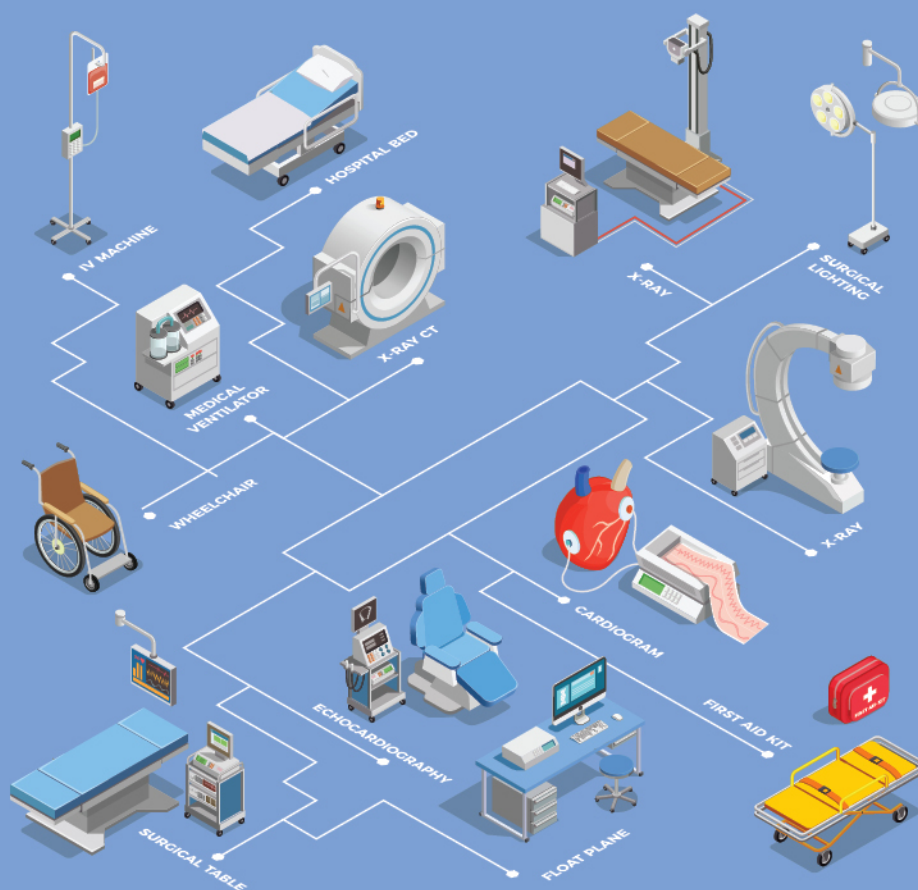
فعالان دارو و تجهیزات پزشکی در ابهام، آیا وزارت بازرگانی احیا می‌شود؟



### راه حل توسعه صنعت سلامت

آیا برنامه هفتم توسعه منجر به رهایی تولید در مسیر توسعه خواهد شد؟

## تنگناهای تولید تجهیزات پزشکی و دارو



مردودی دارو و تجهیزات پزشکی در اشتغالزایی جدید

چماق و هویج در بنگاه‌داری دارو و تجهیزات پزشکی

شکست اقتصاد دستوری در صنعت سلامت

۵ الی ۷ مهرماه ۱۴۰۲

# هشتمین نمایشگاه ملی ایران فارما

شرکت درمان یاب حامی هشتمین  
نمایشگاه بین المللی ایران فارما

مکان: مصلى تهران، سالن اصلی، غرفه های D۲۴۶ و D۲۴۵ |

**ایران**  
IRANPHARMA



گروه شرکت های درمان یاب



# Prostica®

- کمک به درمان دارویی هایپرتروفی خوش خیم پروستات
- کمک به کاهش اندازه پروستات
- کاهش التهاب مجاری ادراری



30  
Film Coated Tablets



 Darman Yab  
Darou **Golden Life**  
 Goldenlife iran  Goldenlife.iran  
 [www.Goldenlifehealth.com](http://www.Goldenlifehealth.com)

# FerOral<sup>®</sup>



- جلوگیری از بروز کم خونی و فقر آهن
- بهبود کم خونی در دوران قاعدگی
- تامین نیاز مادران در دوران بارداری
- تامین اسیدفولیک مورد نیاز روزانه

Fe

Folic Acid

Fe

Folic Acid

Fe

Folic Acid



Darman Yab  
Darou

GoldenLife<sup>™</sup>



Goldenlife iran



Goldenlife.iran



www.Goldenlifehealth.com

# Digestive Aid®



- کاهش التهاب دستگاه گوارش
- محافظت از زخم معده
- بهبود نفخ و کاهش اسید معده
- کمک به هضم غذا

 Darman Yab Darou   
 Goldenlife iran  Goldenlife.iran  
 [www.Goldenlifehealth.com](http://www.Goldenlifehealth.com)

## Eat Happily



- حاوی گیاه اکیناسه
- کمک به حفظ سلامت و عملکرد صحیح سیستم ایمنی
- پیشگیری و کمک به درمان سرماخوردگی و کاهش علائم آن
- پیشگیری و کمک به درمان عفونت های تنفسی



 Darman Yab Darou **Golden Life**  
 Goldenlife iran  Goldenlife.iran  
 [www.Goldenlifehealth.com](http://www.Goldenlifehealth.com)

**GoldenLife™ Direct**

ساشه ب-کمپلکس دایرکت

انرژی و سلامتی  
همیشه همراه شماست

Direct sachet



**20 Sachets**



- کمک به تامین ویتامین های گروه B
- افزایش سطح انرژی
- کاهش استرس، علائم استرس و افسردگی
- تقویت خلق و خو



Darman Yab  
Darou

**GoldenLife™**



Goldenlife iran



Goldenlife.iran



www.Goldenlifehealth.com

**Health Direct  
Easy to Take**



Dare to **X**perience



# Integrated Care solution for Diabetes Management

*We are committed to address  
unmet needs in diabetes management,  
aligned with IDF priorities*



**Darman Yab**

Group of Companies

Tel: +98 (21)87174

Email: [Diabetes@darmanyab.com](mailto:Diabetes@darmanyab.com)

Website: [www.darmanyab.com](http://www.darmanyab.com)



AON Darman, Risk & Health

Tel: +98 (21)72869000

Email: [Info@avandarman.com](mailto:Info@avandarman.com)

Website: [www.avandarman.com](http://www.avandarman.com)

# Opti Woman

- \* مکملی برای حفظ سلامت بانوان
- \* کاهش علائم سندرم پیش از قاعدگی (PMS)
- \* حفظ سلامت پوست، مو و ناخن
- \* افزایش میل جنسی
- \* سم زدایی کبد



شرکت درمان باب دارو  
مستقر در سلامت برای همه

**Golden Life™**

[GoldenLifehealth.com](http://GoldenLifehealth.com) [GoldenLife.ir](https://www.instagram.com/GoldenLife.ir) [GoldenLife.ir](https://www.linkedin.com/company/GoldenLife.ir)

# Flusip®

فلوسیپ تجربه گرم درمان سرماخوردگی  
نوشیدنی زود اثر در بهبود علائم سرماخوردگی  
همراه با بخور تنفسی متتول و حاوی عسل ولیمو



شرکت درمان نابینا دارو  
استرس سلامت برای همه

**Golden Life™**

[GoldenLifeHealth.com](http://GoldenLifeHealth.com) [@GoldenLifeIran](https://www.instagram.com/GoldenLifeIran) [GoldenLifeIran](https://www.linkedin.com/company/GoldenLifeIran)

# Maxi Care - X

- \* سیستم ایمنی بدن را تقویت می کند
- \* از بدن در برابر سرماخوردگی و عفونت های ویروسی محافظت می کند
- \* حفظ سلامت پوست، مو و ناخن
- \* محافظت در برابر عوارض جانبی آلودگی هوا



شرکت درمان باب دارو  
تخصصی سلامت برای همه

## Golden Life™

[Goldenlifehealth.com](http://Goldenlifehealth.com) [Goldenlifeiran](https://www.instagram.com/Goldenlifeiran) [Goldenlifeiran](https://www.linkedin.com/company/Goldenlifeiran)

## فصل اول | تولید

صنعت سلامت، آینده را چطور ارزیابی می‌کند؟  
آیا دارو و تجهیزات پزشکی از انحرافات سیاستگذاری در امان مانده‌اند؟  
صنایع مختلف در برنامه هفتم توسعه چگونه دیده شده‌اند؟  
چشم انداز صنعت سلامت با دست فرمان فعلی چگونه است؟  
راه نجات صنعت دارو و تجهیزات پزشکی  
آیا برنامه هفتم توسعه منجر به رهایی تولید در مسیر توسعه خواهد شد؟  
آیا با کاهش سرمایه‌گذاری در خطوط داروسازی و تجهیزات پزشکی، می‌توان منتظر افزایش اشتغال بود؟  
دارو و تجهیزات پزشکی، نیازمند رشد سرمایه‌گذاری

## فصل دوم | تجارت

دارو و تجهیزات پزشکی، چشم انتظار توسعه تجارت فرامرزی  
دارو و تجهیزات پزشکی، نیازمند تعریف جایگاه خود در پازل جهانی  
فعلاتان دارو و تجهیزات پزشکی در ابهام؛ آیا وزارت بازرگانی احیا می‌شود؟  
صنعت سلامت، تحت شعاع فشار کسب و کارهای چینی  
بازخوانی تجربه دنیا در زنجیره افزوده

## فصل سوم | اقتصاد دستوری

دارو و تجهیزات پزشکی بر علیه اقتصاد دستوری  
آیا صنعت سلامت، توسط قیمتگذاری دستوری در سراشیب کیفی و کمی قرار دارد؟  
مثلت صنعت سلامت، اقتصاد دستوری و توسعه  
تجربه‌های سخت دارو و تجهیزات پزشکی از اقتصاد دستوری  
دارو و تجهیزات پزشکی از چه گلایه دارد؟

## فصل چهارم | ارز

گرفتاری‌های فعالان عرصه دارو و تجهیزات پزشکی تمامی ندارد  
مطالبه جدی فعالان صنعت سلامت برای رهایی از گرفتاری‌های ارزی  
مخمصه ارزی تولیدکنندگان دارو و تجهیزات پزشکی  
باخت به سیاست‌های ارزی دارو و تجهیزات پزشکی



# فصلنامه دارمان‌یاب

**صاحب امتیاز:** محمد بشری  
**مدیر مسئول:** حمیدرضا محمدی  
**سرمدیر:** سعید اویس  
**سرویس خبری:** مریم افضلی، آزاده قشونی، الهه فرمانی  
زهرا امانی  
**چاپ:** کهن



- ✓ در فصلنامه دارمان‌یاب تلاش زیادی در جهت تطابق مطالب با استانداردهای روز پزشکی دنیا تا زمان انتشار، صورت گرفته است. اما از آنجا که پزشکی دانشی همیشگی در حال تغییر است، مطالب ارائه شده را الزاماً کامل و عاری از خطا نمی‌دانیم. ارجح آن است که خواننده محترم، این اطلاعات را قبل از به کارگیری، با رجوع به منابع دیگر نیز تأیید نماید.
- ✓ مطالب مندرج الزاماً مطابق دیدگاه‌های نشریه نیست و بازتاب دهنده نظر نویسندگان یا مصاحبه شونده‌گان محترم است.
- ✓ نشریه از دریافت مقالات و دیدگاه صاحب نظران استقبال می‌کند.
- ✓ تمامی حقوق محفوظ است و هرگونه نقل، انتشار، اقتباس یا برداشتی بدون ذکر ماخذ ممنوع است.

نشانی نشریه: تهران، اتوبان کردستان، خیابان شهید ابطحی (بیستم امیرآباد)،

تقاطع آزادگان، پلاک ۳۶ | تلفن: ۸۸۶۳۸۸۱۴

وبسایت: [www.darmanyabjournal.ir](http://www.darmanyabjournal.ir)



**Darman Yab**  
Group of Companies

# سخن آغازین



**محمد بشری**  
مؤسس گروه شرکت‌های  
درمان یاب

## غلبه پارادوکس‌های متوالی در صنعت دارو

زمانه ما، زمانه پارادوکس‌های متعددی در صنعت دارو است. زمانه‌ای که انتظارات و توقعات بسیار زیاد و هدف‌گذاری‌های بلند برای صنعت دارو وجود دارد ولی واقعیت‌های داخل صنعت، از مؤلفه‌های دیگری حکایت می‌کند. در این نوشتار تنها به سه مورد از این پارادوکس‌ها اشاره خواهیم کرد و بقیه را به بعد واگذار می‌کنیم. البته برای درک عمق این چالش دلهره آور لازم است نسبت به مسیری که صنعت داروسازی کشور در طول این چهل سال طی کرده، مروری داشته باشیم. به هر حال بی‌شک دستاوردهای بزرگی در طول چهار دهه گذشته در صنعت داروسازی کشور رخ داده است که باعث افتخار همگان است.

در دهه نخست، جوانان ایرانی توانستند در عین نابوری بسیاری از تحلیل‌گران، چرخ کارخانه‌های متعدد دارویی که اغلب توسط صنایع دارویی بین‌المللی احداث شده بودند را به گردش در آورند و نیاز کشور را تأمین کنند. در دهه دوم، با تقویت نظام ژنریک و محدودسازی لیست داروها، تمرکز سیاست‌گذاران بر تأمین داروهای ارزان قیمت بود. در دهه سوم، شاهد موج سرمایه‌گذاری در صنعت دارو اعم از تولید و واردات بودیم و با گشایش لیست دارویی کشور و توسعه واردات به عنوان محرک اقتصادی صنعت دارو، دست‌پزیشان برای نسخه نویسی داروهای جدید اعم از تولید داخل یا وارداتی باز شد و به این صورت گام‌های بلندی برای نوسازی صنعت و همچنین فراهم شدن زیرساخت‌های اولیه برای توسعه صنعت برداشته شد.

دهه چهارم را باید در دو نیمه متفاوت مورد بررسی و واکاوی قرار دهیم. نیمه اول آن، در ادامه دهه پیشین است که شاهد اضافه شدن مولکول‌های جدید دارویی به فهرست، بازسازی خطوط تولید و توسعه سرمایه‌گذاری بودیم و به طور کلی، باید بگوییم صنعت دارو اعم از تولید و واردات، رشد چشمگیری را هم در عرصه کمی و هم در عرصه کیفی تجربه کرد. اما در نیمه دوم دهه چهارم، وزارت بهداشت بواسطه تنگ‌تر شدن حلقه تحریم‌ها، به جای اینکه سیاست‌هایی را برای تقویت صنعت از طریق اعطای تسهیلات و مشوق‌های اقتصادی و اعطای قیمت‌های منطقی به محصولات شرکت‌های دارویی در پیش گیرد، مسیری را پیمود که در نهایت به کاهش تمایل به سرمایه‌گذاری در صنعت دارویی کشور و خروج نیروی انسانی ماهر از این صنعت منجر شد.

## اولین پارادوکس

مروری بر شاخص‌های اقتصاد کلان کشور نشان از آن دارد که نرخ رشد سرمایه‌گذاری در کشور منفی است و صنعت داروسازی وضعیتی را پشت سر می‌گذراند که حتی از برخی صنایع دیگر، ضعیف‌تر است و در این میان باید اعتراف کنیم که شرایط به گونه‌ای شده است که سرمایه‌گذاری در این صنعت، تنها از سوی کسانی شکل می‌گیرد که به این آب و خاک و به این صنعت، عشق می‌ورزند و الا حضور در این صنعت، بر مدار مؤلفه‌های اقتصادی به هیچ وجه توجیه‌پذیر نیست. بنابراین اولین پارادوکس کسی که پیش روی سرمایه‌گذاران صنعت دارویی کشور قرار می‌گیرد این است که باید میان منطق اقتصادی و عشق به صنعت، یکی را انتخاب کنند. این در حالی است که به نظر می‌رسد با وضع دستورالعمل‌های قیمت‌گذاری دستوری سختگیرانه و دوری از مشوق‌های اقتصادی برای توسعه صنعت، وزارت بهداشت و سایر دستگاه‌های ذیربط در حال تنبیه کردن کسانی هستند که عشق به صنعت دارو را انتخاب کرده‌اند.

## دومین پارادوکس

حجم بازار دارویی کشور، به قیمت مصرف‌کننده، در طول پنج سال اخیر، از حدود ۵,۵ میلیارد یورو به ۳,۸ میلیارد یورو کاهش پیدا کرده است. بخشی از این کاهش به دلیل قطع واردات برخی اقلام و تولید داخلی آن‌هاست؛ ولی بخش عمده‌ای از آن، به واسطه سرکوب قیمت‌هاست.

در طول این پنج سال شاهد جهش چند برابری نرخ حداقل حقوق در کشور هستیم، شاهد چند برابر شدن نرخ ارزش‌هستیم، شاهد افزایش سایر مؤلفه‌های تولید همگام با تورم عمومی کشور هستیم. اما در سوی مقابل، وزارت بهداشت از طریق قیمت‌گذاری دستوری، اجازه رشد قیمت داروها را نداده است تا جایی که حتی در برخی اقلام دارویی، نقطه سر به سر را هم رد نکرده است. علاوه بر این، محدود شدن ارتباطات بین‌المللی

سبب شده که تولیدکننده ایرانی نتواند به بازارهای خارجی دسترسی پیدا کند و این موضوع مزید بر علت شده تا تولیدکننده ایرانی امکان تولید در مقیاس‌های بزرگ را از دست دهد. ضمن اینکه بررسی وضعیت خطوط تولید دارویی نیز نشان از آن دارد که به اذعان رئیس سندیکای صاحبان صنایع دارویی، تنها بیست درصد از آنها حائز GMP هستند و این به معنای آن است که از یک سو امکان صادرات به بسیاری از کشورهای فراهم نیست و از سوی دیگر کیفیت محصولات ایرانی که در خطوط فاقد GMP تولید شده‌اند، در حاشیه امنی قرار ندارد. به موارد بالا، این موضوع را هم باید اضافه کنیم که تولیدکنندگان مواد اولیه دارویی در کشورمان تنها در مواردی که مستقیماً به صنعت پتروشیمی ارتباط دارد، توان رقابت قیمتی با تأمین‌کنندگان جهانی را دارند و در سایر موارد، به دلیل مباحث میزان تولید و «عدم» صرفه به مقیاس و ضرورت واردات پیش‌نیازها، قیمتشان بالاتر از قیمت‌های جهانی است و وزارت بهداشت نیز با اتخاذ سیاست‌های حمایتی و تشویقی برای تولیدکنندگان مواد اولیه و اجبار تولیدکنندگان داروی ساخته شده به خرید از تولیدکنندگان مواد اولیه داخلی حتی با شرایط بالاتر از قیمت‌های جهانی و محدود کردن واردات مواد اولیه، از یک سو نهادهای تولید را گران می‌کند و از سوی دیگر با سرکوب قیمت فروش کارخانه‌های تولیدکننده دارو، توان تولیدکنندگان دارو را در جهت سرمایه‌گذاری در زیرساخت و بهینه‌سازی خطوط، کاهش می‌دهد.

حال در چنین شرایطی که شاهد افزایش و جهش قیمت کلیه مؤلفه‌های تولیدی هستیم و قیمتگذاری دستوری هم امکان سرمایه‌گذاری و تزریق نقدینگی به صنعت را از بین برده است و به دلیل محدودیت‌های بین‌المللی امکان تولید در مقیاس‌های زیاد برای کاهش هزینه‌ها نداریم، چطور در سیاستگذاری‌های کلان، ارقام میلیارد دلاری برای صادرات دارو ترسیم می‌شود؟

### پارادوکس سوم

با رویه موجود در قیمتگذاری دستوری داروها و تضعیف اقتصادی صنعت دارو، شاهد خروج نیروی انسانی ماهر از این صنعت و همچنین مهاجرت ایشان به خارج از کشور خصوصاً کشورهای منطقه هستیم. دقیقاً شبیه همان اتفاقی که بخش درمان کشور رخ داده است. غیر منطقی بودن تعرفه‌های پزشکی سبب شده که درآمد پزشکان متخصص، اختلاف فاحشی با دریافتی ایشان در کشورهای منطقه پیدا کند و این موضوع انگیزه‌های مهاجرت پزشکان متخصص را صدچندان کرده است. این در حالی است که تجربه‌های پیشین نشان می‌دهد که در دهه‌های پیش، پزشکان هندی و پاکستانی که در ایران فعالیت می‌کردند، درآمدهای دلاری داشته‌اند و در صورت مهاجرت پزشکان ایرانی هم به زودی شاهد حضور پزشکان خارجی خواهیم بود که مطالبه درآمدهای دلاری خواهند داشت. گفتنی است که مشکل کمبود پزشک در سال‌های پیش ناشی از ظرفیت پایین دانشکده‌های پزشکی بوده است ولی کمبود پزشک در آینده، ناشی از کاهش مطلوبیت تحصیل در این رشته‌ها و افزایش تمایل به مهاجرت است. در واقع نظام آموزشی ما، یا پزشک تربیت نخواهد کرد یا اینکه پزشک را برای کشورهای همسایه تربیت خواهد کرد.

### جمع بندی

خلاصه کلام اینکه نگرانی‌ها بابت آینده صنعت داروسازی کشور، مبتنی بر وجود پارادوکس‌های متعدد که در این نوشتار به سه مورد آن اشاره شد، بسیار جدی است و پیش از اینکه بیش از این فرصت‌ها را از دست بدهیم، باید فکری به حال این صنعت شود.

وزارت بهداشت باید دست از قیمتگذاری دستوری بردارد و اجازه دهد سودمکفی به صنعت دارو برسد تا این صنعت بتواند برای توسعه و تأمین زیرساخت‌های لازم، نفس بکشد.

به جمع بندی بالا بهتر است این نکته را نیز اضافه کرد که سازمان غذا و دارو باید برای کسانی که خطوط تولید جدید دارای GMP احداث می‌کنند، مشوق‌های کافی و انگیزه بخش اختصاص دهد. حتی شاید گزینه مناسب این باشد که سازمان غذا و دارو برای چنین شرکت‌هایی تا ۵۰ درصد افزایش قیمت لحاظ کند تا تفاوت محسوسی برای تولیدکنندگان محصولات کیفی ایجاد شود. البته برای شرکت‌های فاقد GMP نیز باید رایزنی‌ها و تلاش‌ها را ادامه دهد تا آن‌ها هم به این قطار برسند.

# Energe - X

- \* مکملی برای حفظ سلامت آقایان
- \* کمک به عملکرد ورزشی بهتر
- \* تقویت قوای جنسی
- \* بهبود قدرت ذهنی و حافظه
- \* سم زدایی کبد

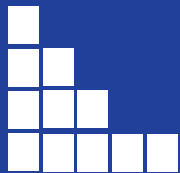


شرکت درمان باب دارو  
متخصص سلامت برای همه

**Golden Life™**

[GoldenLifehealth.com](http://GoldenLifehealth.com) [Instagram: GoldenLife\\_iran](https://www.instagram.com/GoldenLife_iran) [LinkedIn: GoldenLife\\_iran](https://www.linkedin.com/company/GoldenLife_iran)





---

## فصل اول

توليد



این ناکامی‌ها بسیار واضح و مشخص است، اعمال تحریم‌هایی که روز به روز بر شدت آنها افزوده می‌شود، فضای بسته و بازار انحصاری حاکم بر کشور، حمایت‌هایی که بیشتر جنبه رانت دارند، دلسردی نیروی انسانی کارآمد و عدم اعتماد سرمایه‌گذاران به بازار همه و همه موجب بروز بهره‌وری پایین در اقتصاد کشور مان شده است. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که نقش دولت در معضلات و معایب گفته شده چیست و نهادهای دولتی که باید حامی فعالان اقتصادی و کسب و کارها باشند کجای این ماجرا قرار دارند؟

برای پاسخ به این سؤال شاید لازم باشد، تاملی در نوع نگاه حاکم بر اقتصاد کشور پیرامون خصوصی‌سازی داشته باشیم. اقتصاد ایران همواره با معضلات بسیاری روبه‌رو بوده است، کسب و کارها نیز به عنوان پیشران‌های اقتصادی در هر لحظه متأثر از شرایط داخلی و خارجی که خواسته و ناخواسته به آنها تحمیل می‌شود، بوده‌اند. در این میان، نقشی که در علم اقتصاد برای دولت‌ها تعریف شده، فراهم کردن مقدمات لازم برای توسعه زیرساخت‌ها و بهبود شرایط اقتصادی است که گویا این مهم در کشور ما چندان مورد توجه قرار نگرفته است. البته هراز گاهی شعارهایی مبنی بر حمایت از کسب و کار، بهبود وضع تولید و ترغیب سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری به گوش می‌رسد اما آنچه در عالم واقعیت وجود دارد، دلسردی و ناامیدی کسب و کارها، بی‌اعتمادی سرمایه‌گذاران و مهاجرت نخبگان است که وضعیت کسب و کارها را در داخل کشور با معضلات اساسی مواجه کرده است.



## تنگنای کسب و کار

صنعت سلامت، آینده را چگونه ارزیابی می‌کند؟

### خصوصی‌سازی آغاز راه رونق کسب و کارها

خصوصی‌سازی مفهومی است که در علوم اجتماعی و علوم سیاسی از آن به تعبیر مختلفی یاد شده است و شاید همین مقوله موجب پیاده‌سازی غیراصولی و اشتباه این مؤلفه اقتصادی در کشور شده باشد. در هر حال اقتصاددانان، مشخص‌ترین تعریف از این واژه را توجه به نقش بنگاه‌های خصوصی در استفاده از منابع جامعه، تولید کالا و خدمات با اتکا به محدودسازی نقش‌های دولت یا مقامات دولتی در این عرصه، دانسته‌اند. اگر به تاریخچه خصوصی‌سازی در دنیا نگاهی بیندازیم، درمی‌یابیم خصوصی‌سازی با هدف گسترش مالکیت بخش خصوصی و همچنین مشارکت شهروندان در اداره امور جامعه صورت می‌گیرد.



**آنچه در عالم واقعیت وجود دارد، دلسردی و ناامیدی کسب و کارها، بی‌اعتمادی سرمایه‌گذاران و مهاجرت نخبگان است که وضعیت کسب و کارها را در داخل کشور با معضلات اساسی مواجه کرده است**

طبق آخرین گزارش بانک جهانی که در سال ۲۰۲۰ منتشر شده است رتبه ایران در شاخص کسب و کار ۱۲۷ است، این بدان معناست که در حوزه کسب و کار ۱۲۶ کشور دیگر در جهان در وضعیت بهتری از ایران قرار دارند. با یک مطالعه اجمالی در علم اقتصاد و بررسی بازارهای دنیا به این نتیجه خواهیم رسید که رقابت‌پذیری یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های رشد و توسعه یک کسب و کار است.

این در حالی است که شواهد و بررسی‌ها حکایت از آن دارند که ایران در حوزه رقابت‌پذیری در جایگاه مناسبی قرار ندارد. می‌توان برای عارضه‌یابی این مقوله دلایل بسیاری برشمرد، اما قطعاً بهره‌وری پایین عامل مهمی برای این موضوع است. دلیل

جامعه و تمرکز دولت به پرداختن به امور حاکمیتی انجام و مقرر شد رشد اقتصاد ملی، گسترش مالکیت عمومی، تأمین عدالت اجتماعی، افزایش بهره‌وری، افزایش سطح مشارکت فعالان اقتصادی و افزایش رقابت‌پذیری در اقتصاد ملی را به همراه داشته باشد.

سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی بر کاهش تصدی‌گری دولت و واگذاری امور غیرحاکمیتی به بخش خصوصی استوار شد و بر همین مبنا سازمان خصوصی‌سازی تشکیل شد تا شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی دولتی را به بخش خصوصی واگذار کند. البته در ادامه راه شاهد آن بودیم که خصوصی‌سازی با موانع و مشکلات بسیاری همراه شد. بسیاری از صاحب‌نظران ساختار دولتی سازمان خصوصی‌سازی را به عنوان تنها مجری و متولی اجرای سیاست اصل ۴۴، اصلی‌ترین معضل موجود در این حوزه دانسته‌اند. چرا که، سوای انتصاباتی که با نگاه سیاسی در این سازمان صورت گرفت، واگذار کردن منابع موجود با نگاه کاسب‌کارانه و درآمدی به جای توجه به سپردن کار به کاردان مشکلات فعالان اقتصادی کشور را صدچندان کرد. به گونه‌ای که اقدامی که قرار بود با هدف آزادسازی اقتصادی، توانمند کردن بخش خصوصی و چابک شدن دولت انجام گیرد، بیشتر موجب سرخوردگی فعالان اقتصادی و ایجاد رانت در کشور شد.

علاوه بر همه اینها، در آن سال‌ها دولت و بسیاری از کسانی که به دلیل از دست دادن منافی که در بنگاه‌های اقتصادی داشتند، موجب تغییر مسیر این ماجرا شدند و انحراف مسیر، خصولتی‌سازی را جایگزین خصوصی‌سازی در کشور کرد. شاید بتوان گفت فروش منابع دولتی به نهادهای مختلف نخستین ضربه کاری به کسب‌وکارها و فعالان اقتصادی بخش خصوصی بود. این نهادهای شبه‌دولتی وارد فضای اقتصادی کشور شدند و این سرآغاز ماجراهای بسیاری برای کسب‌وکارهای فعال در ایران بود. دولتی‌سازی که قرار بود با خصوصی‌سازی چابک شود با رانت به وجود آمده ناشی از خصولتی‌سازی فربه‌تر شد.

### حمایت‌هایی که کسب‌وکارها را از پانداخت

از آنجا که قرار بود با کمک خصوصی‌سازی تصدی‌گری دولت در اموری غیر از حاکمیت به بخش خصوصی واگذار شده تا با افزایش مشارکت مردمی، اقتصاد کشور رقابتی شود ماجرای حمایت‌های دولت با هدف رشد کسب‌وکارها و

در تعریف خصوصی‌سازی این امر به نفع بازار تعریف شده و با هدف ایجاد تعادل میان بازار و حکومت انجام می‌گیرد. در ایران البته در هیچ دوره تاریخی نسبت به این مقوله نگاه مثبتی وجود نداشته است، اما پس از وقوع انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی، مشارکت بخش خصوصی در اقتصاد کشور موضوعی بود که مطرح شد و موافقان و مخالفانی داشت.

سرانجام با ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در سال ۸۵ به صورت جدی به این موضوع پرداخته شد و شرکت‌های مخابرات ایران و پتروشیمی مهم‌ترین واگذاری‌هایی بودند که در این زمینه صورت گرفت.

### نگاهی به اصل ۴۴ قانون اساسی

اصل ۴۴ قانون اساسی نظام اقتصادی کشور را به سه بخش دولتی، تعاون و خصوصی تقسیم کرد که بر اساس این تقسیم‌بندی، صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معاون بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی و راه‌آهن در اختیار بخش دولتی قرار گرفتند. بخش تعاون نیز شامل شرکت‌ها و مؤسسات تعاونی و توزیع است که در شهر و روستا براساس ضوابط اسلامی تشکیل می‌شود. بخش خصوصی هم شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری صنعت و تجارت و خدمات است که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است.

در آن زمان خصوصی‌سازی با هدف چابک شدن دولت و کناره‌گیری از فعالیت‌های اقتصادی غیرضروری، ایجاد شرایط برای حضور سرمایه‌گذاران در اقتصاد کشور، تکیه بر تعاون و گسترش چتر شرکت‌های تعاونی روی قشر ضعیف



**سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی بر کاهش تصدی‌گری دولت و واگذاری امور غیرحاکمیتی به بخش خصوصی استوار شد و بر همین مبنا سازمان خصوصی‌سازی تشکیل شد تا شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی دولتی را به بخش خصوصی واگذار کند**





### تحریم و فعالیت کسب و کارها

در کنار همه موارد یادشده نباید از تحریم‌هایی که بر اقتصاد کشور تحمیل شد غافل ماند؛ اگر بر این عبارت استناد کنیم که کسب و کارها برای بقای خود باید رشد تولید را تجربه کنند و رشد تولید هم در گرو صادرات است، بنابراین لازم است زیرساخت‌ها و دستورالعمل‌های موجود در راستای توسعه صادرات درست و اصولی پیاده‌سازی شود. این در حالی است که در سال‌های گذشته تحریم‌ها و آثار آن ضربه مهلکی بر بدنه بخش خصوصی زده و اقتصاد کشور از رشد و شکوفایی بازمانده است. عدم واردات مواد اولیه مورد نیاز تولید، عدم ارتباط با بازارهای جهانی مطرح جهت صادرات، نبود زیرساخت مناسب برای انجام تبادلات بانکی و مالی و صدها محدودیت دیگر همه و همه از عواملی هستند که کسب و کارها را با مشکلات و معضلات ناشی از تحریم مواجه کرده‌اند.

### معضلی به نام مهاجرت استارت‌آپ‌ها

در شرایطی که کسب و کارهایی که نه تاب تحریم‌ها را دارند و نه توان رقابت با شبهه‌دولتی‌ها را به فکر مهاجرت می‌افتند؛ نخبگان و فعالان اقتصادی ایرانی به محض اینکه بتوانند ثابت کنند که در ایران در یک استارت‌آپ مشغول به کار بوده‌اند، ویزا دریافت کرده و اقدام به مهاجرت می‌کنند.

رئیس مرکز نوآوری و تحول دیجیتال اتاق تهران در رابطه با موضوع مهاجرت نخبگان و در ادامه آن مهاجرت کسب و کارها و استارت‌آپ‌ها گفت: در سال‌های اخیر مهاجرت نخبگان و نیروهای انسانی متخصص که خود صاحبان استارت‌آپ‌ها بودند وضعیت کسب و کارهای واقعی کشور را با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو کرده است.

او ادامه داد: تحریم‌های پی‌درپی، داشتن نگاه سلبی به فعالیت‌های نوآورانه استارت‌آپ‌ها و عدم پیش‌بینی‌پذیری اقتصاد موجب شده تا سرمایه‌گذاران هیچ تمایلی به سرمایه‌گذاری روی کسب و کارهای داخلی نداشته باشند.

این در حالی است که اعطای وام‌ها و تسهیلات دولتی به کسب و کارها در شرایطی که فعال اقتصادی در باتلاق تولید گیر افتاده است نه تنها دردی را از تولیدکننده دوا نمی‌کند، بلکه شرایط را برای کسب و کارها و صاحبان آنها سخت‌تر از گذشته می‌کند. بنا به گفته بنکدارپور اصلاح قوانین موجود و کمک گرفتن از بازار سرمایه با هدف تأمین مالی می‌تواند به رشد تولید و نجات کسب و کارها منجر شود.

صرفه اقتصادی ندارد.

در حالی همواره از تلاش برای جذب سرمایه به جای حمایت‌های مادی دولتی صحبت می‌شود که با توجه به بازار بی‌ثبات حاکم بر کشور و عدم ثبات در سیاست خارجی، دلالتی و استفاده از رانت‌های مختلف جایگزین سرمایه‌گذاری در راستای رشد تولید و اقتصاد کشور شده است.

فعالان اقتصادی معتقدند مقررات دست‌وپاگیر موجود در عرصه تولید و شرایط نابسامان سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر کشور، اقتصاد دولتی مداخله‌گر، بازار غیررقابتی انحصارگرا و بسیاری از عوامل دیگر افراد دارای سرمایه را ترغیب می‌کند تا به جای به جان خریدن ریسک سرمایه‌گذاری اقدام به خرید طلا و سکه و دلار کنند.



### فعالان اقتصادی معتقدند مقررات

#### دست‌وپاگیر موجود در عرصه تولید و شرایط

#### نابسامان سیاسی، اجتماعی و فرهنگی

#### حاکم بر کشور، اقتصاد دولتی مداخله‌گر،

#### بازار غیررقابتی انحصارگرا و بسیاری از

#### عوامل دیگر افراد دارای سرمایه را ترغیب

#### می‌کند تا به جای به جان خریدن ریسک

#### سرمایه‌گذاری اقدام به خرید طلا و سکه و

#### دلار کنند

رونق اقتصادی مطرح شد. اما، قوانینی که قرار بود در راستای حمایت از تولید و توانمندسازی بخش خصوصی اجرایی شود، نه تنها کمکی به بخش خصوصی نکرد بلکه باعث بی‌رقم شدن بخش خصوصی در رقابت با دولت و نهاد‌های شبه‌دولتی شد. این نوع حمایت‌ها به بخش خصوصی که برای بازپرداخت وام‌های خود به منابعی عظیم دسترسی داشتند، قدرت بخشید، اما بخش خصوصی و کسب و کارها با این حمایت‌ها روز به روز مقروض‌تر شدند. آمارها حاکی از آن هستند که سهم بزرگ اقتصاد و بازار کشور در دست دولتی‌ها و خصوصتی‌هاست و بخش خصوصی و تعاونی چیزی در حدود ۱۵ درصد این بازار را در اختیار دارند. بنابراین، حتی در شرایطی که همه کسب و کارها توان بازپرداخت وام‌های حمایتی دولت را داشته باشند در بهترین حالت تنها، ۱۵ درصد این حمایت‌های مالی به دست کسب و کارهای بخش خصوصی و فعالان اقتصادی می‌رسد.

به گفته سحر بنکدارپور، رئیس مرکز نوآوری و تحول دیجیتال اتاق بازرگانی تهران، کسب و کارهای کوچک و متوسط به سبب انعطاف‌پذیری، روحیه کارآفرینی و ظرفیت‌های نوآوری که دارند، تطبیق‌پذیر هستند. در مقابل شرکت‌های بزرگ، بازار و تجربیات کسب و کاری را در اختیار دارند؛ پیوند این کسب و کارها با هم موجب ایجاد شبکه گسترده و در نهایت رونق کسب و کارها می‌شود.

اقتصاد کشور ما بهرغم همه اتفاقاتی که در این سال‌ها از سر گذرانده همچنان دولتی است و همین امر موجب فرسوده شدن بخش خصوصی و تضعیف کسب و کارها شده است. قطعاً رقابت دولت با بخش خصوصی مهم‌ترین دلیل تضعیف کسب و کارها در عصر حاضر است، این عامل در کنار ایجاد بازار انحصاری برای خصوصتی‌ها، موجب رکود تولید و کاهش رشد اقتصادی در کشور شده است.

### جذب سرمایه جایگزین حمایت‌های مادی

قطعاً کسب و کارها برای بقای خود نیاز به تأمین سرمایه دارند، در شرایط کنونی که کشورمان با مشکلات اقتصادی بی‌شماری دست‌وپنجه نرم می‌کند، قطعاً صاحبان مشاغل برای دوام و بقای خود در عرصه تولید و خدمات نیاز به جذب سرمایه دارند. این در حالی است که با توجه به اقتصاد بی‌ثبات و پرنوسانی که با آن مواجه هستیم و با وجود تورم بالای ۴۰ درصد سرمایه‌گذاری در بخش تولید برای فردی که به دنبال سود و زیان است،

اقدام به راه اندازی استارت آپ می کنند، در همان مراحل اولیه کار شکست می خورند. آنچه در اینجا از آن به عنوان شکست و ورشکستگی استارت آپها یاد می شود آن دسته از کسب و کارهایی هستند که شکل گرفته اند و زمانی در شرایط مطلوبی قرار داشتند و اکنون به دلیل مسائل و مشکلات موجود دچار ناکامی شده اند. طبق آمار موجود در حال حاضر، تنها ۴۰ درصد کسب و کارهای بخش خصوصی همچنان سرپا مانده اند و در حال فعالیت اند که آنها هم در شرایط مطلوبی نیستند.

### آیا امیدی به بهبود هست؟

بنا بر نظر فعالان بخش خصوصی، سیاست ها و قوانین باید در جهت تسهیل شرایط بازار و حمایت از بخش خصوصی و به نفع کسب و کارها وضع شود. به عنوان مثال، اگر قانون جهش تولید دانش بنیان و ماده های آن به درستی اجرایی شود می تواند شرایط بهتری را برای فعالان بخش خصوصی رقم بزند. این در حالی است که این قانون به شدت قابلیت ایجاد رانت را نیز دارد و باید در نحوه اجرا و تفسیر بندهند آن محتاطانه عمل شود.

از سوی دیگر، بر اساس ماده ۲ قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار، «دولت مکلف است در مراحل بررسی موضوعات مربوط به محیط کسب و کار برای اصلاح و تدوین مقررات و آیین نامه ها، نظر کتبی اتاق ها و آن دسته از تشکل های ذی ربطی را که عضو اتاق ها نیستند، اعم از کارفرمایی و کارگری، درخواست و بررسی کند و هرگاه لازم دید آنان را به جلسات تصمیم گیری دعوت کند». همچنین در ماده ۳ این قانون تاکید شده است که «دستگاه های اجرایی مکلف اند هنگام تدوین یا اصلاح مقررات، بخشنامه ها و رویه های اجرایی، نظر تشکل های اقتصادی ذی ربط را استعلام کنند و مورد توجه قرار دهند».

این در حالی است که بسیاری از قوانینی که به وسیله دولت وضع می شود و تصمیماتی که در رابطه با کسب و کارهای بخش خصوصی گرفته می شود، بدون نظر سنجی و مشاوره با فعالان بخش خصوصی صورت می گیرد و چون فاقد نگاه کارشناسانه بوده بعد از گذشت زمان شاهد هستیم که نه تنها مشکلی حل نشده بلکه چالشی هم به چالش های قبلی فعالان این حوزه اضافه کرده است.



### چند درصد از کسب و کارها تعطیل شده اند؟

بر کسی پوشیده نیست که کسب و کارها به حمایت دولت و بخش خصوصی نیاز دارند، اما حمایت های مالی که با اما و اگرهای فراوان به دستشان می رسد نمی تواند دردی از هزاران درد این فعالان که در وضعیت بحرانی به سر می برند، دوا کند.

بر اساس آمارهای دولتی و طبق اعلام نماینده معاون اول رئیس جمهور در نهضت احیا، در حال حاضر حدود ۵۲ هزار واحد اقتصادی تعطیل یا نیمه تعطیل در کشور شناسایی شده است. این در حالی است که مدام اخبار مختلفی از عزم دولت برای احیای واحدهای تولیدی تعطیل به گوش می رسد. در شرایطی که وضع قوانین دست و پاگیر، بوروکراسی های اداری دولتی، اعمال محدودیت های پی در پی، قطعی اینترنت و ... در کنار محدودیت های بین المللی عرصه را بر فعالان اقتصادی و کسب و کارها تنگ می کند، بسیاری از افراد صاحبان ایده و کسب و کارها اقدام به مهاجرت می کنند و آنهایی که این امکان را ندارند محکوم به شکست می شوند.

البته، طبق آمار حدود ۶۰ درصد از صاحبان ایده که

**این در حالی است که بسیاری از قوانینی که به وسیله دولت وضع می شود و تصمیماتی که در رابطه با کسب و کارهای بخش خصوصی گرفته می شود، بدون نظر سنجی و مشاوره با فعالان بخش خصوصی صورت می گیرد و چون فاقد نگاه کارشناسانه بوده بعد از گذشت زمان شاهد هستیم که نه تنها مشکلی حل نشده بلکه چالشی هم به چالش های قبلی فعالان این حوزه اضافه کرده است**



## چماق و هویج در بنگاهداری

آیا دارو و تجهیزات پزشکی از انحرافات سیاستگذاری در امان مانده‌اند؟

شرایط رقابتی، به دنبال دریافت امتیاز بیشتر از سیاستگذار برای ادامه حیات باشند؛ حال آنکه این مسیر انحرافی، به پرتگاهی برای بنگاه‌ها ختم می‌شود. طی نیم قرن گذشته، سیاستگذار باعث شده بسیاری از بنگاه‌های سر حال از نفس بیفتند و در نهایت از صحنه روزگار محو شوند. به نظر می‌رسد سیاستگذار طی دهه‌های اخیر، بنگاه‌ها را در مسیر اشتباهی هدایت کرده است. در حقیقت سیاستگذار به جای به وجود آوردن شرایطی برای افزایش بهره‌وری بنگاه‌ها، به نوعی این بنگاه‌ها را در جهت اهداف خود یعنی کنترل قیمت‌ها (به جای سیاست اصولی مهار تورم)، افزایش اشتغال کاذب (به جای ایجاد اشتغال پایدار) و مصادره و واگذاری ناموفق (به جای قبول کردن حق مالکیت) بسیج کرده است.

بسیاری از کارشناسان اقتصادی معتقدند دولت‌ها در ایران با تلاش برای رشد و شکوفایی صنایع داخلی،



### سیاستگذاری در اقتصاد ایران به شکل چماق و هویج درآمده است که در نهایت به ضرر بنگاه‌ها و تولید کشور تمام می‌شود

سیاستگذاری برای بنگاه‌ها طی نیم قرن گذشته، باعث شده است که بسیاری از شرکت‌های صاحب‌نام دچار مرگ تدریجی شوند. این در حالی است که سیاستگذاری باید به گونه‌ای باشد که بنگاه‌ها پس از طی کردن مسیر رشد و بلوغ، به یک شرکت کارآمد تبدیل شوند. اما سیاستگذاری در اقتصاد ایران به شکل چماق و هویج درآمده است که در نهایت به ضرر بنگاه‌ها و تولید کشور تمام می‌شود. از یکسو سیاستگذار با اعطای ارز، وام یا انرژی ارزان به دنبال حمایت از بازارهاست و از سوی دیگر، انتظار دارد که شرایط کنترل قیمت‌ها با قیمت‌گذاری (به جای مهار تورم)، اشتغال مازاد در بنگاه‌ها (به جای اشتغال پایدار) و مصادره و واگذاری سلیقه‌ای (به جای احترام به مالکیت) در فضای اقتصادی کشور حاکم باشد.

در این شرایط بنگاه‌ها نیز در مسیری پیش می‌روند که به جای تلاش برای افزایش بهره‌وری در یک

نمونه‌های مشابه جهانی تعیین کند. نکته دیگر آنکه هدف اصلی بنگاه‌ها از فعالیت‌های اقتصادی، کسب سود است. در شرایط عادی بنگاه‌ها در تلاش هستند با حداقل کردن هزینه‌ها، سود خود را افزایش دهند. اما اگر دریافت یارانه و بهره‌بردن از حمایت‌های دولت بتواند جایگزین مناسبی برای سود آنها باشد، باز هم بنگاه‌ها برای افزایش بهره‌وری و کسب سود تلاش خواهند کرد؟ تجربه نشان داده در این شرایط، بنگاه‌ها به جای تلاش برای کسب سود، دریافت یارانه را انتخاب خواهند کرد. دلیل این انتخاب آن است که استفاده از امتیازات ویژه‌ای که دولت به بنگاه‌های اقتصادی تخصیص می‌دهد، راحت‌تر از تلاش برای افزایش بهره‌وری است. به علاوه تمایل برای دریافت یارانه و کاهش بهره‌وری یکدیگر را تشدید می‌کنند. با افزایش دریافت حمایت، بهره‌وری کاهش یافته و با کاهش بهره‌وری بنگاه‌ها تلاش می‌کنند برای آنکه موجودیت خود را حفظ کنند، از حمایت بیشتری برخوردار شوند.

### ریشه مشکلات کجاست؟

بسیاری از کارشناسان اقتصادی معتقدند دولت‌ها در ایران با نیت دستیابی به خودکفایی از طریق حمایت صنایع داخلی، ساختاری را به وجود آورده‌اند که در آن بنگاه‌های اقتصادی به جای رقابت برای کاهش هزینه‌های تولید و همچنین افزایش بهره‌وری، راهی را برمی‌گزینند که به ورشکستگی منتهی می‌شود. در واقع سیاستگذاران با نیت رشد بنگاه‌های اقتصادی، با سیاستگذاری‌های مبتنی بر دلسوزی خود، آن‌ها را به سمت کاهش بهره‌وری و ورشکستگی سوق می‌دهد.

در سال‌های گذشته کارشناسان اقتصادی بسیاری به این موضوع پرداخته‌اند. آن‌ها معتقدند هدف سیاستگذاران، یعنی رشد و افزایش بهره‌وری صنایع، بدون ثبات بخشی به اقتصاد کلان کشور میسر نخواهد بود. در شرایطی که نرخ ارز در نوسان بوده و اقتصاد کلان به بیماری مزمن تورم مبتلاست، صنعتگران نمی‌توانند در مسیر عادی رشد و شکوفایی قرار بگیرند. سیاستگذاران نیز با حمایت‌های خود آنها را از مسیر اصلی شان منحرف می‌کنند. بنابراین مسیر منطقی آن است که مشکلات تولید کشور به صورت ریشه‌ای حل شود. به عبارتی دیگر سیاستگذاران اقتصادی، با ثبات بخشی به اقتصاد کلان می‌توانند به این هدف خود یعنی رشد و شکوفایی صنایع داخلی دست یابند.

کاهش آسیب‌های وارد شده به صنایع بوده است. اما در تصمیم‌گیری‌های این چنینی، تنه‌انیت خیر کافی نیست. اقتصاد یک علم است و ساز و کارهای مشخص خود را دارد. بسیاری از کارشناسان معتقدند اگر دولت‌ها برای جلوگیری از آسیب دیدن صنایع، به حمایت‌های بی‌رویه از آنها بپردازند، صنایع به صورت هوشمندانه‌ای به جای آنکه افزایش بهره‌وری را اولویت خود قرار دهند، به سوی کسب بیشتر استفاده از حمایت‌ها خواهند رفت. این مسیر یعنی حمایت دولت از صنایع و کاهش بهره‌وری آنها، راه‌هایی است که برخی از صنایع ایرانی در سال‌های گذشته طی کرده‌اند.

### معامله دولت و بنگاه‌های تولیدی

در دهه‌های گذشته، دولت در مواقعی با شعار حمایت از تولید متعهد شده برخی از ملزومات صنایع، از جمله سوخت را با قیمتی ارزان‌تر از آنچه در بازار وجود دارد به تولیدکنندگان بدهد. اما این حمایت‌ها بدون چشم‌داشت نبوده است. در واقع نیت اصلی دولت برای انجام چنین کارهایی جلوگیری از افزایش قیمت محصولات تولیدشده به اندازه تورم موجود در کشور بوده است. بنابراین پس از آنکه حمایت‌ها در قالب‌های مختلف انجام شده، دولت توقع خواهد داشت قیمت‌گذاری صنایع، مطابق میل خودش باشد. بنابراین می‌توان گفت در بسیاری از اوقات، پروسه حمایت از صنایع و بنگاه‌های داخلی بیشتر به یک معامله شباهت پیدا کرده است. دولت به صنایع امکاناتی می‌دهد و از آنها می‌خواهد قیمت‌ها مطابق آنچه خود می‌گوید تعیین شود.

یا اینکه به جای چابک‌سازی صنایع، سطح نیروی کار مازاد را به شکل قابل توجهی افزایش دهد. بسیاری از کارشناسان معتقدند معامله صورت گرفته بین دولت و صنایع، منطقی نبوده و نمی‌تواند باعث افزایش بهره‌وری شود. در پروسه تعیین قیمت تولیدات یک بنگاه اقتصادی، عوامل مختلفی تاثیرگذارند. دولت با تأمین یکی از نیازهای بنگاه یا فرضاً اعطای یارانه نمی‌تواند قیمت منطقی محصول تولید شده را محاسبه کند. دلیل این مساله نیز آن است که حمایت‌های دولت، تمامی نیازهای تولید را برآورده نمی‌کند و در نهایت بنگاه‌ها در مسیر تولید محصولات خود مجبور خواهند شد بسیاری از نیازهای خود را با قیمت‌های جهانی تهیه کنند. در واقع بسیاری از هزینه‌های بنگاه‌های تولیدی بر اساس قیمت‌های جهانی است؛ در صورتی که دولت اصرار دارد قیمت‌هایی پایین‌تر از

مسیری را پیش پای بنگاه‌های اقتصادی می‌گذارند، که در نهایت به کاهش بهره‌وری و ورشکستگی صنایع منتهی می‌شود. در سال‌های گذشته دولت‌ها سعی داشته‌اند هنگام تشدید بی‌ثباتی‌های اقتصاد کلان و نوسانات نرخ ارز، با اعطای یارانه و حمایت از صنایع، از آسیب دیدن آنها جلوگیری کنند. این در حالی است که پس از اعطای امتیاز به بنگاه‌ها، در قیمت‌گذاری محصولات آنها دخالت کرده‌اند. در چنین شرایطی بنگاه‌های اقتصادی از تلاش برای رسیدن به هدف اصلی خود یعنی افزایش بهره‌وری و کسب سود دست می‌کشند و برای به دست آوردن امتیازهای بیشتر تلاش می‌کنند.

دلیل این اتفاق آن است که دخالت‌های دولت در قیمت‌گذاری محصولات صنایع، از کسب سود آنها می‌کاهد. در این شرایط، بنگاه‌هایی که باید زحمات تولید را به جان بخرد، به سود مورد نظر خود نیز دست پیدا نمی‌کند. به همین دلیل راه بی‌درستی را انتخاب می‌کند؛ این راه، به دست آوردن هر چه بیشتر حمایت‌ها و امتیازات دولتی است. به همین دلیل است که کارشناسان اقتصادی معتقدند در شرایطی که اقتصاد کلان بی‌ثبات بوده و از بیماری مزمن تورم رنج می‌برد، یارانه‌های دولتی نمی‌تواند به رشد بنگاه‌های اقتصادی کمک کند. به همین دلیل ثبات بخشی به اقتصاد کلان، منطقی‌ترین راه دستیابی به افزایش بهره‌وری صنایع داخلی است.

### مسیر زوال صنایع

در سال‌های گذشته عوامل مختلفی نظیر تحریم‌های اقتصادی موجب شده است سیاستگذاران به تولید صنایع داخلی توجه بیشتری نشان دهند. آن‌ها در تلاش بوده‌اند با حمایت‌های مختلف، به رشد و پیشرفت این صنایع کمک کنند. این حمایت‌ها از مجراهای مختلفی صورت می‌گیرد. اعطای وام‌هایی با بازپرداخت‌های طولانی و همچنین نرخ بهره پایین یکی از مصداق‌های حمایت از صنایع است. یکی دیگر از این موارد تخصیص ارز ارزان قیمت به تولیدکنندگان بوده است. تشدید تحریم‌های اقتصادی در سال‌های گذشته موجب شده است نرخ ارز نوسانات زیادی را تجربه کند.

بررسی تجربیات سال‌های گذشته هنگام افزایش نوسانات نرخ ارز نشان می‌دهد دولت برای حمایت از صنایع، شرایط خاصی از جمله تخصیص ارز ارزان قیمت را برای برخی از صنایع به وجود آورده است. می‌توان گفت انگیزه سیاستگذاران از اتخاذ چنین تصمیماتی به وجود آوردن یک ضربه گیر برای



این مرکز با بررسی نقاط قوت و ضعف لایحه برنامه هفتم توسعه و آسیب شناسی برنامه ششم، تاکید دارد برای توسعه گرا و تحول آفرین بودن احکام بخش صنعت در برنامه هفتم، صرفاً اصلاح احکام موجود نتیجه بخش نخواهد بود و باید بسته‌ای همگرا از سیاست‌ها و احکام تحول بخش در کنار یکدیگر مورد توجه و تصویب قرار گیرد.

از همین رو تدوین پیشنهادهای الحاقی را در دستور کار قرار داده است. ارزیابی مرکز پژوهش‌های مجلس از عملکرد برنامه ششم توسعه در بخش صنعت نشان می‌دهد، تنها حدود ۱۰ درصد احکام برنامه ششم توسعه در این بخش عملکرد اثر بخش داشته که شاید حتی بتوان گفت اگر برنامه هم تدوین نمی‌شد، این میزان از تغییرات به هر حال در طول زمان رخ می‌داد.

از عمده دلایل عدم موفقیت احکام برنامه ششم در بخش صنعت، به ایرادهای ناشی از قانون گذاری و هدف گذاری نامناسب، فقدان رویکرد آینده پژوهی، اعمال تحریم، موانع محیطی، جهش نرخ ارز، تخصیص ناکافی و تاخیر در تخصیص اعتبارات پیش بینی شده، نبود بازار رقابتی برخی تولیدات کشور، تاخیر در تدوین آیین نامه‌ها و معطل ماندن اقدام‌های لازم، نبود شاخص‌های مشخص برای ارزیابی برخی احکام و ضمانت اجرا اشاره کرد.

این در حالی است که در تجربه تاریخی، کشورهایی که توانسته‌اند رشد اقتصادی سریع را تجربه کرده و به سطوح بالای رفاه دست یابند همگی کشورهایی بوده‌اند که در مرحله جهش اقتصادی خود، رشد سریع بخش صنعت را تجربه کرده‌اند.

دستیابی بخش صنعت به بیش از ۳۰ درصد ارزش افزوده و اشتغال ملی در دوره جهش اقتصادی، یکی از حقایق اثبات شده توسعه اقتصادهای پیشرفته محسوب می‌شود.

در اقتصاد ایران اما، بخش صنعت هیچ‌گاه توانسته است به سهمی بیش از ۲۰ درصد دست یابد و در طول دو برنامه توسعه گذشته نیز از نظر ارزش افزوده سهم صنعت به حدود ۱۳ درصد اقتصاد کشور (به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰) کاهش یافته است.

### نقاط قوت و ضعف لایحه برنامه هفتم در صنعت

در برنامه‌ریزی‌های بخش‌ی، برنامه‌ریزی توسعه بخش صنعت در جایگاهی ویژه قرار دارد؛ چرا که دستیابی به اهدافی نظیر تقویت ظرفیت‌های تولید، تسریع رشد اقتصادی، افزایش تنوع‌یابی و عمق بخشی به تولید و صادرات، بهبود اشتغال مولد،



## خلاصه صنعتی برنامه هفتم

### صنایع مختلف در برنامه هفتم توسعه چگونه دیده شده‌اند؟



**«هدف‌گیری صنعتی و اولویت‌بندی صنایع پیشران»، «ماموریت‌گرا کردن سازمان‌های توسعه‌ای» و «بهبود تامین مالی صنعتی» مهم‌ترین توصیه‌های مرکز پژوهش‌های مجلس برای الحاق به برنامه هفتم توسعه در بخش صنعت هستند**

فقدان استراتژی توسعه صنعتی به‌عنوان پایه‌ای برای مواجهه با مسائل تولید، از مهم‌ترین نقاط ضعف لایحه برنامه هفتم توسعه از نظر بازوی پژوهشی مجلس است. رویکرد توصیه‌ای و ارشادی احکام، هدف‌گذاری کمی در خصوص صنایع پایه بدون توجه به الزامات و بی‌توجهی به توسعه صنعتی مبتنی بر صنایع ساخت‌محور، خلأهای صنعتی این برنامه عنوان شده است.

«هدف‌گیری صنعتی و اولویت‌بندی صنایع پیشران»، «ماموریت‌گرا کردن سازمان‌های توسعه‌ای» و «بهبود تامین مالی صنعتی» مهم‌ترین توصیه‌های مرکز پژوهش‌های مجلس برای الحاق به برنامه هفتم توسعه در بخش صنعت هستند.



شده، حال آنکه انتخاب طرح‌های پیشران و زنجیره ارزش، هنگامی قابل انجام است که پیش از آن استراتژی توسعه صنعتی تدوین شده باشد. فراتر از این موضوع، رویکرد توصیه‌ای و ارشادی احکام»، «بی‌توجهی به مسائل اصلی و موقوف کردن حل مسائل به آینده»، «هدف‌گذاری کمی در خصوص صنایع پایه بدون توجه به الزامات»، «بی‌توجهی به توسعه صنعتی مبتنی بر صنایع ساخت‌محور» و «بی‌توجهی به ظرفیت سازمان‌های توسعه‌ای متناسب با مأموریت محوری آنها» را می‌توان از دیگر نقاط ضعف لایحه برشمرد.

### چرخش‌های تحول‌بخش

برنامه هفتم توسعه در شرایطی تدوین شده است که اقتصاد ایران بیش از هر چیز نیازمند دستیابی به راهکارهای تحول‌بخش است. در حال حاضر احکام لایحه برنامه، فاقد چنین رویکردی به مسائل بخش صنعت به نظر می‌رسد. به عبارت دیگر، مجموعه احکامی که برای حل چالش‌های بخش توصیه شده‌اند، بیشتر مبتنی بر حل مسائل روزمره دستگاه‌ها و فاقد چارچوبی برای ایجاد تحول در این بخش هستند.

این در حالی است که برای توسعه‌گرا و تحول‌آفرین بودن احکام بخش صنعت، صرفاً احکام موجود نتیجه‌بخش نخواهد بود، بلکه باید بسته‌ای همگرا از سیاست‌ها و احکام تحول‌بخش را در کنار یکدیگر مورد توجه و تصویب قرار داد.

در این راستا ایجاد چرخش‌های تحول‌آفرین در سه بخش «هدف‌گیری صنعتی»، «تدوین مأموریت برای سازمان‌های توسعه‌ای» و «توجه به تامین مالی صنعتی» مهم‌ترین توصیه‌های گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس برای الحاق به برنامه هفتم توسعه هستند.

### اولویت‌بندی و هدف‌گیری صنایع

#### پیشران

از جمله دلایل اصلی کم‌توفیق بودن برنامه‌ها در تحقق اهداف توسعه صنعتی، فقدان تدوین سیاست مبتنی بر استراتژی توسعه صنعتی است. در واقع تدوین استراتژی توسعه صنعتی یعنی هدف‌گیری صنایع پیشران و تنظیم سیاست‌های فرابخشی و بخشی در راستای آن یکی از مهم‌ترین الزامات موفقیت برنامه‌ها محسوب می‌شود. با توجه به این موضوع، تدوین استراتژی توسعه صنعتی در سه‌برنامه توسعه گذشته همواره یکی از احکام برنامه‌ها بوده است.

تقویت بنیه دفاعی و امنیتی و حتی جلوگیری از آسیب‌های ناشی از بیکاری و اشتغال ناقص همگی با توسعه صنعتی و به‌ویژه توسعه بخش صنعت گره خورده‌اند. از طرفی تدوین برنامه‌های پنج‌ساله از جمله فرصت‌های دولت برای توجه به روندهای میان‌مدت و بلندمدت و سیاست‌گذاری برای تاثیرگذاری بر این روندهاست.

با بررسی لایحه برنامه هفتم توسعه در بخش صنعت می‌توان مشاهده کرد که از جمله مهم‌ترین نقاط قوت لایحه مذکور توجه به «ساماندهی مجوزهای صنعتی با ملاحظه ظرفیت تولید»، «حذف معافیت‌های مالیاتی خام‌فروشی» «کاهش سوداگری زمین در محدوده شهرک‌های صنعتی» و «جلوگیری از توقف تولید در فرآیند دادرسی قضایی» است.

در لایحه برنامه هفتم مانند دوره قبل تحقق رشد ۸ درصدی برای کل اقتصاد هدف‌گذاری شده است. سهم بخش صنعت در تحقق این رشد دستیابی به رشد متوسط سالانه ۵/۸ درصد در مقایسه با رقم مشابه در دوره قبل معادل ۳/۹ درصد است. اما آیا دستیابی به این هدف میسر است؟

بررسی‌های مرکز پژوهش‌های مجلس از لایحه برنامه هفتم توسعه در بخش صنعت، مهم‌ترین ضعف این سند را فقدان مدل نظری برای آن عنوان کرده است

به عبارت دیگر فقدان تدوین و نبود استراتژی توسعه صنعتی به عنوان پایه‌ای برای مواجهه با مسائل تولید و به‌ویژه بخش صنعت را می‌توان مهم‌ترین نقطه ضعف این لایحه دانست؛ مسأله‌ای که از «فصل‌بندی» تا محتوای احکام لایحه را تحت تاثیر قرار داده و به جای توجه به صنعت، عنوان «طرح‌های کلان پیشران و زنجیره ارزش» برای فصل مربوط به احکام صنعت و معدن انتخاب



**از عمده دلایل عدم موفقیت احکام برنامه ششم در بخش صنعت، به ایرادهای ناشی از قانون‌گذاری و هدف‌گذاری نامناسب، فقدان رویکرد آینده‌پژوهی، اعمال تحریم، موانع محیطی، جهش نرخ ارز، تخصیص ناکافی و تاخیر در تخصیص اعتبارات پیش‌بینی‌شده، نبود بازار رقابتی برخی تولیدات کشور، تاخیر در تدوین آیین‌نامه‌ها و معطل ماندن اقدام‌های لازم، نبود شاخص‌های مشخص برای ارزیابی برخی احکام و ضمانت اجرا اشاره کرد**





این در حالی است که با اجرایی نشدن این حکم در زمان مقرر و نبود سیاستگذاری مبتنی بر آن و نیز با تاکید فصل مرتبط با صنعت بر «پروژه‌ها و صنایع پیشران» لایحه برنامه هفتم توسعه فاقد رویکردی برای حمایت از صنایع پیشران است. به نظر می‌رسد برنامه هفتم در درجه اول باید واجد توجه به اهمیت تعیین صنایع پیشران باشد و در درجه بعدی بکوشد تا کاستی‌های روش‌های قبل را جبران کرده و رویکردی موثر برای تعیین صنایع پیشران اتخاذ کند.

در فرامطالعه انجام شده در مرکز پژوهش‌ها، هشت مطالعه پیشین نهادهایی نظیر وزارت صمت و سازمان برنامه و بودجه مرور شد و نکات مشترک آنها مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد همه این مطالعات مبتنی بر کدهای دورقمی آیسیک بوده و حداقل هشت رسته فعالیت در پنج مطالعه تکرار شده‌اند که این رسته فعالیت‌ها را می‌توان صنایع غذایی، نساجی، شیمیایی، فلزات اساسی، ماشین‌آلات و تجهیزات، ماشین‌آلات مولد برق، رادیو و تلویزیون، وسایل نقلیه موتوری و سایر تجهیزات حمل و نقل عنوان کرد.

با در نظر گرفتن تحولات صنعتی و نیز با توجه به زنجیره‌های ارزش، در اینجا می‌توان پیشنهاد کرد که انتخاب صنایع پیشران و اولویت‌دار در برنامه هفتم توسعه حول سه محصول نهایی و زنجیره ارزش آنها سامان یابد. سه محصول پیشنهادی عبارتند از: «پوشاک»، «خودرو» و «لوازم الکترونیک (لوازم خانگی)»

انتخاب این صنایع تا حدی مبتنی بر مشاهده روندهای گذشته کشورهای پیشرو است. البته این انتخاب‌ها پویایی خاص خود را دارند و در تجربه تاریخی، عبور کشورها از یک مرحله توسعه موجب تمرکز بیشتر آنها بر یکی از این سه حوزه شده است.

علاوه بر این، با عطف توجه به اهمیت زنجیره‌های ارزش در اقتصاد کنونی جهان، در تمام تجربیات تاریخی کشورهای موفق، سه محصول پیش گفته نقشی مهم در ایجاد این پیوندها داشته‌اند. توسعه این محصولات به توسعه زنجیره ارزش آنها و ایجاد پیوندهای گسترده درون اقتصاد ملی انجامیده است. درباره این سه محصول و زنجیره ارزش آنها باید گفت که زنجیره ارزش پوشاک، زنجیره‌ای کاربر و اشتغال‌زاست که به واحدهای کوچک و متوسط هم (که در ایران بخش غالب ساختار بنگاهی را تشکیل می‌دهند) اجازه می‌دهد وارد فعالیت اقتصادی و رقابت شده و ضمن کسب سود، توسعه را به پیش

ببرند.

توسعه این محصول ضمن توسعه زنجیره ارزش گسترده حامی آن، بهره‌گیری بهتر از موجودی سرمایه و نیروی انسانی کشور را در پی دارد.

فرا تر از این، وجود گسترده مواد خام (پنبه و الیاف پلی‌استر) در کشور، امکان شکل‌گیری زنجیره ارزش داخلی در این صنعت را فراهم کرده است. باید تاکید کرد که بر اساس برآوردهای انجام شده، توسعه صنایع نساجی و استفاده از محصولاتی نظیر الیاف پلی‌اکریل (محصول میانی پتروشیمی)، ارزش افزوده‌ای تایین برابر خام‌فروشی برای این صنایع به همراه دارد. این مساله که در نیم‌قرن اخیر بدون گذار ایران از مرحله توسعه منبع محور، همراه با افول جدی سهم اشتغال صنایع نساجی بوده، به نحوی که از سهم ۳۰ درصدی در ۱۳۵۰ به سهم ۵ درصدی در سال‌های اخیر رسیده‌اند، اهمیت توجه به این صنعت را نشان می‌دهد.

در کنار این صنعت، می‌توان از صنعت خودرو نام برد که جزو صنایع پیشران در تاریخ توسعه صنعتی کشورها بوده است و به دلیل تأثیری که بر ۶۰ صنعت دیگر دارد (به‌طور مثال از طریق توسعه صنایع فلزی، پلاستیکی، شیمیایی، پارچه، عایق، شیشه، الکترومکانیکی، برق، متالورژی و...) نقش مهمی در توسعه صنعتی کشورها ایفا کرده است. صنعت خودرو در ایران عمدتاً با حمایت‌های دولت توسعه پیدا کرد؛ اما اکنون از ظرفیت خوبی برای توسعه برخوردار است. علاوه بر این، زنجیره ارزش خودرو، از پتروشیمی و فولاد تا صنایع با فناوری بالا و پیشرفته گسترده است و می‌تواند به تولید محصولات این صنایع نظیر ایجاد ورق‌های فولادی تأثیر بگذارد. عمده سیاست‌های اتخاذ شده به منظور توسعه صنعت خودرو، بر کنترل تجارت و قیمت‌گذاری متمرکز بوده است. لازم به ذکر است که کارکرد سیاست کنترل تجارت، تنها خرید زمان به‌منظور توسعه صنعت داخلی برای رقابت با شرکت‌های خارجی است، از همین رو اگر این موارد با سایر سیاست‌های تشویقی و تنبیهی به‌منظور سوق دادن شرکت‌های داخلی به سمت توسعه کیفیت و بهره‌وری همراه نباشد، هرگز به توسعه منجر نخواهد شد. دولت با ابزارهایی که در اختیار دارد باید انگیزه و تصمیم‌بخش‌های اقتصادی را تحت تأثیر قرار داده، سود آنها را با سود و منافع ملی همراستا کند. بنابراین سیاست‌های صنعتی اتخاذ شده از سوی دولت نقش محوری در جهت‌دهی به فعالیت‌ها دارد. طی ۳۰ سال گذشته سیاست‌های صنعتی بخش خودرو دارای ایرادات

راهبردی در طراحی این ابزارها بوده است. سیاست‌هایی مانند تعرفه واردات خودرو، تعرفه واردات قطعات خودرو، استانداردها، دستورالعمل قیمت‌گذاری و حمایت‌های مالی طی این چند دهه به کار گرفته شده؛ اما فهم ناقص از این ابزارها، اشتباه در عملیاتی‌سازی را به دنبال داشته است.

دست آخر، صنعت الکترونیک و زیرمجموعه آن لوازم‌خانگی، از دیگر صنایع اولویت‌دار است. کشورها در مرحله توسعه دانش‌بنیان و ورود به صنایع دانایی محور، پیشران بودن این صنعت را تجربه می‌کنند. محصولات لوازم‌خانگی از آنجا که زمینه را برای توسعه این صنایع فراهم می‌کنند، دیگر محصول نهایی و زنجیره ارزشی هستند که برای توسعه تولید اهمیت دارند. این صنعت در سال‌های گذشته با ممنوعیت ورود کالاهای خارجی، از بازار نسبتاً حفاظت شده برای توسعه برخوردار شده و توانسته است برخی از ظرفیت‌ها را با توسعه برندهای بومی فعال کند.

توسعه این صنعت هم که وابستگی زیادی به توسعه صنایع فولادی و پتروشیمی و ماشین‌سازی دارد، می‌تواند زمینه دیگری برای ایجاد پیوندهای گسترده و افزایش قابلیت‌های تولیدی در کشور فراهم کند و از این نظر می‌تواند محصول و زنجیره ارزش پیشران باشد. باید توجه کرد که در برنامه‌های گذشته و حتی لایحه کنونی، صنایع منبع‌محوری نظیر بالادست و میان دست پتروشیمی و فولاد مورد توجه و حمایت دولت‌ها بوده‌اند، این در حالی است که به دلیل فقدان تقاضای موثر برای محصولات خاص، توسعه این صنایع به شکل‌گیری زنجیره‌های ارزش داخلی منجر نشده است. در مقابل تمرکز بر این محصولات نهایی موجب ایجاد تقاضا برای برخی از انواع محصولات صنایع پیش گفته شده و به توسعه این صنایع جهت می‌دهد که یکی از اهداف اصلی تعیین صنایع پیشران در برنامه‌ها تحقق همین هدف است.

### ماموریت محوری سازمان‌های توسعه‌ای

دیگر ظرفیت مهمی که در کشور وجود دارد اما لایحه برنامه نسبت به آن بی‌توجه است، سازمان‌های توسعه‌ای هستند. این سازمان‌ها از مهم‌ترین ابزارهای دولت در تسریع فرآیند صنعتی شدن محسوب می‌شوند و در سطح بین‌المللی و ملی حضور دارند.

در سطح ملی، سازمان‌های توسعه‌ای را می‌توان به سه دسته سازمان‌ها و شرکت‌های توسعه‌ای، نهادهای مالی توسعه‌ای و موسسات تحقیقاتی و

از اولویت‌های برنامه‌ریزی در بخش صنعت محسوب می‌شود. در این زمینه سازمان گسترش و نوسازی ایران می‌تواند مجرای خوبی برای تحقق این اهداف باشد. علاوه بر این، با توجه به مزیت‌هایی که رویکرد توسعه خوشه‌ای برای توسعه صنایع کوچک و متوسط فراهم می‌سازد، تدوین الگوی توسعه خوشه‌ای و ماموریت دادن به سازمان صنایع کوچک برای تحقق این ماموریت در طول برنامه می‌تواند اقدامی مهم و تحول‌بخش در رفع نیازهای بخش صنعت باشد.

### تامین مالی صنعتی

با وجود آنکه سختی دسترسی به تامین مالی جزو سه‌چالش اصلی عنوان شده توسط بخش خصوصی برای توسعه فعالیت‌ها در سال‌های اخیر محسوب می‌شود، لایحه برنامه هفتم توسعه به خوبی در جهت رفع مشکلات تامین مالی بخش صنعت گامی برنمی‌دارد. در واقع موازی‌کاری این نهادها و فقدان ارائه تسهیلات مطابق با نیازها و ویژگی‌های بخش موجب شده است تا با وجود انواع نهادها و سازمان‌های تخصصی تامین مالی صنعتی، این مشکل همچنان پابرجا باشد. فقدان انسجام در زمینه تامین مالی موجب می‌شود تا هر ساله منابع گوناگونی که برای حمایت از اعطای تسهیلات ترجیحی به بخش در بودجه‌های سنواتی در نظر گرفته می‌شود، یا منابع آن تامین نشود یا اگر منابع آن تامین شود، با انحراف منابع در هنگام تخصیص به نتایج ملموس نرسد. به عنوان یک چرخش تحول‌آفرین می‌توان به ادغام پنج بانک تخصصی توسعه‌ای با یکدیگر و تشکیل بانک توسعه‌ای (در کنار بانک‌های تجاری) اشاره کرد.

در صورت تحقق این مهم در برنامه هفتم توسعه، می‌توان انتظار داشت که برخی از مشکلات بخش حل شود و در صورت عدم تحقق این مهم، تکرار ماده برنامه ششم در زمینه سهمیه‌بندی تسهیلات و تعیین سهمی به عنوان کف تسهیلات اعطاشده به بخش صنعت می‌تواند در ایجاد تحول در تامین مالی صنعتی تا حدودی نقش داشته باشد. در پایان باید گفت، تدوین برنامه‌های پنج‌ساله توسعه از جمله فرصت‌های دولت برای توجه به روندهای میان‌مدت و بلندمدت و سیاست‌گذاری برای تاثیرگذاری بر این روندهاست. ارائه لایحه برنامه هفتم توسعه پس از دو سال تاخیر انجام شده؛ اما فرصت مغتنمی برای تنظیم سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های میان‌مدت کشور هم در سطح کلان و هم در سطوح بخشی است.



آموزشی توسعه‌ای تقسیم کرد. این سازمان‌ها حداقل ۶ دسته خدمات نظیر توسعه و گسترش فناوری، توسعه عملیات، گسترش تجارت و صادرات، خوشه‌سازی، شبکه‌گستری و به هم‌رسانی کسب و کارها، گسترش سرمایه‌گذاری و مالیه توسعه‌ای و گسترش و جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را بر عهده دارند. به رغم این ظرفیت، لایحه برنامه توجه کافی به تعیین ماموریت برای سازمان‌های توسعه‌ای نداشته است. تعیین ماموریت برای سازمان‌های توسعه‌ای در طول برنامه ضمن جهت‌دهی به فعالیت‌های این سازمان‌ها و نظارت‌پذیر و شفاف‌تر کردن عملیات این سازمان‌ها می‌تواند یاری‌رسان کشور برای جبران برخی از اساسی‌ترین نیازهای بخش باشد. از این جمله می‌توان به دو کارکرد مورد نیاز کشور یعنی بازسازی و نوسازی صنایع و نیز توسعه صنایع کوچک و متوسط اشاره کرد. با توجه به فناوری نسبتاً منسوخ بسیاری از صنایع که به بهره‌وری پایین آنها منجر می‌شود، به‌روزرسانی فناوری یکی

**از عمده دلایل عدم موفقیت احکام برنامه ششم در بخش صنعت، به ایرادهای ناشی از قانون‌گذاری و هدف‌گذاری نامناسب، فقدان رویکرد آینده‌پژوهی، اعمال تحریم، موانع محیطی، جهش نرخ ارز، تخصیص ناکافی و تاخیر در تخصیص اعتبارات پیش‌بینی‌شده، نبود بازار رقابتی برخی تولیدات کشور، تاخیر در تدوین آیین‌نامه‌ها و معطل ماندن اقدام‌های لازم، نبود شاخص‌های مشخص برای ارزیابی برخی احکام و ضمانت اجرا اشاره کرد**



## در جازدگی صنعتی

چشم انداز صنعت سلامت با دست فرمان فعلی چگونه است؟

و پرهزینه تلاش کرده‌اند نادیده بگیریم، بلکه هدفم ارزیابی سیاستگذاری صنعتی است. این ارزش افزوده از درون مشکلات زیر ایجاد می‌شود که دورنمای صنعت در ایران را نشان می‌دهد.

### تکنولوژی قدیمی و ناتوانی در نوآوری:

در حالی که صنایع دنیا با استفاده از طراحی‌های نوین و ماشین‌آلات جدید با سرعت توان تولیدی خود را افزایش می‌دهند، صنایع ایران به دلیل ارتباط نداشتن با اقتصاد جهانی و ناتوانی در ایفای نقش در زنجیره ارزش تولید جهانی از همان ماشین‌آلات قدیمی استفاده می‌کنند که موجب شده متوسط عمر تکنولوژی صنعتی به شدت افزایش



**اگر بخش صنعت را ارزیابی کنیم، انگار ۱۱ سال صنعت ایران در یکجا مانده است و اگر ماهیت بخش صنعت را بررسی کنیم اوضاع از این هم غمناک‌تر است**

ارزش افزوده بخش صنعت به صورت سرانه یعنی به ازای هر ایرانی از ۲/۶ میلیون تومان در سال ۱۳۹۰ به ۲/۷ میلیون تومان در سال ۱۴۰۱ بر اساس قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰ رسیده است. به عبارتی رفاهی که برای هر ایرانی از بخش صنعت ایجاد شده، طی این سال‌ها کاملاً در جازده است. یعنی آمار رسمی بانک مرکزی از تولید بخش صنعت پیشرفتی را نشان نمی‌دهد. براساس همین معیار، اگر بخش صنعت را ارزیابی کنیم، انگار ۱۱ سال صنعت ایران در یکجا مانده است و اگر ماهیت بخش صنعت را بررسی کنیم اوضاع از این هم غمناک‌تر است. البته به هیچ وجه نمی‌خواهم تلاش صنعتگرانی را که در محیط اقتصادی بی‌ثبات

خود، هم دستمز دمناسبی بگیرند و هم به پیشرفت صنعتی و انباشت دانش صنعتی کمک کنند. هر چند برخی شرکت‌های صنعتی در این میان استثنا بوده‌اند.

### زنجره‌ها و خوشه‌های صنعتی ناقص و پراکنده:

چند دلیل باعث این موضوع شده است: تصمیم‌گیری سیاسی مانند صنعت پتروشیمی یا فلزات یا خودرو که مکان‌یابی پروژه‌های صنعتی در سراسر کشور را بسیار ناکارآمد کرده‌اند، خصوصی‌سازی ناقص که حلقه‌های یک صنعت را با مالکیت پراکنده از هم جدا کرده‌اند، نداشتن استراتژی برای توسعه صنعتی که بتواند تکمیل زنجره‌های ارزش صنعتی را اولویت‌بندی کند و به‌ویژه به سمت حلقه‌های ارزش‌آفرین نهایی حرکت کند تا ایران در زنجره ارزش جهانی جایگاه پیدا کند و پاداش‌دهی با انرژری ارزان به صنایع خام‌فروش که مزیت مصنوعی برای صنایع کشور ایجاد کرده است.

### مقیاس کوچک تولید:

به نظرم مهم‌ترین معضل ارزش‌آفرینی محدود بخش صنعت در ایران، همین مساله است. به دلایل مختلف این معضل ایجاد شده و به روابط سیاسی و اقتصادی درون کشور و حتی روابط تجاری و سیاسی بین‌المللی ایران آسیب زده است. یک دلیل بحث شرایط ورود به صنعت است. برخی استدلال می‌کنند چون دولت به همه اجازه ورود به صنعت را می‌دهد و تعداد مجوزهای ورود زیاد است، در نتیجه مقیاس تولید در کشور کوچک شده است. این دلیل خود محصول سایر دخالت‌های ناکارآمد دولت است؛ وقتی دولت، سهمیه وام ارزان قیمت به صنایع اختصاص می‌دهد، به هر کسی که مجوز داشته باشد سهمیه ارز دولتی می‌دهد، سهمیه واردات می‌دهد، سهمیه خرید مواد اولیه با نرخ دولتی می‌دهد و چند امتیاز رانتی دیگر که برخی صاحبان مجوز صنعتی از آن بهره‌مند شده‌اند. این دخالت ناکارآمد است که اجازه ورود به تازه‌واردان بی‌صلاحیت را می‌دهد؛ کسانی که هم کیفیت کالا در بازار داخل را خراب می‌کنند و هم به برندهای ایرانی در خارج از کشور آسیب می‌زنند. البته دلیل دیگری که برندهای ایرانی نمی‌توانند در مقیاس جهانی تولید کنند محدودیت‌هایی است که در داخل برای برخی ایجاد شده و آسیب تحریم‌ها به این برندها در عرصه جهانی است.

یافته و پیوندهای بین صنایع به مخاطره بیفتند. برای نمونه، قطعه‌سازی خودرو یا ماشین‌آلات صنعتی را در نظر بگیرید و آن را با مشابیه‌های پیشرو در جهان مقایسه کنید.

### کمبود نیروی انسانی باانگیزه:

بخش صنعت در سال‌های اخیر نتوانسته است بابت خدمات نیروهای جوان و دانش‌آموخته دستمزد متناسبی پرداخت کند؛ هم نسبت به سایر بخش‌های اقتصادی و هم نسبت به خارج از کشور. بنابراین، هم مهاجرت سرمایه‌های انسانی و هم وارد نشدن نیروهای مستعد به صنعت باعث شده است معضل پیروی نیروهای ماهر در برخی صنایع به وجود آید و ناتوانی در جایگزینی این نیروها به آینده صنعت آسیب خواهد زد. ساختار پاداش در اقتصاد ایران طی سال‌های اخیر به گونه‌ای نبوده است که استعدادهای کشور جذب صنعت شوند و با نوآوری



**برخی استدلال می‌کنند چون دولت به همه اجازه ورود به صنعت را می‌دهد و تعداد مجوزهای ورود زیاد است، در نتیجه مقیاس تولید در کشور کوچک شده است. این دلیل خود محصول سایر دخالت‌های ناکارآمد دولت است؛ وقتی دولت، سهمیه وام ارزان قیمت به صنایع اختصاص می‌دهد، به هر کسی که مجوز داشته باشد سهمیه ارز دولتی می‌دهد، سهمیه واردات می‌دهد، سهمیه خرید مواد اولیه با نرخ دولتی می‌دهد و چند امتیاز رانتی دیگر که برخی صاحبان مجوز صنعتی از آن بهره‌مند شده‌اند**





# راه نجات صنعت ایران

دارو و تجهیزات پزشکی بخشی از صنعت ایران هستند که متحمل فرار و نشیب‌های متعددی شده‌اند



برنامه‌هایش قرار دهد.

مهم‌ترین ویژگی صنعت این است که محصولات آن عرصه به ظهور رسیدن دانش و تکنولوژی است. پیدایش انقلاب صنعتی سبب شد که دانش بشر در قالب تکنولوژی در محصولات صنعتی ظاهر شود. کلید فهم جنبه اقتصادی انقلاب صنعتی این است که منابع بیشتری با هزینه بسیار کمتر در فرآیند تولید به کار گرفته شد تا کالاهای بسیار بیشتری با کیفیت بالاتر در قیمتی که برای بخش‌های بسیار بیشتری از جامعه قابل پرداخت است، عرضه شود. در حدود دو قرن که از آغاز انقلاب صنعتی گذشته است، تکنولوژی جدید روز به روز بیشتر در محصولات صنعتی وارد شده و گستره بیشتری از انواع کالاهار با قیمت‌های نسبی پایین‌تر وارد



**صنعت ما در حال از دست دادن ارتباط خود با دنیاست و اگر نتواند این عقب‌افتادگی را جبران کند، لاجرم جایی در دنیای آینده نخواهد داشت؛ نه در دنیا و نه حتی در ایران**

صنعت ایران، به تبع مشکلاتی که تمامی اقتصاد ایران با آن روبه‌روست، با مشکلات بسیاری دست و پنجه نرم می‌کند و به دلیل ویژگی‌های محصولی که تولید می‌کند، با چند مشکل منحصر به فرد هم روبه‌روست. در میان این مشکلات، آنچه در درازمدت توجه به آن ضروری است، مساله عقب‌افتادگی در استفاده از زیرساختارهای مدرن است که در دنیای امروز پاره جدانشدنی هر فعالیت مولد شده است. صنعت ما در حال از دست دادن ارتباط خود با دنیاست و اگر نتواند این عقب‌افتادگی را جبران کند، لاجرم جایی در دنیای آینده نخواهد داشت؛ نه در دنیا و نه حتی در ایران. این اتفاق می‌افتد؛ مگر اینکه سیاستگذار اقتصادی فراهم آوردن زمینه‌های ارتباط با دنیا را در صدر



که در بسیاری از محصولات صنعتی شاهد آن هستیم.

امکان ارتباطات کم هزینه و گسترده با دنیا لازمه ورود به عرصه تولید صنعتی در سطح جهانی است. ساختاری که چنین امکانی را فراهم کند، جنبه‌های متعددی دارد، ولی می‌توان به حداقل‌هایی از آن اشاره کرد. داشتن اینترنتی که با استانداردهای روز دنیا همخوانی داشته باشد، ضروری‌ترین و غیرقابل اغماض‌ترین عنصر این زیرساخت‌های مدرن ارتباطات است. تقریباً قطعی است که تا چندی دیگر اینترنت به شکل ماهواره‌ای و با سرعتی هزاران برابر سرعت کنونی در اختیار خواهد بود. فعالیت در دنیای آینده بدون دسترسی به چنین زیرساخت‌های ارتباطی تقریباً به شوی می‌ماند. به این بیفزایید ارتباطات بین‌المللی مالی و حقوقی و بازرگانی و مانند اینها را تا درکی از زیرساخت‌های مدرن به دست آید.

در سال‌های گذشته، مشکلات اقتصادی از جمله سیاست‌های نادرست ارزی، به مشکلات سیاسی ایران از جمله تحریم‌های بین‌المللی اضافه شد تا اقتصاد ایران را وارد بحران‌هایی عظیم کند که در نهایت در قالب رشد نزدیک به صفر برای بیش از یک دهه ظاهر شد. اخیراً افزایش نرخ ارز، هرچند با تکان‌های شدید همراه بود و مشکلات متعددی را به همراه آورد، حداقل مزیت نسبی قیمتی برای تولیدکنندگان صنعتی ایران به ارمغان آورده است. شنیده‌ها حاکی از این است که برخی از بخش‌های صنعت توانسته‌اند با اتکا بر مزیت قیمتی که افزایش قیمت دلار برایشان ایجاد کرد، بخشی از بازار داخلی و بازارهای محدودی در کشورهای همسایه را در اختیار بگیرند. این امر قطعاً مثبت است و امید می‌رود که سیاست‌های ارزی به نوعی نباشد که این مزیت را از تولیدکنندگان ایرانی بگیرد.

در بلندمدت، آنچه اهمیت دارد این است که رشد صنعت مستلزم شناخت دنیایی است که تولیدکنندگان صنعتی در آن به فعالیت مشغولند. دنیای ما با سرعتی باورنکردنی در حال تغییر است. یاد گرفتن از این تغییرات برای صنعتگران ما مستلزم حضور مستمر در این دنیای متحول است. این حضور امروزه از حالت انتخاب خارج شده و مساله، حفظ بقاست. اگر بناست سیاست‌گذاری اقتصادی یک هدف را برای بقای صنعت در صدر برنامه‌های خود قرار دهد، به احتمال زیاد، آن هدف فراهم آوردن زیرساخت‌های مهم ارتباطی است تا صنعت ما از تجربه دیگران بیاموزد و راه خود را پیدا کند.

تامین آنها را دارند یا حداقل زمینه تولید آنها را فراهم می‌کنند. تولید صنعتی از کشورهای پیشرفته به کشورهای در حال توسعه منتقل شده است؛ ولی فقط کشورهایی را شامل می‌شود که توانسته‌اند این زیرساخت‌ها را بدون وقفه فراهم کنند. به علاوه، حوادث دوران همه‌گیری کرونا که در جریان زنجیره عرضه اختلال ایجاد کرد، به ما نشان داد که زندگی ما تا چه حد به جریان بی‌وقفه کالا و خدمات و اطلاعات بستگی دارد.

آنچه اهمیت آن روز به روز بیشتر می‌شود، استفاده از زیرساخت‌های مدرن ارتباطات است. این زیرساخت‌ها به طور روزافزونی به دنیای مجازی منتقل شده است. امروزه داشتن وب‌سایتی که به صورت تخصصی ساخته شده باشد، به طوری که اطلاعات مفید را به زبان و شکلی قابل استفاده برای مشتریان بالقوه ارائه کند، مانند داشتن سواد خواندن و نوشتن است. استفاده فزاینده از یادگیری ماشین که قادر است فرآیندهای تولید و ارائه خدمات را به طرز حیرت‌آوری بهبود بخشد، این را به ما متذکر می‌شود که بدون استفاده از این زیرساخت‌ها باقی تولید صنعتی در دنیای امروزی تقریباً غیرممکن است.

شاید تا ۳۰ سال پیش تولیدکننده ایرانی یک کالای تجهیزات پزشکی می‌توانست با تولیدکننده ترکیه‌ای رقابت کند؛ ولی این رقابت روز به روز سخت‌تر شده و بدون دسترسی به زیرساخت‌های ارتباطی جهان امروزی، در آینده نزدیک غیرممکن می‌شود. تولیدکننده ترکیه‌ای می‌تواند مواد لازم برای تولید خود را از بازار جهانی خریداری کند و مطمئن باشد که این مواد بدون وقفه در دسترس است. او می‌تواند از خدمات حقوقی شرکتی در لندن برای تضمین صحت مدارک و شرکتی در نیویورک برای تهیه مدارک حسابداری یا خدمات بیمه استفاده کند. می‌تواند از شرکت بازاریابی سوئدی برای شناخت مشتریان در هند استفاده کند و از شرکت چینی برای ارسال محصولاتش به بازار جهانی بهره بگیرد.

می‌تواند از مهندسان و برنامه‌نویسان زبده ایرانی که در امارات مشغول کار هستند، برای بهبود فرآیند تولید خود استفاده کند. مهم‌تر از همه، هزینه ارتباط با این منابع برایش نزدیک به صفر است. محصولی که او تولید می‌کند، هم از نظر کیفی و هم از نظر قیمتی، بر کالایی که بدون دسترسی به این امکانات تولید می‌شود، برتری دارد. دیر یا زود، بازار ایران هم به تصرف کالای ترکیه‌ای درخواهد آمد. چه در قالب واردات رسمی و چه در قالب قاچاق، آنچنان

زندگی ما کرده است. این روند با گسترش اینترنت و کاهش غیرقابل باور هزینه ارتباطات، ما را وارد دنیایی کرده است که هم تولید صنعتی و هم مصرف کالاهای صنعتی در آن فرآیندی جهانی است.

به این بیفزایید ماهیت محصولات صنعتی را که قابل مبادله است. بنابراین بازارهای آن بازارهای جهانی هستند. امروزه در بیشتر نقاط دنیا محصولاتی استفاده می‌شود که تمامی یا حداقل بخش‌های قابل توجهی از آن در محل تولید نشده است. صنعت هیچ‌گاه پشت درهای بسته شکوفا نشده است و به طریق اولی در دنیای امروز هم نخواهد شد. اگر می‌شد، خودروسازی ما باید الان دنیا را تسخیر می‌کرد. تولید صنعتی در جهان امروز در عرصه‌ای به شدت رقابتی صورت می‌گیرد. مسابقه‌ای بزرگ در جریان است تا فرآیندهای تولید کارآمدتر و کم‌هزینه‌تر شوند. بنگاه‌های صنعتی اگر نتوانند از منابع ارزان‌تر، در هر جای جهان که باشند، استفاده کنند، محکوم به خروج از بازار و واگذار کردن عرصه به بنگاه‌های کارآمدتر هستند. همین است که بخش عظیمی از تولید بنگاه‌های صنعتی کشورهای پیشرفته در کشورهای در حال توسعه انجام می‌شود که دسترسی به نیروی کار ارزان آسان‌تر است.

این بنگاه‌ها هزینه‌های عظیمی را صرف تحقیق و توسعه در جهت بهبود فرآیندهای تولید می‌کنند تا از رقبای عقب‌نمانند، بخش‌های بازرگانی، حسابداری، مدیریتی و حقوقی در بنگاه‌های صنعتی بخش‌هایی بسیار پیچیده و تخصصی هستند تا از صحت عملکرد بنگاه در بازارهای بین‌المللی اطمینان حاصل شود. بنگاه‌های صنعتی کوچک‌تر و بنگاه‌های کشورهای در حال توسعه از خدمات بنگاه‌های تخصصی مدیریت، بازرگانی و حسابداری که با قواعد بین‌المللی آشنا هستند، استفاده می‌کنند تا از چرخه ارائه محصولی متناسب با بازارهای امروزی عقب‌نمانند. به عبارت دیگر، هسته مرکزی تولید صنعتی در دنیای امروز، در ماشین خلاصه نمی‌شود، بلکه فرآیند یادگیری است که فقط با حضور در این مسابقه بزرگ برای عرضه کالاهای بهتر با هزینه پایین‌تر امکان‌پذیر است.

این فرآیند نیاز به زیرساخت‌های گسترده‌ای دارد. زیرساخت‌های فیزیکی از قبیل راه‌ها، بنادر و آب و برق و گاز، دهه‌هاست که به عنوان لوازم ضروری برای توسعه صنعتی شناخته شده است. بخش بزرگی از این زیرساخت‌ها توسط بنگاه‌های اقتصادی تامین نمی‌شود، بلکه دولت‌ها وظیفه



# راه‌حل توسعه صنعتی ایران

آیا برنامه هفتم توسعه منجر به رهایی تولید در مسیر توسعه خواهد شد؟

حسین سلاح‌ورزی رئیس اتاق ایران در یادداشتی نوشت: پاسخ این سوال که آیا متن پیشنهادی برنامه هفتم توسعه در شکل فعلی آن به توسعه صنعتی منجر خواهد شد، در یک کلمه، «خیر» است. برای فهم این معنا که چرا برنامه هفتم نسبت محکمی با توسعه صنعتی ندارد، در ابتدا باید به بررسی عمیق‌تر مفهوم توسعه صنعتی بپردازیم.

توسعه صنعتی به معنای ایجاد تحول در ساختار سرمایه اکوسیستم تولید و تجارت برای بهره‌مندی نظام اقتصادی از تولید مقیاس‌پذیر و انعطاف‌پذیر متکی به «دانش فنی صورت‌بندی شده» است. توسعه صنعتی پیش از آنکه در آمار تولید و سایر شاخص‌های اقتصاد کلان یک کشور ظاهر شود، در واقع مجموعه‌ای از مناسبات ارزش‌آفرین، نه فقط در اکوسیستم تولید و تجارت، بلکه در میان نظامات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور است.

## آنچه شکل‌گیری این مناسبات در یک کشور را امکان‌پذیر می‌سازد، شامل دو رکن اساسی است:

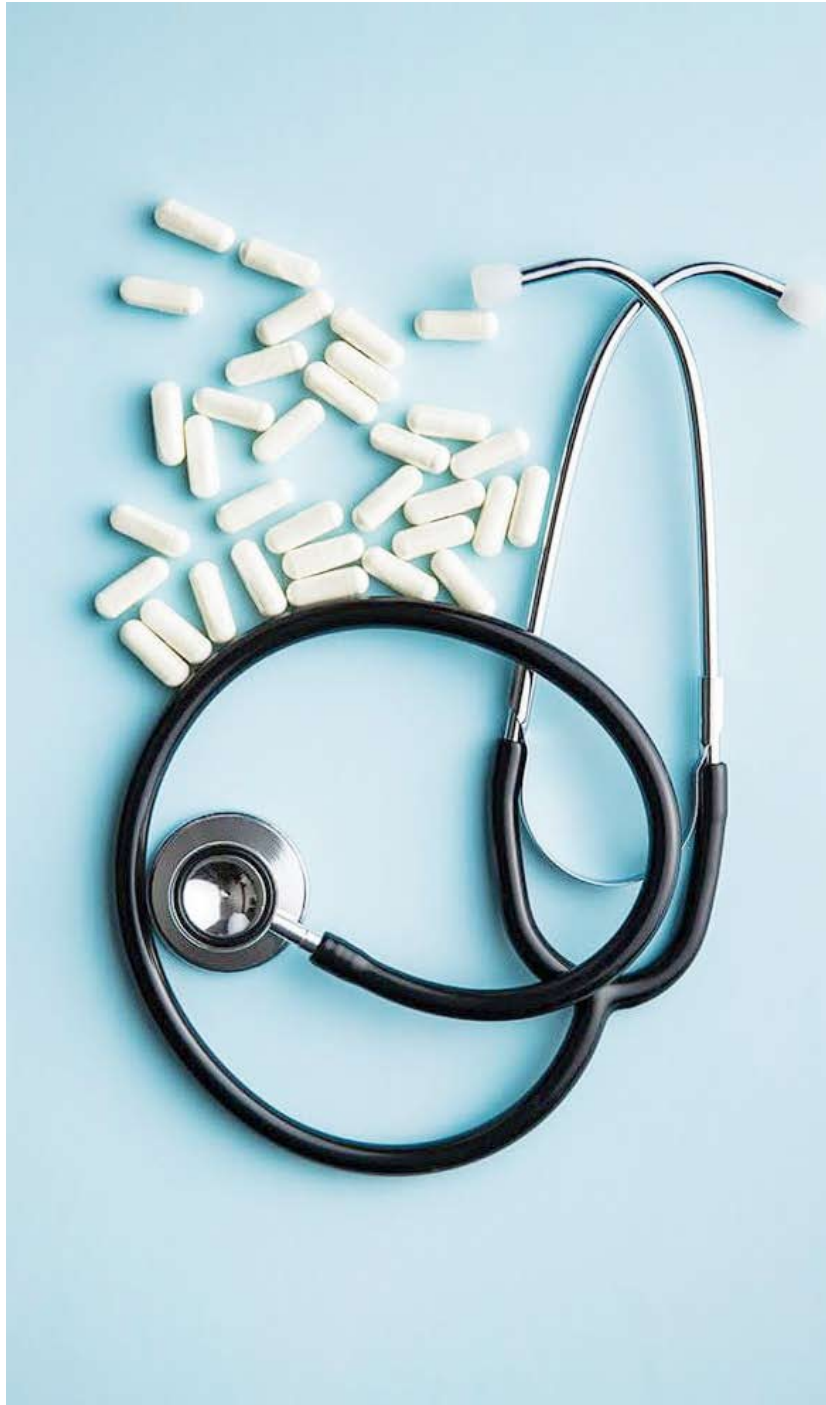
الف) امکان شکل‌گیری روابط پیچیده میان کنشگران اقتصادی برای توسعه تقسیم‌کار تخصصی؛

ب) تحرک‌پذیری سرمایه در واکنش به سیگنال بهره‌وری عوامل تولید.

موضوع شکل‌گیری روابط پیچیده میان کنشگران اقتصادی، به صورت خلاصه نیازمند ظرفیت نهادی در کشور است. در قلب هر نهادی مجموعه‌ای از الگوهای عرفی و فرهنگی رفتار قرار دارد که در این مورد مشخص (توسعه صنعتی) ظرفیت لازم برای تعاملات موردنیاز در یک جامعه صنعتی را به صورت پایدار فراهم می‌کند.

مواردی همچون شکل‌گیری صورت‌های پیچیده حق مالکیت، عموماً حقوق مالکیت مترتب بر امتیازات و تعهدات مترتب بر ریسک‌های تجاری و سایر دارایی‌های نامشهود، به‌ویژه دارایی‌های نامشهود دانش پایه را فراهم می‌کند. ضمانت اجرای قراردادهای اقتصادی، به‌ویژه در مورد آن دست‌قراردادهای پیچیده را که امکان تفکیک موثر و کارآمد مدیریت از مالکیت را دارند فراهم می‌کند.

تحرک‌پذیری نیروی کار تحصیل کرده، نه فقط در پهنه جغرافیایی، بلکه در نقش‌های گوناگون، حسب نیاز اکوسیستم تولید و تجارت - که فقره اخیر خود نیازمند زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی پردامنه‌ای در جامعه شهری است - که زندگی





شده است) یا وضع یارانه و محرک‌های مقداری برای تشویق سرمایه‌گذاری، اثر معناداری در توسعه صنعتی کشور نخواهند داشت.

اعمال این اصلاحات و تغییرات البته کار ساده‌ای نیست و قطعاً شبکه ذی‌نفعان بزرگ وضعیت امروز، از انبوه جمعیت طبقات فقیر دریافت‌کننده سوبسیدهای سیاه تا گروه‌های منافع کوچک اما قدرتمند که از فضای آلوده به رانت فعلی نفع هنگفتی می‌برند، در برابر هر تغییری مقاومت خواهند کرد. به نظر می‌رسد در شرایط فعلی هر گونه سیاست‌گذاری برای سوق دادن کشور به سوی توسعه صنعتی باید به‌جای پرداختن به جزئیات مناسبات تولید و تجارت، همت خود را مصروف و متمرکز بر دو نکته کند:

یکم: ارتقای کارآیی و اثربخشی تولید و عرضه کالاها و خدمات عمومی، به‌ویژه در حوزه حکمرانی اقتصادی با اتکا به اصولی همچون شفافیت در بهای تمام‌شده و فرآیند عرضه خدمات و پاسخگویی در برابر ذی‌نفعان پیرامون منطق تنظیم‌گری از طریق تقویت ساخت‌یافتگی در روند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری مقررات‌گذاری؛

دوم: بازتعریف نقش و جایگاه سیاست در سپهر مناسب ملی و تغییر آن از «مدیریت‌کننده کشور» به یکی از اجزای نظام اجتماعی که وظیفه تولید کالاها و خدمات عمومی را بر عهده دارد.

انجام این اقدامات البته سخت و پیچیده و دردناک است و از این منظر می‌توان درک کرد که چرا سیاست‌گذاران عموماً از انجام آن طفره می‌روند و تلاش می‌کنند راه‌حل‌های جایگزین (و به زعم خود میانبر) از جنس مداخلات مستقیم در نظام سازماندهی صنعتی را برای تحقق آرمان توسعه پیدا کنند.

آنچه در شرایط حاضر از فعالان اقتصادی بخش خصوصی و بدنه جامعه برای کمک به روند توسعه صنعتی کشور ساخته است، تحمل ناملاهیات و همراهی با اهالی سیاست در پرداخت هزینه‌های نه‌چندان اندک مورد نیاز برای اعمال این تغییرات ساختاری است. امیدواریم اهالی سپهر سیاست نیز در شرایطی که مقام معظم رهبری احیای اقتصاد را اولویت راهبردی کشور دانسته‌اند و افزایش نقش‌پذیری بخش خصوصی واقعی در اکوسیستم تولید و تجارت را به عنوان مسیر تعقیب این راهبرد معرفی کرده‌اند، با شجاعت و جدیت نسبت به اعمال اصلاحات ساختاری در نظام حکمرانی اقتصادی برای تحقق «توسعه صنعتی» اقدام کنند.

شهروندان را (حداقل) از دوران تحصیلات متوسطه تا بازنشستگی، از طریق ایجاد ارتباط میان ارزش‌ها و انگیزه‌های فردی با نیازهای اکوسیستم اقتصادی و اجتماعی تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. نقش‌پذیری در زنجیره ارزش جهانی تولید و تجارت که علاوه بر دسترسی به زیرساخت‌های بین‌المللی خدمات مالی و حقوقی، نیازمند داشتن شهروندانی است که ظرفیت قابل ملاحظه‌ای برای نقش‌پذیری در فضا و بازارهای بین‌المللی داشته باشند.

ضمانت حاکمیت قانون برای حفاظت از سرمایه‌گذاری‌های سنگین انجام‌شده در کسب و کارهای تخصصی و با درجه پیچیدگی بالا، در برابر ریسک‌های سیاسی و حقوقی و ...

در مورد تحرک‌پذیری سرمایه، علاوه بر تمام موارد فوق، وجود بازارهای پایدار و کارآ (رها از دخالت‌های موردی و متکی به تنظیم‌گری مسوولانه) برای مخابره واضح سیگنال بهره‌وری و همچنین وضعیت عمومی ساختار اقتصاد کلان که به شکل‌گیری چارچوب تفکر راهبردی فعالان اقتصادی منجر می‌شود، نیازمند تغییر است. به‌عنوان مثال نمی‌توان همزمان با گرفتن مالیات توری ۵۰ درصدی، همه فعالان اقتصادی بازار را به اتخاذ استراتژی جنگ قیمتی ترغیب کرد؛ با دخالت‌های ساختاری در بازار، تقلب رایج بخش گریزناپذیری از معامله با مصرف‌کننده تبدیل کرد و بعد انتظار داشت تولیدکنندگان با سرمایه‌گذاری روی زیرساخت‌های تولید بهره‌ور، تمرکز خود را بر رقابت جهت گرفتن سهم بیشتر از بازار قرار دهند.

به صورت خلاصه، موانع اصلی پیش‌روی توسعه صنعتی ایران موانعی از جنس سیاست، اقتصاد سیاسی و عوارض سیاست و اقتصاد سیاسی در اقتصاد کلان هستند و پیش از رفع این موانع، ابزارهایی همچون ایجاد محدودیت‌های ساختاری در بازار به نفع بازیگران داخلی (چنان که در صنعت خدمات فناوری اطلاعات تحت شبکه پهن‌بند دیده



**موانع اصلی پیش‌روی توسعه صنعتی ایران**  
**موانعی از جنس سیاست، اقتصاد سیاسی و**  
**عوارض سیاست و اقتصاد سیاسی در**  
**اقتصاد کلان هستند**





## لزوم پیگرد متجاوزان به حقوق دیگران

هم‌زمان با برگزاری مراسم هفته قوه قضائیه، نشست تخصصی «شناسایی موانع تولید و راهکارهای رفع آن» با حضور رئیس سازمان بازرسی، وزرای جهاد کشاورزی و تعاون کار و رفاه اجتماعی و همچنین معاونان وزیر صنعت، معدن و تجارت، رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران و برخی چهره‌های نام‌آشنای حوزه‌های اقتصادی و اصناف در سازمان بازرسی کل کشور برگزار شد.

رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران در این نشست از آمادگی اتاق ایران برای همکاری مشترک با قوه قضائیه به خصوص در حوزه شناسایی و رفع مشکلات محیط کسب و کار خبر داد و گفت: بررسی نظر صاحبان کسب و کار در مورد مشکلات حوزه قضا در طرح پایش محیط کسب و کار که در سال گذشته با مشارکت حدود ۵ هزار کارآفرین انجام شده، حاکی از این است که هیچ کدام از مشکلات مرتبط با دستگاه قضا جزو ۵ مشکل اول کارآفرینان نبوده؛ اما بخش خصوصی یک مساله دارد که مستقیماً مربوط به قوه قضائیه است و با عزم این دستگاه برطرف خواهد شد.

حسین سلاح‌ورزی در نشست تخصصی «شناسایی موانع تولید و راهکارهای رفع آن» در سازمان بازرسی کل کشور، افزود: ضعف دادگاه‌ها در رسیدگی به شکایات و پیگرد موثر متجاوزان به حقوق دیگران از جمله مشکلات کارآفرینان است و امتیاز آن در طرح پایش سال گذشته ۶۳۴ (عدد ۱۰ بدترین نمره است) بوده که نسبت به سال قبل ۳/۵۱ درصد بدتر شده است.

او ادامه داد: ما فکر می‌کنیم تسهیل و توسعه دادگاه‌های تجاری می‌تواند در میان مدت این وضعیت را بهبود دهد؛ از این رو پیشنهاد می‌کنیم دوباره برای تسهیل دادگاه‌های تجاری، گام‌های مشترک تعریف کنیم.

رئیس اتاق ایران در ادامه، ضمن تقدیر از پای کار بودن قوه قضائیه در رفع مشکلات فعالان اقتصادی، اظهار کرد: در حوزه اقتصاد، سه مساله وجود دارد که جز با همکاری دستگاه قضا امکان حل نداریم.

اولین مساله، بی‌تعهدی طرف‌های قرارداد و معامله به اجرای تعهدات و وعده‌هایشان است که امتیاز آن در طرح پایش با ۱/۱۷ درصد نزول به ۵/۴۶ رسیده و عملاً عنصر «اعتماد» به‌عنوان زیربنای فعالیت اقتصادی را تضعیف کرده است. سلاح‌ورزی با تأکید بر اینکه ما خواستار طراحی



## چالش‌های بخش خصوصی در عدلیه

بخش خصوصی، سخنان ایشان در زمینه لزوم پرهیز دولت از مداخله در مسائل بخش خصوصی را یادآور شد و دخالت‌های غیرمنطقی دولت در بازار، از جمله قیمت‌گذاری را غیرسازنده خواند؛ مساله‌ای که به گفته او با گره خوردن آن به منافع گروهی در دولت، به شکل موردانتظار رعایت نمی‌شود. او همچنین به لزوم عمل به تعهدات در معامله و قرارداد اشاره کرد و اعتماد را زیربنای فعالیت اقتصادی خواند. رئیس اتاق بازرگانی ایران همچنین از آمادگی بخش خصوصی برای ایستادن در کنار قوه قضائیه برای مقابله با فساد خبر داد و گفت چنانچه بتوانیم در مسیر کاهش فساد قدم برداریم، سطح سرمایه‌گذاری نیز بهبود پیدا می‌کند.

قوه قضائیه اخیراً توجهی ویژه به مسائل اقتصادی و به‌ویژه مشکلات بخش خصوصی نشان می‌دهد. با همین رویه و مصادف با برگزاری مراسم مختلف در هفته قوه قضائیه، رئیس اتاق بازرگانی ایران، با شرکت در دو نشست به تشریح مشکلات بخش خصوصی و نحوه تعامل با قوای سه‌گانه از جمله قوه قضائیه پرداخت، او با اشاره به طرح پایشی که با مشارکت کارآفرینان انجام شده است مهم‌ترین معضل فعالان اقتصادی با قوه قضائیه را رسیدگی به شکایات و پیگرد متجاوزان به حقوق دیگران اعلام کرد؛ هرچند گفت ۵ مشکل نخست کارآفرینان ارتباطی با این قوه نداشته است. او همچنین با اشاره به تأکید مقام معظم رهبری در بیانات خود درباره



بهبود امنیت سرمایه گذاری است؛ چراکه مانع توسعه سرمایه گذاری، مانع نوآوری و خلاقیت در محصول، خدمات و برندها و مانع رقابت پذیری بنگاه ها است. سلاح ورزی افزود: اتاق ایران پیشنهاد می دهد که کمیسیون مشترکی با قوه قضائیه برای تدوین آیین نامه و مقررات حوزه مالکیت معنوی ذیل همین قانون فعلی و بر اساس احکام اصولی که برخی قضات و دادگاه ها داده اند، تشکیل دهیم تا بتوانیم اصلاحات این حوزه را در میان مدت به رویه قضایی تبدیل کنیم.

### همکاری اتاق با قوه قضائیه در زمینه فساد

رئیس اتاق بازرگانی ایران، صنایع، معادن و کشاورزی ایران پیش از این نیز در همایش حمایت قضایی از تولید و سرمایه گذاری شرکت کرده بود. او در سخنان خود در این همایش گفت: براساس اطلاعات بانک جهانی، اقتصاد ایران جزو ۳۵ اقتصاد بزرگ دنیاست و با وجود ظرفیت های بسیار قابل توجه، به دلیل برخی چالش های خارجی تحریم و مسائل داخلی نتوانسته تا حد ممکن رشد کند. حسین سلاح ورزی با ابراز خرسندی از برگزاری همایش حمایت قضایی از تولید و سرمایه گذاری و ابتکار عمل و توجه ویژه قوه قضائیه نسبت به امنیت سرمایه گذاری در کشور، گفت: اگر قرار است به رشد پایدار اقتصادی برسیم به تداوم توجه قوه قضائیه برای تامین امنیت سرمایه گذاری نیاز داریم و علاوه بر بهره روری و خصوصی سازی واقعی، باید روی مقررات زدایی هم تاکید داشته باشیم.

سلاح ورزی با اشاره به منویات مقام معظم رهبری درباره موضوع اقتصاد و تأییدات ایشان برای تلاش در راستای توسعه اقتصادی، گفت: رهبر معظم انقلاب چندی پیش در سخنانی کوتاه و جامع به دخالت هایی که در ابتدای انقلاب در امور بخش خصوصی شد، اشاره فرمودند و از آن به عنوان اقدامی نادرست یاد کردند که مشکلاتی را در پی داشت، چراکه ایشان همواره در سخنرانی های خود نسبت به جایگاه بخش خصوصی در روند رشد اقتصاد و سرمایه گذاری تاکید داشتند.

رئیس اتاق ایران درباره وضعیت خصوصی سازی و روند واگذاری ها در سنوات مختلف نیز گفت: در برخی سال ها، ابطال و فسخ تمام قراردادهای مربوط به واحدهای واگذار شده، اتفاق افتاد و در روند خصوصی سازی، اختلال هایی ایجاد کرد که لازم است این رویکردها بازنگری شده و آرای داده شده، مورد تجدیدنظر قرار بگیرد.

پیامدهای بدتری برای رقابت پذیری اقتصاد و رشد تولید به دنبال خواهد داشت. او با اشاره به اینکه گفت و گوهای بخش خصوصی با علما نشان می دهد که این موضوع به هیچ وجه محمل و مبنای شرعی ندارد، اظهار کرد: اگر دستگاه قضا آمادگی داشته باشد، ما پیشنهاد می دهیم که یک کمیته مشترک برای تحلیل و تدوین اصلاحات قانونی در حوزه دخالت در قیمت گذاری تشکیل شود.

رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، درباره مطالبه دیگر بخش خصوصی از دستگاه قضا، گفت: ضعف های حقوقی و قانونی و زیرساختی حوزه مالکیت معنوی و صنعتی، یکی از موانع بزرگ

ساز و کار مشترک با قوه قضائیه برای بازسازی تعهدات قراردادی در محیط کسب و کار هستیم، افزود: دومین مساله که به رفع آن با همکاری دستگاه قضا امید بسته ایم، فساد و سوء استفاده افراد از مقام و موقعیت اداری در دستگاه های اجرایی است که امتیاز آن در طرح پایش با ۳/۷۶ درصد نزول به ۶/۷۸ (عدد ۱۰ به منزله بدترین شرایط) رسیده است. او تصریح کرد: فساد زائیده فرآیند فساد است و پیشنهاد می کنیم با همکاری قوه قضائیه براساس یک طرح پایش استانی، به جای شناسایی و برخورد با رشوه بگیران و سازمان ها بیاییم با هم سازمان ها را براساس میزان فساد پذیری، براساس نظرات صاحبان کسب و کار طبقه بندی کرده و به دستگاه های اجرایی اعلام کنیم تا مدیران سازمان ها مجبور به اصلاح فرآیندها شوند.

رئیس اتاق ایران درباره سومین مساله حوزه اقتصاد که با همکاری قوه قضائیه مرتفع خواهد شد، گفت: دخالت های غیر منطقی نهادهای حاکمیتی در تعیین قیمت ها در بازار با ۵/۷۵ درصد نزول نسبت به سال قبل به ۶/۷۶ رسیده است.

سلاح ورزی ادامه داد: دخالت بالای بخش های مختلف دولت در قیمت گذاری، همواره جزو بالاترین شکایات بخش خصوصی است و در فرمایشات اخیر مقام معظم رهبری هم این رویکرد غلط مورد شتمات قرار گرفت؛ اما گمان هایی وجود دارد که این موضوع به تدریج در حال گره خوردن با منافع گروه هایی در دستگاه های اجرایی است که

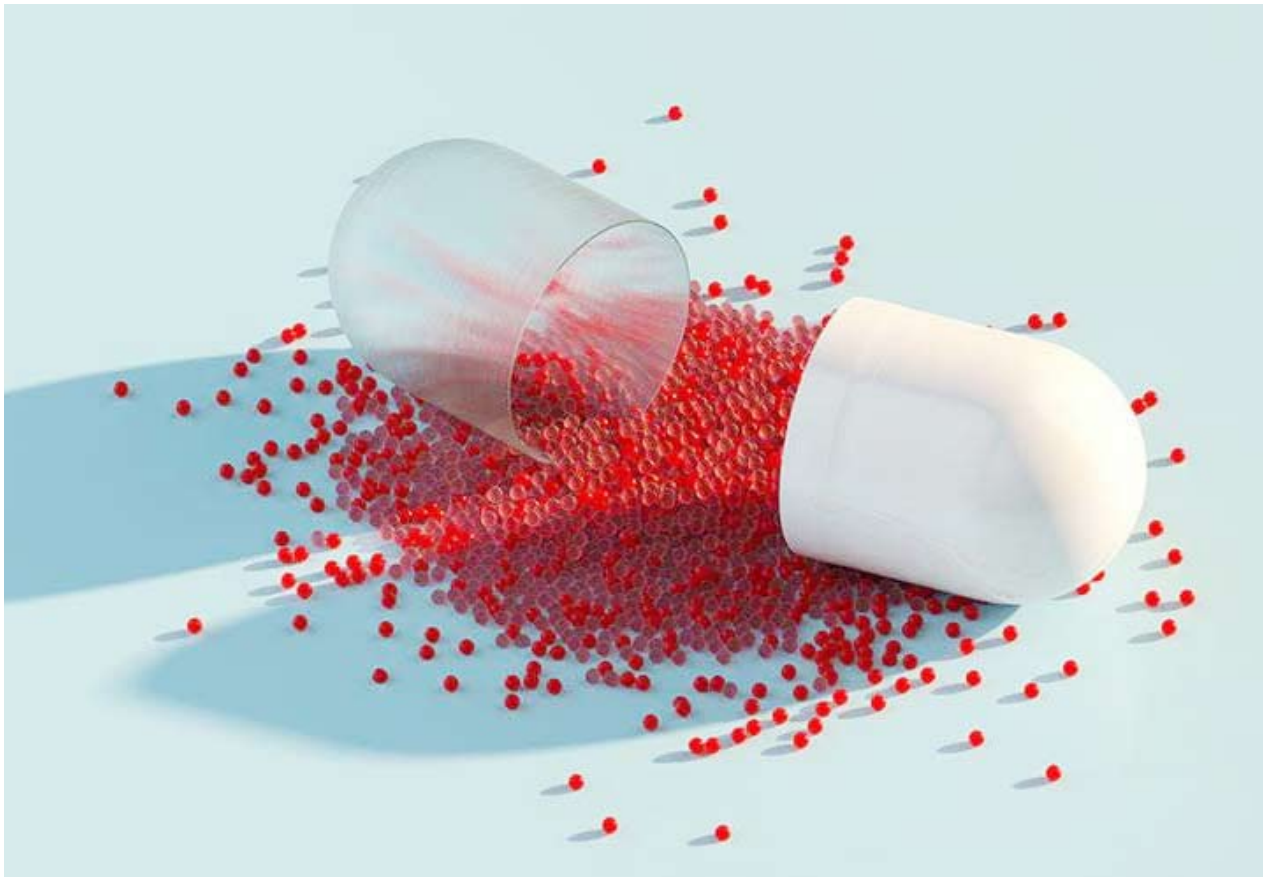
### دخالت بالای بخش های مختلف دولت در قیمت گذاری، همواره جزو بالاترین شکایات بخش خصوصی است و در فرمایشات اخیر مقام معظم رهبری هم این رویکرد غلط مورد شتمات قرار گرفت؛ اما گمان هایی وجود دارد که این موضوع به تدریج در حال گره خوردن با منافع گروه هایی در دستگاه های اجرایی است که پیامدهای بدتری برای رقابت پذیری اقتصاد و رشد تولید به دنبال خواهد داشت





# مردودی صنعت در اشتغال

آیا با کاهش سرمایه گذاری در خطوط داروسازی و تجهیزات پزشکی، می توان منتظر افزایش اشتغال باشیم؟



بوده‌اند. بررسی‌های بازوی پژوهشی مجلس نشان می‌دهد در حالی که هر ۱۰ درصد افزایش در ارزش افزوده این بخش، به‌طور متوسط ۲/۴ درصد تقاضا برای نیروی کار ایجاد می‌کند، اما در سال‌های دهه ۹۰، ارزش افزوده بخش صنعت به‌طور متوسط سالانه منفی ۰/۱ درصد رشد کرده و اشتغال در کارگاه‌های صنعتی به مراتب کمتر از ظرفیت اشتغال‌زایی آن بوده است.

ساختار صنعت در ایران از منظر تولید و سرمایه‌گذاری با هدف اشتغال‌زایی تناسب ندارد و رشد صنعتی ایجاد شده در اقتصاد ایران طی سال‌های اخیر، اشتغال‌زایی نبوده و تقاضای کافی برای استخدام نیروی کار ایجاد نکرده است. بررسی‌های نشان می‌دهد که عملکرد اشتغال‌زایی



**ساختار صنعت در ایران از منظر تولید و سرمایه‌گذاری با هدف اشتغال‌زایی تناسب ندارد و رشد صنعتی ایجاد شده در اقتصاد ایران طی سال‌های اخیر، اشتغال‌زایی نبوده و تقاضای کافی برای استخدام نیروی کار ایجاد نکرده است**

بخش مولد اقتصاد در یک دهه گذشته، در کنار رشد اقتصادی منفی در اکثر سال‌ها، در اشتغال‌زایی نیز کارنامه موفق نداشته و عملکرد اشتغال‌زایی این بخش، به‌طور مشخص از سال ۱۳۸۸ افت محسوسی پیدا کرده است. همچنین از آنجا که ساختار صنعت در ایران، از منظر تولید و سرمایه‌گذاری اشتغال‌زایی نبوده و بیش از اینکه جذب‌کننده نیروی کار باشد، مبتنی بر سرمایه و تجهیزات بوده، رشد صنعتی ایجاد شده در غیاب دو پارامتر نرخ رشد بالا و مستمر، رشد با کیفیتی برای ایجاد شغل محسوب نمی‌شود. صنعت طی این سال‌ها در جذب متخصصان نیز موفق نبوده و ۶۰ درصد شاغلان این بخش کارگران ساده و ماهر

گذشته همراه شود. این در حالی است که براساس برآوردهای اقتصادی به ازای هر ۱۰ درصد افزایش در ارزش افزوده بخش صنعت، به طور متوسط ۲/۴ درصد تقاضا برای نیروی کار جدید ایجاد می شود. موضوع قابل توجه دیگر درباره اشتغال بخش صنعتی کشور، حضور کمرنگ متخصصان است. بررسی ها نشان می دهد که بخش صنعت طی سال های اخیر بیشتر نیروی کار ساده با تحصیلات پایین را جذب کرده و تقاضای این بخش برای نیروی کار بالاتر از لیسانس بسیار اندک است که این موضوع نیز می تواند زنگ خطری برای بخش صنعتی کشور باشد.

مرکز پژوهش های مجلس در گزارشی با عنوان «بررسی ساختار اشتغال صنعتی و برآورد عملکرد اشتغال زایی رشته فعالیت صنعتی در ایران» بر تکمیل زنجیره ارزش صنایع و توسعه پایین دست آن تاکید کرده است تا ضمن تامین ارزش اقتصادی و تولید ثروت، اشتغال مناسب نیز برای کشور ایجاد شود.

یافته های این گزارش نشان می دهد ۶۰ درصد شاغلان تولیدی واحدهای صنعتی را کارگران ساده و کارگران ماهر تشکیل می دهند و براساس برآورد الگوی اقتصادسنجی، به ازای هر ۱۰ درصد افزایش در ارزش افزوده بخش صنعت، به طور متوسط ۲/۴ درصد تقاضا برای نیروی کار جدید ایجاد می شود. همچنین براساس آخرین گزارش های بانک مرکزی در سه ماه دوم ۱۴۰۱، رشد بخش صنعت و معدن در سال ۱۳۹۹ به میزان ۷/۷ درصد و در ۱۴۰۰ میزان رشد ۳ درصد بوده است.

بر این اساس، انتظار می رود تعداد شاغلان این بخش در سال ۱۳۹۹ حدود ۱/۸۵ درصد و در سال ۱۴۰۰ حدود ۰/۷۴ درصد اضافه شده باشد. میزان افزایش شاغلان صنعتی در مقایسه با نیاز بازار کار ایران رقم چندانی نیست و نشان می دهد ساختار صنعت در ایران در وضعیت فعلی عملکردی اشتغال زا ندارد. یافته های این گزارش نشان می دهد که بالاترین اشتغال زایی در بخش صنعت ایران به پنج صنعت تولید فرآورده های غذایی، تولید وسایل نقلیه موتوری، تریلر و نیم تریلر، تولید منسوجات، تولید سایر فرآورده های معدنی غیر فلزی و تولید فرآورده های لاستیکی و پلاستیکی اختصاص یافته است.

### بازار کار و تاثیر بخش صنعت

براساس آمارهای رسمی، حدود نیمی از شاغلان کشور در حوزه خدمات و بیش از ۳۳ درصد نیز در

بخش صنعت در طول زمان کاهش یافته و به طور مشخص از سال ۱۳۸۸ افت عملکرد اشتغال زایی در این بخش محسوس است. این در حالی است که بخش صنعت در صورت اتخاذ سیاست های مناسب می تواند یکی از بخش هایی باشد که قابلیت جذب نیروی کار جدید در سال های آینده را داشته باشد. تحقق این موضوع اما به شرطی است که هم رشد اقتصادی در بخش صنعت، کیفیت مناسب یعنی نرخ رشد بالا و در عین حال مستمر داشته باشد و هم اولویت های صنعتی بر بخش هایی متمرکز باشد که عملکرد اشتغال زایی بالاتری دارند. شواهد اما نشان دهنده آن است که در یک دهه گذشته در کنار رشد اقتصادی پایین اقتصادی در بخش صنعت در بیشتر سال ها، اشتغال زایی کافی در این بخش صورت نگرفته است.

براساس اطلاعات مرکز آمار، ارزش افزوده بخش صنعت بین سال های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ به طور متوسط سالانه منفی ۰/۱ درصد رشد کرده و در همین دوره اشتغال در کارگاه های صنعتی به طور متوسط سالانه ۱/۲ درصد افزایش یافته است که به هیچ وجه پاسخگوی رشد تقاضا برای اشتغال نیست و این موضوع سبب شده است رشد منفی صنعت، با کمبود تقاضای استخدام همین حوزه در دهه

### بخش صنعت در صورت اتخاذ سیاست های مناسب می تواند یکی از بخش هایی باشد که قابلیت جذب نیروی کار جدید در سال های آینده را داشته باشد





بخش صنعت مشغول فعالیت هستند. با توجه به جذب عمده شاغلان در بخش خدمات، شاهد بالفعل شدن این حوزه هستیم. سهم عمده این حوزه عمدتاً کارکنان مستقل هستند که اشتغال غیررسمی و ناپایداری دارند. این در حالی است که صنعت با اتخاذ سیاست‌های مناسب می‌تواند یکی از بخش‌هایی باشد که قابلیت جذب نیروی کار جدید را در سال‌های آینده داشته باشد. این موضوع منوط به این است که رشد اقتصادی در بخش صنعت، اولاً کیفیت مناسبی داشته باشد و در ادامه، بر بخش‌هایی متمرکز باشد که عملکرد اشتغال‌زایی بالاتری دارند. جالب اینکه با وجود افزایش تعطیلی کارگاه‌های صنعتی، تعداد شاغلان بخش صنعت بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸ در مجموع روند افزایشی داشته است که این یعنی افزایش تعداد شاغلان در واحدهای صنعتی باقی‌مانده و در واقع اشتغال‌زایی واحدهای صنعتی بزرگ‌تر نسبت به کوچک‌ترها که چنین چیزی در کمتر کشوری رخ می‌دهد. براساس آمار موجود طی یک‌دهه گذشته، تعداد شاغلان به‌ازای هر کارگاه از ۶۰ نفر در سال ۱۳۹۰ به ۶۲ نفر در سال ۱۳۹۸ افزایش یافته و متوسط تعداد شاغلان کارگاه‌های فعال صنعتی در دهه اخیر برابر ۵۸ نفر بوده است. نکته قابل توجه دیگر این است که از سال ۱۳۹۵ به بعد افزایش متوسط اشتغال‌زایی هر واحد صنعتی مشاهده می‌شود. با این حال، به دلیل روند تعطیلی کارگاه‌های صنعتی که نشانگر رکود در بخش صنعت است، توان اشتغال‌زایی واحدهای فعال موجود در بخش صنعت به آن میزان نبوده است که بتواند پاسخگوی نیاز بازار کار کشور باشد.

### تصویر کلان بازار کار ایران

نتایج تازه‌ترین گزارش مرکز پژوهش‌ها از وضعیت ساختار اشتغال‌زایی صنعتی در ایران حاکی از آن است که در طول دهه ۹۰ شمسی به‌جز سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰، نرخ بیکاری در کشور همیشه دو رقمی بوده است اما تا یک‌دوم مرکز پژوهش‌ها بر این است که نرخ بیکاری تنها نماد بازار کار ایران نیست و نرخ مشارکت اقتصادی هم از شاخص‌های حائز اهمیت است. با این حال، نرخ بیکاری ۱۵ تا ۲۴ ساله‌ها بیش از دو برابر نرخ بیکاری کل جمعیت بوده است.

اگر بخواهیم به بررسی نرخ مشارکت اقتصادی نیز بپردازیم، این نرخ طی سال‌های گذشته کمی بیش از ۴۰ درصد جمعیت فعال کشور را شامل شده و این برای کشوری با ساختار جمعیت جوان و

عملکردهای بالایی آن نرخ پایینی محسوب می‌شود. این موضوع می‌تواند به دلیل حضور دانشجویان، زنان خانه‌دار و افراد ناامید از یافتن شغل در بین جمعیت فعال اقتصادی کشور باشد. در سال ۱۳۹۹ و به واسطه شیوع کرونا، نرخ جمعیت فعال اقتصادی با کاهش چشمگیر یک میلیون و ۴۳۰ هزار نفری مواجه شد و در عین حال بر میزان جمعیت غیرفعال کشور نیز افزوده شد. در واقع به دلیل نبود بیمه‌های بیکاری مناسب، بخشی از جمعیتی که بر غیرفعالان اضافه شده‌اند باید به جمعیت بیکار کشور افزوده می‌شدند؛ اما این مهم صورت نگرفت. همچنین در همین سال، یک میلیون نفر از جمعیت شاغلان نیز کاسته شد.

در فاصله سال‌های ۱۳۹۹-۱۳۹۰ تعداد جمعیت شاغل ۱۵ ساله به بالا ۲۲.۲۵۰ میلیون نفر و تغییرات جمعیت شاغل نسبت به سال قبل از آن به طور متوسط سالانه ۲۷۴ هزار نفر بوده که رقم قابل توجهی است و براساس آمارهای منتشر شده، مانند کاهش نرخ بیکاری، نرخ مشارکت اقتصادی نیز به میزان معناداری طی سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۰ کاهش یافته است. البته نکته مهمی که در این میان نباید جا انداخت جایی است که ترکیب نیروی شاغل و بیکاری نیز در سالیان اخیر دستخوش تغییر شده و به طور کلی میزان افراد بیکار دارای تحصیلات دانشگاهی افزایش چشمگیری داشته، به نحوی که این سهم از حدود ۳۱/۳ درصد در سال ۱۳۹۰ به بیش از ۴۳/۱ درصد در سال ۱۴۰۰ افزایش یافته است. به همین سبب سیاست‌های اشتغال‌زایی در کشور نیز باید به گونه‌ای تدوین و اجرا شود که این بخش از افراد تحصیل کرده جویای کار را در اولویت قرار دهد.

### نحوه توزیع اشتغال در حوزه‌های مختلف صنعتی

صنایع مواد غذایی و آشامیدنی با حدود ۱۷ درصد، بیشترین سهم از شاغلان کارگاه‌های صنعتی را به خود اختصاص داده است. با وجود اینکه در هر کارگاه این صنایع به‌طور متوسط ۵۹ نفر شاغل هستند، اما به دلیل تعداد بالای واحدهای فعال در این صنعت (۱۵۷ واحد) در مجموع شاهد سهم بالایی این بخش هستیم. صنایع تولید سایر فرآورده‌های معدنی غیرفلزی نیز با سهم حدود ۱۳ درصدی از شاغلان صنعتی در رتبه دوم قرار دارد. در این صنعت نیز در هر کارگاه به‌طور متوسط ۴۳/۵ نفر شاغل هستند؛ اما به دلیل تعداد زیاد واحدها (۵۳۵۳ واحد)، در مجموع اشتغال بالایی

ایجاد شده است. تولید فلزات پایه، صنایع تولید وسایل نقلیه موتوری و تریلر و نیم‌تریلر، صنایع تولید مواد و محصولات شیمیایی و تولید فرآورده‌های لاستیکی و پلاستیکی در رتبه‌های بعدی قرار دارند که هر یک بیش از ۶ درصد اشتغال بخش صنعت را تأمین می‌کنند. در برخی از صنایع متوسط تعداد شاغلان در هر واحد صنعتی بالاست اما تعداد واحدهای فعال در این صنایع بسیار کم است و واحدهای فعال در این صنایع، واحدهای صنعتی بزرگ‌مقیاس هستند. به‌طور مثال در تولید محصولات از توتون و تنباکو متوسط تعداد شاغلان در هر کارگاه ۳۰۹ نفر بوده است.

### تحصیلات و مهارت نیروی کار صنعتی

روند صعودی فارغ‌التحصیلان جویای کار در ایران و میزان توانایی صنعت در جذب این افراد از موضوعات مهم بازار کار کشور است. به دلیل گسترش آموزش عالی، تعداد افراد جویای کار با تحصیلات دانشگاهی رو به افزایش است. براساس آمارهای رسمی، در سال ۱۳۹۸ از کل تعداد افراد شاغل در بازار کار ۳۲/۷ درصد دارای تحصیلات دانشگاهی بودند؛ اما در سال ۱۳۹۰ سهم افراد دارای تحصیلات دانشگاهی از کل شاغلان کشور ۲۱/۸ درصد بوده است.

بخش اصلی شاغلان فعال در خط تولید واحدهای صنعتی را کارگران ساده و کارگران ماهر تشکیل می‌دهند؛ هر چند در طول زمان سهم تکنیسین‌ها و مهندسان از شاغلان تولیدی افزایش یافته است. با توجه به روند فزاینده تعداد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی حاضر در بازار کار طی یک‌دهه گذشته، به نظر می‌رسد افزایش تقاضای نیروی انسانی با تحصیلات دانشگاهی بسیار کندتر از آن است که بتواند تحول مهمی در بازار کار ایجاد کند. این موضوع نشان می‌دهد که نیاز بخش صنعت بیشتر معطوف به کارگران ساده و ماهر است. در نتیجه تقاضای صنعت برای نیروی کار بالاتر از لیسانس، پایین است. ضمناً با توجه به تمرکز بخش صنعت بر واحدهای بزرگ‌طی یک‌دهه گذشته و اهمیت یافتن بخش‌هایی مانند بخش مالی، بازاریابی و مدیریت و اداری در واحدهای بزرگ طبیعی است که سهم این دسته از شاغلان در یک‌دهه گذشته افزایش یافته است.

### نتیجه اشتغال‌زایی رشته‌های فعالیت‌های صنعتی

براساس محاسبات اقتصادسنجی مبتنی بر عملکرد

سال‌های اخیر به سمت بنگاه‌های بزرگ‌تر متمرکز شده است. به بیان دیگر، اندازه کارگاه‌های صنعتی بر حسب تعداد شاغلان بزرگ‌تر شده است. از این رو، کاهش اشتغال‌زایی بخش صنعت در طول زمان در کنار افزایش اندازه بنگاه‌ها می‌تواند نشانگر این باشد که بخش عمده اشتغال صنعت را بنگاه‌های کوچک‌تر تشکیل می‌دهند که با تمرکز صنعت بر بنگاه‌های بزرگ‌تر به دلایل مختلف، از جمله نوسانات اقتصادی و آسیب‌پذیری بیشتر بنگاه‌های کوچک‌تر توان اشتغال‌زایی صنعت نیز کاهش می‌یابد.

درواقع به رغم رشد ارزش افزوده بخش صنعت، روند نرخ بیکاری در اقتصاد ایران که انتظار می‌رود رابطه معکوسی با رشد بخش صنعت داشته باشد، چنین رفتاری از خود بروز ندهد است. این امر به آن معنا نیست که هیچ اشتغالی در بخش صنعت ایجاد نشده است، اما این اشتغال به میزانی نبوده است که برای کاهش نرخ بیکاری کافی باشد.

### مقایسه ساختار سرمایه‌گذاری و تولید در صنعت با تمرکز بر اشتغال‌زایی

ساختار صنعت در ایران از منظر تولید به طور مشخص و سرمایه‌گذاری با هدف اشتغال‌زایی تناسب ندارد. بررسی سهم فعالیت‌های مختلف صنعتی از کل ارزش افزوده کارگاه‌های دارای ۱۰ نفر کارکن و بیشتر به‌طور متوسط از سال ۱۳۹۰ تا سال ۱۳۹۸ بیانگر آن است که در دوره مورد مطالعه بالاترین سهم ارزش افزوده را به ترتیب صنایع تولید مواد شیمیایی و فرآورده‌های شیمیایی (۲۲ درصد)، تولید فلزات پایه (۱۷/۱ درصد)، تولید فرآورده‌های غذایی (۹/۹ درصد)، تولید سایر فرآورده‌های معدنی غیرفلزی (۸/۹ درصد) و تولید کک و فرآورده‌های حاصل از پالایش نفت (۸/۶ درصد) تشکیل داده‌اند. آمارها نشان می‌دهد از بین این صنایع که بالاترین سهم از ارزش افزوده صنعتی را در ایران به خود اختصاص می‌دهند، تنها دو صنعت تولید مواد غذایی و صنعت تولید سایر فرآورده‌های معدنی غیرفلزی همزمان عملکرد بالایی برای اشتغال‌زایی دارند که در مقایسه با صنایع رتبه اول این رده‌بندی، سهمی کمتر از نصف از ارزش افزوده دارند. سیاست مناسب این است که تکمیل زنجیره ارزش صنایع و توسعه پایین دست آن مدنظر قرار گیرد که ضمن تامین ارزش اقتصادی و تولید ثروت، اشتغال مناسب توأم با مهارت‌آموزی و آموزش را برای جذب در واحدهای صنعتی نیز برای کشور ایجاد کند.



کارگاه‌های صنعتی طی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۸، کاهش اشتغال‌زایی بخش صنعت در ایران ۰/۲۴ است. براساس آخرین نماگر بانک مرکزی در سه‌ماه دوم ۱۴۰۱، رشد بخش صنعت و معدن در سال ۱۳۹۹ به میزان ۷/۷ درصد بوده و در سال ۱۴۰۰ رشد ۳ درصدی را تجربه کرده است. بر این اساس، انتظار بر این است که تعداد شاغلان این بخش در سال ۱۳۹۹، ۱/۸۵ درصد و در سال ۱۴۰۰ حدود ۰/۷۴ درصد اضافه شده باشد. این میزان افزایش در شاغلان صنعتی در مقایسه با نیاز بازار کار ایران ارقام بالایی نیست و نشان می‌دهد ساختار صنعت در ایران در وضعیت فعلی بیش از اینکه جذب‌کننده نیروی کار باشد، مبتنی بر سرمایه و تجهیزات است. در دهه ۱۳۹۰ به‌ویژه بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ عملکرد اشتغال‌زایی بخش صنعت افت محسوسی نشان می‌دهد.

در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ افزایش عملکرد اشتغال‌زایی بخش صنعت مجدداً مشاهده می‌شود، هرچند در سال ۱۳۹۸ روند جدیدی از افت آن قابل ملاحظه است. البته براساس آمار تعداد شاغلان به ازای هر کارگاه از سال ۱۳۹۵ به بعد افزایش یافته است. این امر نشان می‌دهد که صنعت به تدریج در



**بررسی‌ها نشان می‌دهد که بخش صنعت طی سال‌های اخیر بیشتر نیروی کار ساده با تحصیلات پایین را جذب کرده و تقاضای این بخش برای نیروی کار بالاتر از لیسانس بسیار اندک است که این موضوع نیز می‌تواند زنگ خطری برای بخش صنعتی کشور باشد**



## مقصر پنهان افت تولید

دارو و تجهیزات پزشکی، نیازمند رشد سرمایه گذاری

موجود ارائه داده است. این مطالعه نشان می دهد که هزینه بالای تامین مالی، بازدهی اجتماعی پایین فعالیت های اقتصادی و زیرساخت های ضعیف از اصلی ترین دلایل افت سرمایه گذاری در این سال ها بوده است. این در حالی است که کاهش سرمایه گذاری به ویژه در تحقیق و توسعه و گسترش فعالیت های اقتصادی (بزرگ شدن مقیاس تولید)، رشد بهره وری کل عوامل تولید را تحت الشعاع قرار می دهد. همچنین دسترسی دشوار به منابع مالی در جهت تامین مالی، به ویژه در گروه بنگاه های کوچک و متوسط و نظام واسطه گری مالی ضعیف از محدودیت های سطح پایین سرمایه گذاری در کشور است.

### سرمایه گذاری؛ محرک اصلی و تامین کننده رشد اقتصادی

در این گزارش آمده است: بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و درگیری کشور در جنگ تحمیلی، متوسط رشد اقتصادی نسبت به دهه قبل افزایش یافت و



**کاهش سرمایه گذاری به ویژه در تحقیق و توسعه و گسترش فعالیت های اقتصادی (بزرگ شدن مقیاس تولید)، رشد بهره وری کل عوامل تولید را تحت الشعاع قرار می دهد**

نگاهی به رشد اقتصادی کشور از دهه ۶۰ تا کنون نشان می دهد که روند رو به رشد این نامگر در دهه ۹۰ متوقف شده و به کمترین حد خود در دهه گذشته رسیده است. سرمایه گذاری به عنوان اصلی ترین محرک تامین کننده رشد اقتصادی نیز در این دهه افت چشمگیری داشته و این روند نزولی تا جایی پیش رفته که در سال های اخیر سرمایه گذاری ها حتی کفاف استهلاک را نیز نداده است.

حسن ولی بیگی، مشاور رئیس موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی در مطالعه ای به واکاوی رشد اقتصادی با تاکید بر سرمایه گذاری در دهه ۱۳۹۰ پرداخته و راهکارهایی را در جهت بهبود وضع



محدود، ظرفیت نهادی و منابع مالی خود را به سمت برداشتن یا کاهش شدیدترین محدودیت‌ها متمرکز کنند و در نتیجه در سطوح بالاتری از رشد اقتصادی قرار گیرند. براساس این چارچوب، سطوح پایین سرمایه‌گذاری به سه دلیل هزینه بالای تامین مالی، بازدهی اجتماعی پایین فعالیت‌های اقتصادی و زیرساخت‌های ضعیف شکل می‌گیرد.

این تحلیل عنوان می‌کند: براساس شواهد آماری ارائه‌شده در این گزارش، تشکیل سرمایه ثابت خالص که در دهه ۸۰ روندی صعودی داشت، در دومین سال (۱۳۹۱) دهه ۹۰ با افت شدید مواجه شد و این روند در طول سال‌های بعد نیز ادامه یافت تا اینکه در سال ۱۳۹۷ به کمترین مقدار مثبت خود رسید و در سه سال بعد (۱۴۰۰-۱۳۹۸) با رشد منفی مواجه شده است.

این امر به آن مفهوم است که تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در این سال‌ها جبران استهلاک سرمایه را نکرده و موجودی سرمایه به عنوان یکی از موتورهای رشد، خاموش شده است و به عنوان عامل بازدارنده رشد اقتصادی بلندمدت ایفای نقش می‌کند. همچنین بررسی تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به تفکیک ماشین‌آلات و ساختمان نشان می‌دهد که سهم ماشین‌آلات از کل از ۳۵٪ درصد در سال ۱۳۹۰ به ۲۷٪ درصد در سال ۱۳۹۹ کاهش و در مقابل سهم ساختمان از ۶۴٪ درصد به ۷۲٪ درصد افزایش یافته است که حاکی از گرایش سرمایه‌گذاری به سمت ساختمان است و بخش ماشین‌آلات که محرک تولید است با افت سهم مواجه شده است.

این واکاوی بیانگر آن است که سهم تشکیل سرمایه ثابت ناخالص از GDP به قیمت ثابت ۱۳۹۰ که در سال ۱۳۹۰ بالغ بر ۲۶٪ درصد بود به ۱۹٪ درصد در سال ۱۳۹۹ و سپس به ۱۶٪ درصد در سال ۱۴۰۰ کاهش یافت (متوسط دوره ۲۳٪ درصد است). در سال ۲۰۲۱ متوسط جهانی این نسبت ۲۷٪ درصد بوده است. با توجه به اینکه سرمایه‌گذاری محرکی برای توسعه اقتصادی کشورهاست و نرخ سرمایه‌گذاری نشان‌دهنده تزریق سرمایه لازم برای حمایت از فرآیند توسعه است، این روند نشان می‌دهد که فرآیند توسعه در کشور از این جنبه حمایت نمی‌شود.

بررسی‌ها حاکی از این است که طی دوره ۱۴۰۰-۱۳۹۱ به طور متوسط حدود ۲۵٪ درصد از سرمایه‌گذاری‌ها توسط بخش دولتی و ۷۵٪ درصد نیز توسط بخش خصوصی صورت گرفته است. البته این روند همواره یکنواخت نبوده، بلکه سهم

نسبت به دهه ۴۰ با افت مواجه شد که طبیعی بود. بعد از پایان جنگ و شروع بازسازی اقتصاد، ثبات نسبی در بازارها و آزادسازی‌های انجام‌شده در اقتصاد ایران و همچنین سرمایه‌گذاری روی زیرساخت‌های تخریب‌شده در دوران جنگ، دهه ۷۰ با رشد متوسط اقتصادی ۳/۴ درصد سپری شد و دهه ۸۰ نیز با سرمایه‌گذاری در توسعه بلوک‌های تولیدی و صادراتی پتروشیمی کشور و تحرک در صادرات، رشد اقتصادی به ۴/۶ درصد در این دهه افزایش یافت که بالاتر از سه دهه گذشته بود. اما در دهه ۱۳۹۰ با شروع تحریم‌های اقتصادی و تداوم آن در اواسط این دهه به بعد، موجب شد که کشور مسیر رشد پایین و متوسط ۰/۶ درصدی را طی کند که کمترین میزان در طول ۶۰ سال گذشته است. سوال جدی این است که چه بر سر اقتصاد ایران در این دهه آمد که این نرخ رشد برای کشور رقم خورد.

براساس ادبیات کلاسیک اقتصادی، سرمایه‌گذاری به عنوان یکی از اجزای GDP از مهم‌ترین محرک‌های تامین‌کننده رشد اقتصادی است. روند سرمایه‌گذاری خالص در دهه ۱۳۹۰ با افت مواجه شده و حتی در چهار سال آخر منفی (سرمایه‌گذاری حتی کفاف استهلاک را نیز نداده) شده است. بنابراین یکی از علل افت رشد اقتصادی در این دهه، سرمایه‌گذاری است.

این واکاوی محدودیت‌های رشد را براساس چارچوبی که توسط اقتصاددانان ریکاردو هاسمن، دنی رودریک و آندرس و لاسکو ارائه شده، بررسی کرده است. بر این اساس آنها چارچوبی تحلیلی ارائه می‌کنند که طیفی از مسائلی را که رشد اقتصادی را محدود می‌کنند شناسایی می‌کند. این چارچوب به سیاستگذاران، برنامه‌ریزان و متخصصان توسعه اجازه می‌دهد سرمایه سیاسی



**تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در این سال‌ها جبران استهلاک سرمایه را نکرده و موجودی سرمایه به عنوان یکی از موتورهای رشد، خاموش شده است و به عنوان عامل بازدارنده رشد اقتصادی بلندمدت ایفای نقش می‌کند**





بخش دولتی از ۲۲ درصد در ابتدای دوره به ۱۹ درصد در انتهای دوره رسیده است. در واقع سهم بخش دولتی به عنوان بستر ساز و سرمایه گذاری در زیرساخت‌ها طی دوره با کاهش مواجه شده است. روند موجودی سرمایه حاکی از نزول آن در سال‌های پایانی دهه ۱۳۹۰ است. از سال ۱۳۹۸ به این سو رشد منفی موجودی سرمایه بر اقتصاد کشور سایه افکنده است که این امر نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری صورت گرفته نه تنها برای رسیدن به سطح مطلوب انباشت سرمایه نبوده، بلکه کفاف سرمایه مستهلک شده را نیز نداده است. پیامد این روند کاهش پتانسیل رشد GDP، رشد درآمد سرانه، رفاه و ظرفیت اشتغال در کشور است. از سوی دیگر کاهش سرمایه‌گذاری به ویژه در تحقیق و توسعه و گسترش فعالیت‌های اقتصادی (بزرگ شدن مقیاس تولید)، رشد بهره‌وری کل عوامل تولید را تحت الشعاع قرار می‌دهد و به این ترتیب هر دو عامل تحریک رشد اقتصادی، با چالش رشد مواجه خواهند شد.

### محدودیت‌های رشد سرمایه‌گذاری

شاخص خودتامینی (نسبت پس‌انداز به سرمایه‌گذاری) بالای یک نشان می‌دهد که کمبود پس‌اندازها محدودیت نیست. همچنین نرخ سود تسهیلات بسیار پایین‌تر از تورم کشور که باعث نرخ سود تسهیلات حقیقی منفی شود، محدودیت رشد سرمایه‌گذاری به حساب می‌آید و دسترسی دشوار به منابع مالی به منظور تامین مالی به ویژه در گروه بنگاه‌های کوچک و متوسط و نظام واسطه‌گری مالی ضعیف از محدودیت‌های سطح پایین سرمایه‌گذاری در کشور است.

از طرفی تورم بالا و نوسانات ناگهانی نرخ ارز بدون برگشت‌پذیری توأم با تحریم‌های بین‌المللی فضای اقتصاد کلان کشور را برای سرمایه‌گذاری خارجی پرریسک کرده است و سرمایه‌گذاران خارجی ترجیح می‌دهند در کشورهایی سرمایه‌گذاری کنند که ریسک پایینی دارند. همچنین وجود ریسک‌های کلان در اقتصاد کشور بازدهی فعالیت‌های اقتصادی کشور را پایین نگه داشته است.

تورم بالا، رشد اقتصادی نزدیک به صفر، نوسانات شدید نرخ ارز، هزینه بالای تامین مواد اولیه ناشی از تحریم‌ها و وجود انتظارات تورمی در بیشتر سال‌ها، موجب شد ضمن نامناسب شدن فضای کسب و کار و کاهش امنیت سرمایه‌گذاری، اقتصاد کشور در دهه ۹۰ پیش‌بینی پذیر نباشد و فعالیت‌های تولیدی سطح بازدهی پایینی داشته باشند. به این ترتیب سرمایه‌ها (مازاد پس‌انداز ملی نسبت به

بین‌المللی مرتبط است، بنابراین به سرانجام رسیدن مذاکرات برجامی با در نظر گرفتن منافع ملی و پیوستن به گروه و بژه اقدام مالی مبارزه با پولشویی (FATF) باید در اولویت قرار گیرد.

همچنین تثبیت نرخ ارز حقیقی بسیار اهمیت دارد و در این زمینه این مطالعه پیشنهاد کرده است که ضمن اجرایی شدن بند «ت» ماده ۲۰ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه، متوسط نرخ ارز حقیقی در انتهای برنامه هفتم به میزان ۱۰ درصد از مقدار متوسط سال ۱۴۰۱ اختلاف داشته باشد.

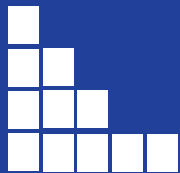
در این راستا به منظور توسعه، تعمیر و نگهداشت زیرساخت‌ها، پیشنهاد شده است با استفاده از ظرفیت‌های قانونی زمینه سرمایه‌گذاری صندوق توسعه ملی در توسعه زیرساخت‌ها با مشارکت بخش خصوصی مهیا شود.

همچنین در این مطالعه تاکید شده است که بهبود شاخص فضای کسب و کار، شاخص حکمرانی خوب و شاخص رقابت‌پذیری جهانی در برنامه هفتم توسعه درج و نسبت به کاهش سالانه ۱۰ تبه‌ای هر کدام اقدام شود. بهبود بهره‌وری کل عوامل تولید، بهره‌وری کار و سرمایه نیز از دیگر راهکارهای ارائه شده در این واکاوی برای بهبود وضع موجود است.

سرمایه‌گذاری) بخشی روانه بازارهای موزی (سوداگری مسکن، خودرو و ...) با ریسک یکسان و بازدهی بالاتر شوند و بخش دیگر در قالب فرار سرمایه از کشور خارج شوند. در سطح خرد نیز مداخله دولت در بازار با کاهش سودآوری بنگاه‌ها، نظام مالیاتی و تامین اجتماعی، بهره‌وری پایین، رواج فساد، هزینه‌های بالای مرتبط با تجارت و عوامل نهادی ضعیف، فضای فعالیت‌های تولید کالاها و خدمات را با چالش ریسک بالا مواجه کرده و با ایجاد هزینه‌های بالا در بنگاه‌ها، بازدهی آنها را کاهش داده است. در نهایت زیرساخت‌های فیزیکی ضعیف در کشور، کاهش سرمایه‌گذاری دولتی به عنوان بستر سازی حضور بخش خصوصی در اقتصاد و بی‌ثباتی و شفافیت پایین قوانین و مقررات و تفسیرپذیری آنها، موجب تضعیف فعالیت‌های اقتصادی شده و انگیزه سرمایه‌گذاری در کشور را کاهش داده است.

### اهم راهکارهای بهبود وضع موجود

کنترل تورم به عنوان مهم‌ترین معضل اقتصاد کشور از اصلی‌ترین راهکارهای این مطالعه برای بهبود وضع موجود است. بخشی از چالش‌های اقتصادی کشور بدون تردید به تحریم‌های



## فصل دوم

تجارت



## تصویر تیره تجارت جهانی در فصل دوم ۲۰۲۳

دارو و تجهیزات پزشکی، چشم انتظار توسعه تجارت فرامرزی

تجارت وسایل نقلیه جاده‌ای و دارو بهبود یافته است. در طرف مقابل، کاهش قیمت‌های انرژی موجب پایین آمدن ارزش تجارت جهانی شده است. تجارت در بخش خدمات در تمامی سال ۲۰۲۲ با نوسان همراه بود؛ در سال ۲۰۲۳ و در سه ماهه نخست این سال، خدمات افزایشی ۲/۸ درصدی را تجربه کرده است. بخشی از این افزایش بازتاب‌دهنده بهبود مستمر بخش‌های گردشگری و سفر، متعاقب بیرون آمدن جهان از موقعیت پاندمی بوده است. پیش‌بینی فعلی برای سه ماهه دوم سال ۲۰۲۳ حاکی از کاهش رشد تجارت جهانی است. چشم‌اندازهای اقتصاد جهان، اخیراً با زبینی شده و نزولی برآورد شده‌اند؛ عواملی نظیر تورم پایدار و آسیب‌پذیری اقتصادی، همراه با جنگ اوکراین و تنش‌های ژئوپلیتیک، همگی چالش‌هایی برای تجارت جهانی هستند. به شکل سرجمع، چشم‌انداز تجارت برای نیمه دوم سال ۲۰۲۳ بدبینانه است؛ چراکه عوامل منفی بر عوامل مثبت غلبه دارد.

علاوه بر این روند گسترش تجارت همانند تمامی سال ۲۰۲۲، در سه ماهه نخست سال ۲۰۲۳ نیز میان کشورهای نزدیک از نظر جغرافیایی متمرکز است و کشورهای با فاصله دور، حداقل به شکل میانگین، کمتر به گسترش روابط تجاری خود تمایل نشان داده‌اند. در بخش منطقه‌ای، در سه ماهه نخست سال ۲۰۲۳ تمامی مناطق شاهد رشد اقتصادی بوده‌اند، جز فدراسیون روسیه و کشورهای آسیای میانه.

### تصویر تجارت سه ماهه ۲۰۲۳

متعاقب دو سه ماهه متوالی افت تجارت جهانی، تجارت جهان در بخش کالا و خدمات در سه ماهه اول سال ۲۰۲۳ به مسیر افزایشی بازگشته است و در نسبت با سه ماهه آخر سال ۲۰۲۲ حدود ۲ درصد افزایش نشان می‌دهد. در مقایسه با سه ماهه چهارم سال ۲۰۲۲، تجارت کالایی جهان به واسطه احیای فعالیت اقتصادی چین و همچنین با محرک افزایش

تجارت جهان در سه ماهه نخست سال ۲۰۲۳ از خاکستر سال ۲۰۲۲ برخاسته است و تجربه رشدی اندک را از سر گذرانده؛ با این حال گزارش آنکتاد، بازوی تجاری سازمان ملل، با نشان دادن این نکته می‌افزاید چشم‌انداز تجارت جهان، حداقل تا نیمه سال جاری میلادی «بدبینانه» است. تنش‌های ژئوپلیتیک، اقتصادهای ضعیف، بحران استقرار، تورم پایدار و قیمت‌های بالای کامودیتی همگی در تیره کردن تصویر تجارت جهان در این سال نقش دارند.

اقتصاد ضعیف و تورم بالا احتمالاً موجب خواهد شد بسیاری از اقتصادهای بزرگ رو به تمهیدات محدودکننده تجاری بیاورند. آمار این گزارش به دو نکته سیاسی مهم اشاره دارد: روند فزاینده گسترش تجارت میان کشورهایهایی که ارزش‌های سیاسی مشترک دارند و نیز واگرایی شدید میان تجارت چین و آمریکا که به یکی از پایین‌ترین سطوح وابستگی تجاری میان این دو کشور رسیده است.



برای نیمه دوم سال بدبینانه است، چراکه عوامل منفی بر عوامل مثبت غلبه دارد.» در پنج «سه‌ماهه» متعاقب یکدیگر، نزدیکی جغرافیایی در تجارت جهانی به نسبت باثبات مانده‌است که بیان‌کننده فقدان رویه‌های گسترش چشمگیر تجارت میان کشورهای دور از یکدیگر، حداقل به شکل میانگین است.

### تجارت بر مدار رفاقت

بخش دیگر این گزارش به این نکته اشاره می‌کند که «تجارت بر اساس رفاقت» از اواخر سال ۲۰۲۲ رو به افزایش بوده‌است که در جابه‌جایی جریان تجارت میان کشورهای که به ارزش‌های سیاسی یکسان پایبندی دارند بارز است. جنگ در اوکراین، واگرایی در وابستگی تجاری میان چین و ایالات متحده، پیامدهای خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا و برگزیت، نقشی اساسی در شکل‌دادن به رویه‌های تجاری دوطرفه در این بازه زمانی داشته‌اند.

این گزارش می‌نویسد: «همزمان، کاهش تنوع در میان شرکای تجاری، بیانگر ضمنی این نکته است که تجارت جهانی بیشتر در میان کشورهای که دارای روابط گسترده و عمیق تجاری هستند متمرکز شده‌است.»

این گزارش نشان می‌دهد که روابط متقابل تجاری میان ایالات متحده و چین به نحوی فزاینده روندی رو به کاهش داشته‌است. آمار این گزارش می‌گوید طی یک سال و نیم گذشته، ایالات متحده به نسبت بازاری کوچک‌تر برای صادرات چین بوده‌است. در این دوره وابستگی ایالات متحده به چین به عنوان عرضه‌کننده، حتی به شکلی بیشتر رو به کاهش بوده‌است. رشد تجارت کالایی میان اقتصادهای بزرگ دنیا در خلال ۴ «سه‌ماهه» گذشته روندهایی مختلف داشته‌است. برزیل، هندوستان، ایالات متحده و اتحادیه اروپا افزایشی چشمگیر هم در واردات و هم در صادرات داشته‌اند.

اما بر مبنای مقایسه سه‌ماهه-سه‌ماهه، روندهای تجارت در کشورهای با اقتصاد بزرگ، حداقل تا ژانویه تا مارس سال ۲۰۲۳ به شکل ثابت درآمده و در بسیاری از موارد منفی بوده‌است. تنها استثنا، رشد چشمگیر صادرات از چین و هندوستان است. بر مبنای مقایسه سالانه، تمامی مناطق جهان شاهد افزایش تجاری جهانی بوده‌اند، به استثنای روسیه و اقتصادهای آسیای میانه، اما رشد در منطقه شرق آسیا به نحوی قابل ملاحظه زیر میانگین بوده‌است. بر مبنای مقایسه سه‌ماهه-سه‌ماهه،



### رشد ۱۰۰ میلیارد دلاری تجارت

بر اساس آخرین ویرایش گزارش آنکتاد، بازاری تجاری سازمان ملل طی نخستین سه‌ماهه سال ۲۰۲۳، رشد تجارت جهانی، هم در زمینه تجارت کالایی و هم در بخش خدمات مثبت بوده است. پس از افت تجارت در نیمه دوم سال ۲۰۲۲، تجارت جهانی هم از نظر ارزش و هم از نظر وزنی بهبود یافته‌است.

در نخستین ۳ ماهه سال ۲۰۲۳ تجارت کالایی جهان، ۱/۹ درصد نسبت به سه‌ماهه آخر سال ۲۰۲۲ رشد داشته که این افزایش ارزش معادل ۱۰۰ میلیارد دلار است. در بخش خدمات نیز جهان رشدی ۵۰ میلیارد دلاری را تجربه کرده که معادل ۱/۸ درصد افزایش نسبت به آخرین سه‌ماهه سال ۲۰۲۲ است. با این وجود گزارش آنکتاد برای دومین سه‌ماهه سال ۲۰۲۳ پیش‌بینی می‌کند این رشد با طی روندی معکوس، کاهش یابد؛ دلیل این امر را گزارش آنکتاد مستند به گزارش چشم‌اندازهای اقتصادی جهان در این زمینه می‌داند و علاوه بر این تورم پایدار، آسیب‌پذیری اقتصادی، جنگ اوکراین و نیز تنش‌های ژئوپلیتیک در زمره این دلایل بر شمرده شده‌است. این گزارش می‌نویسد: «به شکل سرجمعی، چشم‌انداز تجارت در سال ۲۰۲۳

**دلیل این امر را گزارش آنکتاد مستند به گزارش چشم‌اندازهای اقتصادی جهان در این زمینه می‌داند و علاوه بر این تورم پایدار، آسیب‌پذیری اقتصادی، جنگ اوکراین و نیز تنش‌های ژئوپلیتیک در زمره این دلایل بر شمرده شده است**



### عوامل منفی تاثیرگذار بر تجارت

جنگ در اوکراین و تنش‌های ژئوپلیتیکی بزرگ‌ترین عوامل تاثیرگذار بر تجارت در تمامی سال ۲۰۲۳ خواهند بود. تضعیف اقتصاد جهانی: چشم‌اندازهای اقتصادی جهانی همگی ناظر به افت اقتصادی هستند و انتظار می‌رود در بسیاری از کشورها رشد اقتصادی به زیر روندهای تاریخی خود نزول کند. احتمال افزایش تمهیدات محدودکننده تجارت: سیاست‌گذاری‌های درون‌نگرانه در اقتصادهای بزرگ می‌تواند منتج به افزایش تمهیدات محدودکننده تجارت شود که نتیجه این کار گرفتن نفس رشد تجارت جهانی است. کندشدن تولید صنعتی: شامخ ماه مه سال ۲۰۲۳ هم در چین و هم در ایالات متحده کاهش داشته که حاکی از کاهش در تولید محصولات صنعتی در سه‌ماهه‌های پیش‌روست. صادرات چین در ماه مه سال ۲۰۲۳ علاوه بر این زیر انتظارات بوده است و پیامی که می‌دهد تقاضای پایین جهان برای کالا است. تورم، قیمت‌های کامودیتی و نرخ بهره: انتظار می‌رود بسیاری از اقتصادها نرخ بهره به نسبت بالا را در نتیجه فشارهای مداوم تورمی در دستور کار داشته باشند. به‌رغم روند نزولی، قیمت‌های کامودیتی، به‌ویژه در بخش انرژی، غذا و بخش فلزات، پیش‌بینی می‌شود که همچنان بالاتر از سطح پیش از پاندمی باقی بمانند. نگرانی از باقی‌ماندن بدهی‌های پابرجا: سطح ثبت‌شده کنونی بدهی که با نرخ‌های بالای بهره همراه شده است، به تاثیر منفی خود بر شرایط ماکرواقتصادی در کشورها ادامه می‌دهند. اقتصادهای با ضربه‌پذیری بالا در معرض افزایش هزینه‌های استقرار قرار دارند.

### چشم‌اندازهای اقتصادی جهانی همگی ناظر به افت اقتصادی هستند و انتظار می‌رود در بسیاری از کشورها رشد اقتصادی به زیر روندهای تاریخی خود نزول کند

نخستین سه‌ماهه سال ۲۰۲۳ شاهد کاهش ارزش تجارت میان بسیاری مناطق، به‌جز منطقه پاسیفیک، آمریکای شمالی و آفریقا بوده است که رشدی اندک را تجربه کرده‌اند. بر اساس میانگین، کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه از رویه‌ای مشابه پیروی کرده‌اند. بر مبنای سالانه هم واردات و هم صادرات در کشورهای در حال توسعه با متوسط‌ها در حد افزایش داشته‌اند، با این وجود اقتصادهای شرق آسیا استثنا هستند و به‌نحوی قابل ملاحظه تفاوت دارند و این رقم برای این کشورها ۱۴ درصد ثبت شده است. تجارت میان منطقه‌ای در دوره مشابه از الگویی مشابه پیروی کرده است، اما جالب توجه آن که تجارت درون‌قاره آفریقا ۳ درصد افزایش یافته است و از تجارت درونی مابقی مناطق جهان سبقت گرفته است. روندهای تجاری جهان طی ۴ فصل ۲۰۲۲، تحت تاثیر بخش انرژی بوده است که بنا بر آن قیمت‌های صعودی انرژی منتج به افزایش ارزشی تجارت شده است، تا اینکه با کاهش قیمت انرژی به افت ۱۱ درصدی میان فوریه و مارس سال ۲۰۲۳ می‌رسیم. دیگر بخش‌ها که شاهد روند صعودی تجارت بوده‌اند محصولات کشاورزی و غذایی، مواد شیمیایی و وسایل نقلیه جاده‌ای است. در مقابل، تجارت تجهیزات اداری و ارتباطی، علاوه بر حمل‌ونقل همچنان به روند نزولی خود در نخستین سه‌ماهه سال ۲۰۲۳ ادامه داده است.

### عوامل مثبت تاثیرگذار بر تجارت

- افزایش تقاضا برای خدمات: انتظار می‌رود خدمات تجاری در جهان به رشد خود در نیمه سال ۲۰۲۳ ادامه دهد که در وهله اول با رشد تقاضا برای فناوری ارتباطات و اطلاعات و بازگشت روند عادی در بخش‌های گردشگری و سفر تحریک شده است.
- حمایت تجارت از گذار به دوران سبز: الگوهای تجارت بین‌الملل بنا به انتظار به شکلی نزدیک‌تر به اقتصاد سبز گره خواهد خورد. سیاست‌های تجاری و صنعتی بازتاب‌دهنده تعهدات اقلیمی، قطعاً بر جریان تجارت اثرگذار است، به‌ویژه در کالاها و خدماتی که مربوط به محصولات نیازمند بهره‌وری انرژی و تولیدات انرژی‌های تجدیدپذیر هستند.
- پایین ماندن هزینه‌های کشتیرانی: ظرفیت جهانی کشتیرانی همچنان قوی باقی مانده است. شاخص نرخ کشتیرانی کانتینری شانگهای به سطح دوره پیش از پاندمی بازگشته است و انتظار می‌رود در کل سال ۲۰۲۳ پایین باقی بماند.





## صنعت سلامت ایران، تشنه جانمایی در پازل اقتصاد جهان

دارو و تجهیزات پزشکی بیش از پیش نیازمند تعریف جایگاه خود در پازل جهانی است

پرداخته است. اقتصاد ایران در شرایط حاضر به شدت نیازمند تولید منابع ارزی جدید و همچنین افزایش سطح سرمایه گذاری راهبردی است که این دو مقوله بسیار مهم، صرفاً با تاکید بر اقتصاد داخلی محقق نمی شود.

راهبردی است که این دو مقوله بسیار مهم، صرفاً با تاکید بر اقتصاد داخلی محقق نمی شود. این گزارش توصیه های سیاستی خود را برای جانمایی بهتر ایران در اقتصاد جهان ارائه کرده است. این گزارش به بررسی جانمایی ایران در نظم جدید جهان

دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش های مجلس بر ضرورت جانمایی ایران در نظم جدید جهان تاکید کرد. بر اساس این گزارش، اقتصاد ایران در شرایط حاضر به شدت نیازمند تولید منابع ارزی جدید و همچنین افزایش سطح سرمایه گذاری



## جانمایی ایران در نظم جدید جهان

حکمرانی اقتصادی و سیاسی کشوری مانند ایران که مدار توسعه خود را در ۵۰ سال گذشته بر نفت بنا کرده و بر اساس دسترسی به ارز جهان‌روا مقدرات اقتصاد کشور را تعیین کرده است، نمی‌تواند بدون دقت در ظرایف تغییر در نظم جهانی مورد تدبیر و ارزیابی قرار بگیرد. در دهه‌های گذشته برخی از کشورهای منطقه با ایجاد پیوندی با زنجیره ارزش جهانی توانسته‌اند در مسیر توسعه اقتصادی حرکت کنند. بنابراین پرداختن به این مساله از اهمیت بالایی برخوردار است. اقتصاد ایران در شرایط حاضر به شدت نیازمند تولید منابع ارزی جدید و همچنین افزایش سطح سرمایه‌گذاری راهبردی است که این دو مقوله بسیار مهم، صرفاً با تاکید بر اقتصاد داخلی محقق نمی‌شود. نگاهی به برنامه هفتم توسعه نشان می‌دهد این مساله، یعنی تغییراتی که در نظم اقتصادی در حال وقوع است، در آن مغفول مانده است. به عبارتی لایحه برنامه هفتم هیچ روایت واحد و نظام‌یافته‌ای از تعیین تکلیف ایران در جهان در حال تغییر ارائه نداده است. برای مثال با وجود آنکه امنیت غذایی کشور دائماً از ناحیه اقلام اساسی وارداتی در حال آسیب دیدن است، اما یک بند هم درباره تدابیر بین‌المللی و ابتکارات در این حوزه ارائه نشده و در عوض مواردی پیشنهاد شده که در برنامه‌های جاری کشور به صورت مداوم جریان داشته‌اند و پیاده‌سازی آنها نمی‌تواند تغییر اساسی ایجاد کند.

در زمینه ترانزیت می‌توان گفت در لایحه برنامه هفتم به مساله ترانزیت به صورت بخشی مجزا از سایر حوزه‌ها پرداخته شده و در نتیجه امکان هم‌افزا کردن مزیت‌های جغرافیایی - سیاسی کشور را شنیدنا تنزل داده است. از سوی دیگر می‌توان گفت اساساً ترانزیت یک تقاضای مشتق شده از تجارت بین‌الملل و تابع مناسبات کلان اقتصادی و سیاسی بین کشورهای است و تبدیل ایران به مرکز مبادلات و خدمات حمل‌ونقل بدون تلاش رفع مسائل تجارت بین‌المللی مربوطه، ممکن نیست. یکی از نکات قابل توجه در این برنامه در زمینه پروژه‌های پیش‌ران و تأمین مالی خارجی است. با وجود آنکه ماده ۴۸ لایحه برنامه هفتم توسعه به خوبی به پروژه‌های پیش‌ران اشاره کرده است؛ اما به نظر می‌رسد با توجه به روح حاکم بر برنامه و همچنین فضای کلی سیاست‌گذاری در کشور، در نهایت خروجی این ماده، پروژه‌ها و طرح‌هایی خواهد بود که نسبتی حداقلی با اقتصاد بین‌الملل خواهد داشت و در نتیجه ایران نخواهد توانست با استفاده از آن پروژه‌ها در نظم در حال تغییر جهانی جایگاه مناسبی برای خود به دست



**در دهه‌های گذشته برخی از کشورهای منطقه با ایجاد پیوندی با زنجیره ارزش جهانی توانسته‌اند در مسیر توسعه اقتصادی حرکت کنند. به همین دلیل پیشنهاد این است که بخش مجزایی با عنوان جانمایی ایران در نظم جدید جهان، ذیل فصل طرح‌های پیش‌ران یا سیاست خارجی به این برنامه توسعه اضافه شود**

اقتصاد کشور در حال حاضر نیاز دارد که نسبت‌های معناداری با سایر حوزه‌های جغرافیایی جهان ایجاد کند. نگاهی به برنامه هفتم توسعه نشان دهنده آن است که این مساله مغفول مانده است. این در حالی است که در دهه‌های گذشته برخی از کشورهای منطقه با ایجاد پیوندی با زنجیره ارزش جهانی توانسته‌اند در مسیر توسعه اقتصادی حرکت کنند. به همین دلیل پیشنهاد این است که بخش مجزایی با عنوان جانمایی ایران در نظم جدید جهان، ذیل فصل طرح‌های پیش‌ران یا سیاست خارجی به این برنامه توسعه اضافه شود.

ایجاد نهاد راهبر توسعه و طراحی برنامه‌های هم‌بست مشتمل بر پروژه‌های اقتصادی، زیرساختی، سیاسی و امنیتی که وجه بین‌المللی داشته باشند از جمله توصیه‌های سیاستی در این زمینه است. مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارش «نسبت‌سنجی لایحه با ضرورت جانمایی ایران در نظم جدید جهان» ابعاد مختلف این موضع را بررسی کرده است.



موردنظر است. دومین هدف ایفای نقش ایران در جریان‌های کلان تجاری جهان و منطقه و کریدورهای اقتصادی در لایه‌های زنجیره تامین، زنجیره ارزش و جریان‌های مالی و تجاری و صنعتی و ایجاد حساب جاری و سرمایه با کشورهای در امتداد کمربندهای اقتصادی منطقه و فرامنطقه است. در نهایت تغییر ریل از سرمایه‌گذاری‌ها زیرساختی درون‌نگر مبتنی بر منافع نفتی یا فعالیت‌های مالی متکی به منابع نفتی به سمت جذب سرمایه‌گذاری‌های ژئوپلیتیک آخرین هدف است. برای رسیدن به این اهداف پیشنهاد می‌شود در برنامه هفتم توسعه راه‌هایی برای رسیدن به این اهداف تدوین شود. برای مثال به منظور تبدیل شدن ایران به مرکز ترانزیت کالا و حمل و نقل بین‌الملل و لجستیک منطقه، وزارخانه‌های راه و شهرسازی، صنعت، معدن و تجارت و امور اقتصادی و دارایی با همکاری سایر وزارخانه‌ها و نهادهای مرتبط به نحوی برنامه‌ریزی کنند که حجم ترانزیت زمینی کالا از ایران در پایان سال اول برنامه به حداقل ۲۰ میلیون تن برسد و سالانه حداقل ۲۵ درصد حجم ترانزیت طی سال‌های برنامه تا تحقق رقم سالانه ۵۰ میلیون تن ترانزیت کالا تا پایان برنامه هفتم توسعه افزایش یابد. در زمینه کاهش آسیب‌پذیری نظام ارزی، توسعه زنجیره ارزش‌های صنعتی کشور و تامین اقلام اساسی خوراکی موردنظر کشور و تبدیل شدن ایران به مرکز فرآوری و تجارت غلات منطقه پیشنهاد آن است که از سال اول برنامه هفتم توسعه، سالانه ۱۰ درصد از واردات نهادهای غذایی از کشورهای خارج از منطقه کاهش یابد و معادل آن از کشورهای منطقه به‌ویژه کشورهای اوراسیا تامین شود و از طریق صادرات تجهیزات و کالاهای صنعتی، نیمه‌صنعتی و سایر تولیدات کارخانه‌ای و کارگاهی، موازنه تجاری برقرار شود.

توسعه صادرات نهادهای غذایی و نیز غذای فرآوری شده از طریق توسعه ظرفیت صادرات، فرآوری و سوآپ محصولات کشاورزی در دستور کار قرار بگیرد. در نهایت در زمینه احیای حکمرانی ارزی می‌توان گفت با ایجاد ساختار پرداخت رسمی در نسبت با واردکنندگان اصلی نفت و فرآورده‌های نفتی کشور و با همکاری بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و وزارخانه‌های مرتبط به گونه‌ای برنامه‌ریزی شود که تا پایان سال دوم برنامه حداقل نیمی از مصارف ارزی کشور، به صورت مستقیم و از طریق نظام بانکی کشور مقصد صادراتی یا انعقاد پیمان‌های پولی دو-باچندجانبه و تهاتر، تامین و تخصیص داده شود.

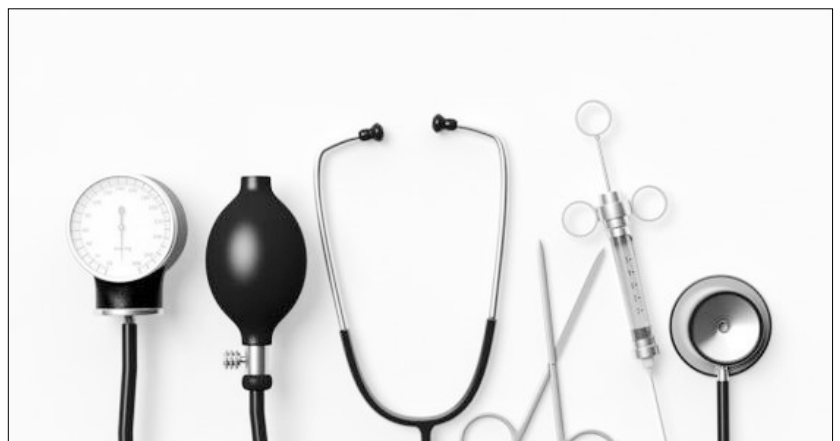
آورد. در زمینه سیاست‌های ارزی می‌توان گفت که این موضوع مستقیماً یکی از چالش‌های اساسی کشور در سال‌های اخیر بوده است که به نحو معناداری با موضوع روابط خارجی کشور پیوند پیدا می‌کند. با این حال این بخش صرفاً مشتمل بر دو حکم در لایه دستگاه‌های آخر زنجیره مدیریت ارز است. در نهایت می‌توان گفت سیاست‌های کلی برنامه هفتم با تاکید بر تقویت رویکرد اقتصادمحور در سیاست خارجی و روابط منطقه‌ای و جهانی، به موضوع دیپلماسی اقتصادی پرداخته است. با این حال ذیل آن به اقدام‌های خرد و منحصر در بخش دیپلماسی و تسهیل تجاری در بدنه وزارت صنعت، معدن و تجارت اشاره شده است. این امر به معنای اتخاذ راهبرد تسهیل تجاری و توسعه صادرات با بازیگری مشخص چند نهاد دولتی، آن هم در لایه‌های میانی آنان است؛ چنین سیاستی نشان‌دهنده تقلیل دیپلماسی به دیپلماسی تجاری است.

### پیشنهاد سیاستی

کشورهای منطقه و فرامنطقه ایران با سرعت بالایی در حال بازتعریف نقش خود در عرصه بین‌الملل هستند و این جانمایی جدید، وجه‌های مختلفی مانند وجه اقتصادی، سیاسی و امنیتی دارد. به همین دلیل می‌توان گفت کنش ایران در دهه پیش رو تاثیر چشمگیری بر سرنوشت کشور خواهد داشت یا در نقطه مقابل ممکن است همین دوره به زمانه کنار گذاشته شدن ایران از کمربندهای اقتصادی بین‌المللی تبدیل شود. این گزارش بیان می‌کند که در این راستا، یعنی جانمایی ایران در نظم جدید جهان، سه هدف راهبردی مدنظر است. تغییر الگوی زیست حکمرانی از الگوی نفتی به الگوی حکمرانی مبتنی بر هم‌بست حوزه‌های قدرت، اولین هدف



### سیاست‌های کلی برنامه هفتم با تاکید بر تقویت رویکرد اقتصادمحور در سیاست خارجی و روابط منطقه‌ای و جهانی، به موضوع دیپلماسی اقتصادی پرداخته است





## صمت لای گیره ذی نفعان؟

فعالان دارو و تجهیزات پزشکی در ابهام، آیا وزارت بازرگانی احیا می شود؟

در تشکیلات وزارت صنعت، معدن و تجارت به چه معناست؟ چه اقتضائاتی دولت را مجبور به افزایش تعداد وزارتخانه‌ها کرده است؟ از آنجا که اولاً تشکیل یک وزارتخانه جدید تعداد معاونان و مدیران را بیشتر و هزینه‌های دولت را افزایش می‌دهد، احیای وزارت بازرگانی بار مالی در پی دارد، ضمن اینکه از دو مسیر «قیمت‌گذاری و تنظیم‌بازار» و «مجوزهای بازرگانی داخلی و خارجی» امکان سلطه وزارت بازرگانی بر وزارت صنعت و معدن را فراهم می‌سازد.

فعلاً و با وجود معرفی عباس علی‌آبادی به‌عنوان وزیر پیشنهادی صنعت، معدن و تجارت به مجلس، نمی‌توان به جهت‌گیری رسمی بانیان احیای وزارت



**چرا دولت در پی تشکیل وزارت بازرگانی است؟ تغییرات جدی در تشکیلات وزارت صنعت، معدن و تجارت به چه معناست؟ چه اقتضائاتی دولت را مجبور به افزایش تعداد وزارتخانه‌ها کرده است؟**

آیا احیای وزارت بازرگانی نقشه ذی نفعان است یا نیت دولت‌های دوازدهم و سیزدهم برای احیای این نهاد خیر است؟ هیچ چیز روشن نیست. مخالفان استدلال‌های مشخصی دارند که به هزینه‌های این تفکیک برای بخش خصوصی و فواید اندک این وزارتخانه برای دولت اشاره دارد.

بسیاری از طراحان این سیاست اما با اشاره به فقدان ابزار لازم برای اجرایی کردن نقشه‌های دولت در زمینه رساندن کالاهای ارزان به مصرف‌کنندگان، تاکید می‌کنند که دولت ناچار به تفکیک صمت است و برای مقابله با چالش تحریم، بازرگانی داخلی نیاز به مداخله بیشتر دولت دارد، اما واقعا چرا دولت در پی تشکیل وزارت بازرگانی است؟ تغییرات جدی

هستند، ایده وزارت بازرگانی را دنبال می‌کنند، چراکه اصل همواره این بوده که کار به سمت اجرای ایده یکپارچگی تولید و تجارت پیش رود اما در کنار آن دغدغه‌های رفاهی قانون‌گذار هم مورد توجه قرار گیرد. واضح است که در سالیان اخیر به دلیل شدت گرفتن تحریم، یکپارچگی صمت مساله‌ای حاشیه‌ای و تنظیم‌بازار و کنترل قیمت مهم‌ترین دستور کار بدنه وزارتخانه به‌ویژه در سطح ستاد و استان‌ها بوده است.

این موضوع آنقدر به وزارت صمت فشار آورده که وزیر هیچ امکانی برای رسیدگی به سایر امور نداشته و ندارد. این مساله برای وزیر جدید نیز مطرح است. این مهم در حدی است که منابع آگاه گفته‌اند در جریان یک نظرسنجی از مدیران استانی، تایید شده ۶۰ تا ۷۰ درصد وقت آنها صرف جلسات بازرگانی داخلی می‌شود. طبیعتاً در چنین شرایطی نه وزارتخانه می‌تواند به اهداف صنعتی-تجاری برسد و نه مدل کنونی تنظیم بازار عایدی چندانی دارد.

### دولت در پی چیست؟

گویا یکی از ایده‌هایی که نطفه احیای وزارت بازرگانی بوده، به این ترتیب ارائه شده که سازمان حمایت با ارتقا جایگاه، در سطحی شبیه به سازمان استاندارد به هماهنگ‌کننده موضوعات بازرسی و نظارت در درون دولت تبدیل شده و زیر نظر یکی از معاونت‌های رئیس‌جمهور اداره شود تا امکان رصد حوزه‌های مختلف اعم از صنعت، کشاورزی، بهداشت، عمران و... ممکن شود. البته ایده دیگری نیز بوده که با آن همدلی چندانی صورت نگرفته و تاکید این ایده هم ایجاد وزارت صنعت و فناوری‌های پیشرفته در کنار وزارت بازرگانی و گمرکات بوده است. الگویی که گویا در ترکیه دنبال شده است. بسیاری از کارشناسان وزارت صمت و مدیران کنونی این نهاد با اشاره به ضدیت این ایده با مساله یکپارچگی نهادی برای حل مساله تاکید می‌کنند نباید به ایده‌هایی که امکان حل مساله را در دولت از بین می‌برند، بها داد. برخی نیز معتقدند کشور باید مکانیزم‌هایی طراحی کند که سیاست‌های صنعت، تجارت، فناوری و... کنار یکدیگر به شکل یکپارچه دیده شوند تا موضوع ادغام سیاست (policy integration) یا انسجام سیاست (policy coherence) عملیاتی شود.

### وزارت بازرگانی رای می‌آورد؟

مقامات دولت سیزدهم معتقدند اگر تحریم پیش‌روی ایران نبود، تنظیم‌بازار ممکن بود، صمت

بازرگانی پس از استیضاح سیدرضا فاطمی امین پی برد، اما بسیاری از کارشناسان و مدیران سابق «صمت» معتقدند پای ذی‌نفعان در قضیه احیای وزارت بازرگانی در میان است؛ در واقع بسیاری معتقدند در این قضیه نه بهبود عملکرد کشور در حوزه بازرگانی که افزایش تعداد وزرا، مدیران و معاون و نیز منافعی دیگر دخیل است که موجب شده تا پافشاری دولت‌ها به تفکیک وزارت «صمت» به این مرحله برسد.

از آن سوانگیزه‌های اجتماعی و توزیعی و رفاهی موجب شده تا دولت دست به کار شود و به گذشته بازگردد و وزارت صمت را از هم بگسلد. در مجلس این اختلاف نمود عینی دارد. فعلاً و تا اینجا کار دو کمیسیون اقتصادی و اجتماعی موافقت خود را با این طرح اعلام کرده‌اند، هر چند کمیسیون تخصصی این حوزه یعنی صنایع و معادن همدلی چندانی با این طرح ندارد.

از سوی دیگر در سطح عمومی، بسیاری از کارشناسان، فعالان بخش خصوصی و اعضای اتاق بازرگانی نیز حرکت دولت در این مسیر را نمی‌پسندند. اتاق بازرگانی اخیراً در دو گزارش بسیاری از استدلال‌ها در خصوص احیای وزارت بازرگانی وارد کرد. در چنین وضعیتی پرسش از چرایی احیای وزارت بازرگانی اهمیت بالایی دارد. بسیاری معتقدند نمی‌توان مساله تفکیک را تک‌عاملی تحلیل کرد. این عده با اشاره به ایده ایجاد وزارت بازرگانی معتقدند، در این طرح قرار بوده مسائلی نظیر بازرسی، تنظیم، کنترل بازار و وضعیت سازمان حمایت با تجمیع در یک نهاد جدید مسیر را برای همکاری با وزارت جهاد کشاورزی و صمت در اقدامات مشترک باز کند.

برخی مدیران صمت نیز در پاسخ بدون تایید شایعات تاکید کردند: برخی چون خود در پی وزارت



**سازمان حمایت با ارتقا جایگاه، در سطحی شبیه به سازمان استاندارد به هماهنگ‌کننده موضوعات بازرسی و نظارت در درون دولت تبدیل شده و زیر نظر یکی از معاونت‌های رئیس‌جمهور اداره شود تا امکان رصد حوزه‌های مختلف اعم از صنعت، کشاورزی، بهداشت، عمران و... ممکن شود**





می توانست امور را مدیریت کند و مساله قیمت این اندازه غیر قابل حل نمی شد، با این حال جبر سیاسی موجب شده تا دولت به سمت وزارت بازرگانی گام بردارد. در این باره بحث های معاون پیشین وزیر صمت شنیدنی است. وی در کنار پرسش ها در رابطه با سرنوشت وزارت بازرگانی گذشته، وضعیت سخت تجارت و بازرگانی در ایران را به خوبی ترسیم کرده و گسل های لاینحل مسائل سیاستی را به خوبی تشریح می کند.

پیمان پاک که امروز قائم مقام وزیر کشاورزی است و پیشتر ریاست سازمان توسعه تجارت را برعهده داشت، دلیل جابه جایی خود از سازمان توسعه تجارت به وزارت جهاد را مشکلاتی اعلام می کند که در بخش تجاری وزارت صمت وجود داشت. او در پاسخ به این پرسش که وزارت بازرگانی که برای برطرف کردن چنین ناهماهنگی هایی طراحی شده است تا چه اندازه شانس تشکیل دارد، می گوید: به نظر من این تفکیک وزارت صمت در مجلس با احتمال بالا رای خواهد آورد؛ تا جایی که من اطلاع دارم کمیسیون اقتصادی و کمیسیون اجتماعی با جدیت پیگیر موضوع هستند، هر چند کمیسیون صنعت مخالفت هایی دارد.

او درباره احتمال وزارت خود در صورت تفکیک آن را موکول به تصمیم رئیس جمهور می داند، اما می افزاید: اگر بنا باشد که بخش تجاری وزارت کشاورزی به وزارت بازرگانی منتقل شود، حداقل ماندن من در وزارت جهاد کشاورزی دیگر معنایی ندارد، چون اینجا نیز تمرکز بر بحث ایجاد هماهنگی و اصلاح امور مربوط به بازرگانی است.

پیمان پاک در مورد مشکلات بازرگانی اخیر؛ از جمله مشکلاتی که اخیراً برای تخصیص ارز از سوی بانک مرکزی پیش آمده بود و اینکه آیا وزارت بازرگانی در این امور دخالتی خواهد داشت یا نه، می گوید: اصلاً مشکل خاصی وجود ندارد و در این ۲ ماه ارز تخصیص داده می شود و امور طبق روال انجام می شود، امامی افزاید: به هر حال برخی

ناهماهنگی ها میان بانک مرکزی و وزارت جهاد وجود داشته که اکنون حل شده است، با این وجود این ناهماهنگی ها برخی از کارها را به تعویق انداخته است. او در توضیح مشکلات موجود می گوید: حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی و جنگ اوکراین که قیمت نهاده ها را تا دو برابر افزایش داد منجر به بروز مشکلاتی شد که در آن نه می توان بانک مرکزی را مقصر دانست و نه به عملیات بازرگانی وزارت جهاد مربوط است. تعامل میان این دو نهاد مقداری دشوار بوده است چرا که وزارت جهاد دغدغه امنیت غذایی را داشته است و بانک مرکزی دغدغه اش حفظ ذخایر ارزی بوده، اما به هر حال از بحران عبور کردیم و در هیچ کدام از این دو حوزه به مشکلی برخورد نکردیم. او با بیان اینکه متمرکز شدن امور مربوط به تجارت در بانک مرکزی از ابتدا اشتباه بوده است، می افزاید: من از ابتدا با رفتن کمیته اقدام ارزی و تمرکز امور تجاری در بانک مرکزی موافقت نداشتم، اکنون هم موافق نیستم. خود بانک مرکزی نیز امروز به این نتیجه رسیده که این کار اشتباه بوده است. علت اصلی این امر نیز این است که سامان دادن امور مربوط به بازرگانی مستلزم تعامل مستقیم با بازرگانان است که بانک مرکزی اصلاً سازو کاری برای این کار ندارد. علاوه بر این فاقد نمایندگی های استانی است و اساساً نهادی نیست که برای امور با تعاملات مردمی طراحی شده باشد؛ یک واحد مشخص در تهران است. به گفته او با پیگیری معاونت ارزی وقت این انتقال انجام شد.

وی افزود: اکنون نیز عملاً با همکاری دوستان در سازمان توسعه تجارت این امور پیش می رود، اما این به خاطر تعامل فردی معاون ارزی و رئیس بانک مرکزی است.

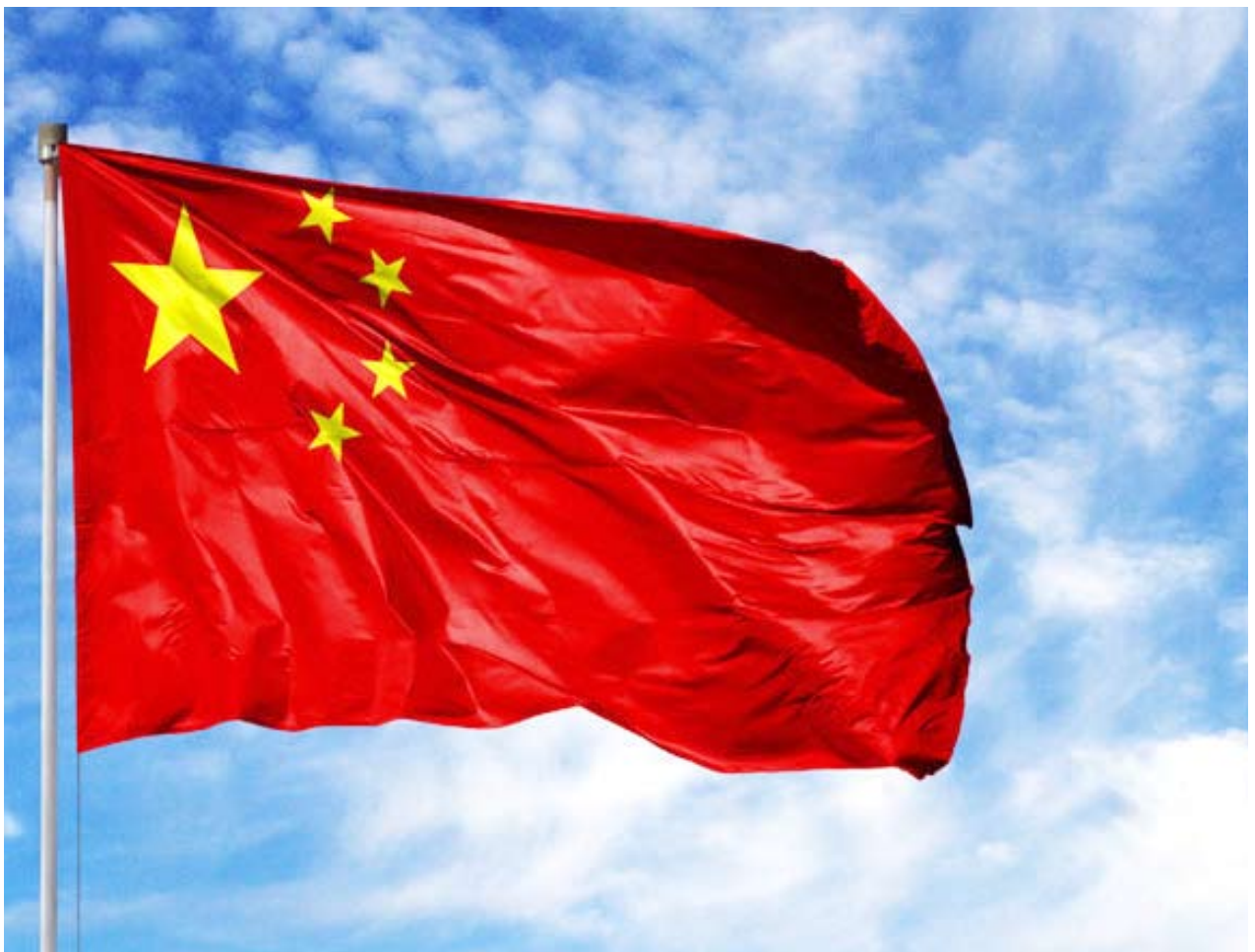
او بار دیگر به لزوم اصلاح ساختار امور مربوط به بازرگانی بازمی گردد و می گوید: مشخص نیست اگر ساختار امور مربوط به بازرگانی اصلاح نشود امسال نه، ۲ سال دیگر، ۴ سال دیگر همچنان هم این تعامل وجود دارد یانه. منظور این است که تعامل های شخصی و روحیات فردی رئیس و معاونان بانک مرکزی و مدیران سازمان توسعه تجارت که اکنون وجود دارد معلوم نیست که در آینده نیز وجود داشته باشد؛ اگر این تعامل ها که قائم به فرد است با تغییر افراد از بین برود مشخص نیست که چه خواهد شد. او این پرسش که با تشکیل وزارت بازرگانی تغییر و اصلاح ساختارهای مربوط به بازرگانی به نحو مطلوب برآورده خواهد شد یا نه را بدون پاسخ گذاشت و تنها به گفتن این جمله بسنده کرد که: باید ببینیم چه خواهد شد.

**پیمان پاک در مورد مشکلات بازرگانی اخیر؛ از جمله مشکلاتی که اخیراً برای تخصیص ارز از سوی بانک مرکزی پیش آمده بود و اینکه آیا وزارت بازرگانی در این امور دخالتی خواهد داشت یا نه، می گوید: اصلاً مشکل خاصی وجود ندارد و در این ۲ ماه ارز تخصیص داده می شود**



# فشار ازدهای زرد به کسب و کارهای خارجی

صنعت سلامت هم به مانند سایر صنایع، تحت شعاع فشار کسب و کارهای چینی قرار دارد



نظر می‌رسد موج تازه‌ای از پرونده‌های تجاری جدید در راه است. بالاگرفتن اختلافات سیاسی میان آمریکا و چین موجب تار و پود اقتصادی نیز تحت تاثیر قرار بگیرد. اطلاعات مربوط به صنعت ساخت تراشه و منطقه سین کیانگ از جمله اطلاعاتی است که به سادگی شرکت‌ها را می‌تواند به دردسر بیندازد. گزارش‌ها حاکی از آن است که در دوران پس از پاندمی این گونه برخوردها بیشتر شده است. این رفتارها موجب شده تا شرکت‌های خارجی نیز در استراتژی‌های خود بازنگری کنند و به تلاش برای کاهش این ریسک روی بیاورند.

**فضای تجارت خارجی با چین پیش‌تر به واسطه محدودیت‌هایی که دولت‌های غربی به رهبری آمریکا، در بجهت تنش‌های ژئوپلیتیک برای شرکت‌های چینی اعمال کرده بودند، محدود شده بود**

در حالی که از سرگیری فعالیت جدی شرکت‌های بزرگ غربی در چین از بازگشت این کشور به وضعیت تجاری پیش از کووید حکایت دارد، اجرای گزینشی برخی قوانین مربوط به امنیت داده‌ها و اطلاعات دولتی چین درباره شرکت‌های غربی حاکی از آن است که قرار نیست برخی شرایط به وضعیت قبل پاندمی بازگردد. به گزارش اکونومیست، رئیس‌جمهور چین با شعار «چین تجارت را از سر گرفته» به استقبال روند تجدید روابط اقتصادی رفته است؛ اما به نظر می‌رسد یک ایمیل می‌تواند شرکت‌های خارجی را به دردسر بیندازد و کسب و کارشان را با تهدید مواجه سازد. به



## بازگشت متفاوت چین

با نگاهی به تعداد مدیران عاملی که از آن سوی اقیانوس آرام راهی چین می‌شوند، به نظر می‌رسد چین در حال تبدیل شدن به جایی است که به پیش از پاندمی کرونا بود. به گزارش اکونومیست، طی هفته‌های اخیر ایلان ماسک به نمایندگی از شرکت تسلا، سازنده خودروهای الکتریکی، در اولین سفر خود به این کشور سه سال اخیر، با مقامات پکن دیدار کرد.

همزمان جیمی دیمون از سوی جی‌پی مورگان، بزرگ‌ترین بانک آمریکا، میزبان کنفرانسی در شانگهای بود که بیش از ۲۵۰۰ میهمان از سراسر جهان را گرد هم آورد. در سه ماه گذشته صدها تن از تاجران بزرگ و صاحبان کسب و کارهای سفرهای مشابهی به چین داشته‌اند. رئیس‌جمهور چین، شی جین‌پینگ با شعار «چین تجارت را از سر گرفته است» به استقبال این روند رفت. با این حال به نظر می‌رسد تحولات عمیقی در سطح چین در حال وقوع است که باعث می‌شود اوضاع برای کسب و کارهای خارجی فعال در چین هیچ‌وقت مشابه گذشته نشود. به نظر می‌رسد با اینکه تر آثار تشنج در روابط آمریکا و چین بر روابط اقتصادی خودی نشان می‌دهد، اما اکنون مراحل جدی‌تر از این مساله در حال خودنمایی است.

## هیچ چیز مثل قبل نیست

با اینکه مدیران شرکت‌ها پس از چند سال وقفه به چین بازمی‌گردند، اما چندی از ورودشان نمی‌گذرد که متوجه می‌شوند این کشور بسیار کمتر از همیشه خوشامدگویی آنهاست. آوریل سال جاری بود که دولت چین یک قانون ضدجاسوسی سخت‌گیرانه را تشدید کرد و به گفته وال استریت ژورنال، رئیس دستگاه اطلاعاتی چین را مسوول سرکوب تهدیدهای امنیتی شرکت‌های آمریکایی قرار داد. مقامات چینی به قوانین مربوط به داده‌های مشکوک استناد می‌کنند که در دوران پاندمی وضع شده‌اند و بسیاری از کسب و کارهای خارجی، اعم از آمریکایی یا غیر آمریکایی را سردرگم می‌کند. اقدام ساده‌ای مثل اشتراک‌گذاری امضای ایمیل می‌تواند تحت برخی از تفاسیر قوانین داده‌های چینی، به عنوان اطلاعات شخصی در نظر گرفته می‌شود و با وجود گیرنده‌ای در خارج از کشور می‌تواند شمارا حسابی به دردسر بیندازد.

این در حالی است که فضای تجارت خارجی با چین پیش‌تر به واسطه محدودیت‌هایی که دولت‌های غربی به رهبری آمریکا، در بحبوحه تنش‌های ژئوپلیتیک برای شرکت‌های چینی اعمال کرده بودند، محدود شده بود. آمارها حاکی از آن است که بیش از ۹۰۰۰ شرکت چینی تحت تحریم‌های طرف غربی قرار گرفته‌اند. در ماه‌های اخیر موج جدیدی از پرونده‌های تجاری باعث سردرگمی مدیران خارجی شده است. در ماه مارس، پنج کارمند محلی شرکت «گروه مینتز»، یک شرکت تحقیقاتی آمریکایی، به دلیل آنچه مظنون بودن به نقض بالقوه قوانین محلی مربوط به امنیت داده‌ها گفته می‌شد، دستگیر شدند.

یک ماه بعد، مقامات تحقیقاتی را در باره بین، یک شرکت مشاوره مستقر در بوستون را به همان دلایل آغار کردند. در همین راستا تلویزیون دولتی چین در ماه مه فیلمی از تفتیش دفاتر کپ‌ویژن، یک شرکت تحقیقاتی چندملیتی، از سوی پلیس پخش کرد. همزمان با کنفرانس جی‌پی مورگان، بازداشت یک بانکدار چینی معروف در محافل تجاری خارجی به دلایل نامشخصی برای سه ماه دیگر تمدید شد. مشخص نیست که چرا مقامات شرکت‌های مشاوره سرمایه‌گذاری را مورد هدف قرار داده‌اند؛ اما با این حال، عدم شفاف‌سازی می‌تواند به بدتر شدن وضعیت بینجامد.



**به نظر می‌رسد تحولات عمیقی در سطح چین در حال وقوع است که باعث می‌شود اوضاع برای کسب و کارهای خارجی فعال در چین هیچ‌وقت مشابه گذشته نشود**





## واکنش کسب و کارها

شرکت مینتز در واکنش به دستگیری کارمندانش گفت که «همیشه به صورت شفاف، اخلاقی و مطابق با قوانین و مقررات قابل اجرا عمل می‌کرد.» از سوی دیگر، شرکت بین‌المللی اعلام کرد که «در صورت لزوم با مقامات چینی همکاری می‌کند.» از سوی دیگر «کپویشن» قول داد که قاطعانه از قوانین امنیت ملی چین تبعیت کند. با این حال همه این قدر معطوف عمل نمی‌کنند. ششم ژوئن سال جاری میلادی ژوئن شرکت «سکویا کپیتال»، یکی از پیشگامان صنعت سرمایه‌گذاری خطرپذیر سیلیکون ولی تصمیم گرفت راه خود را از بازوی چینی خود که قرار است به یک شرکت جداگانه تبدیل شود، جدا کند.

در دهم ژوئن، فایننشال تایمز گزارش داد که مایکروسافت چند ده محقق برتر هوش مصنوعی را از چین به ونکوور منتقل خواهد کرد که دلیل آن هراس از آزار و اذیت مقامات چین و جذب اجباری آنها به شرکت‌های رقیب چینی بوده است. به طور کلی بسیاری از خارجی‌ها با ناامن شدن چین موافق هستند؛ اما با این حال، برای بسیاری از آنها، چین سفره بزرگی است که نمی‌توان آن را به سادگی رها کرد. بنابراین کسانی که در جای خود می‌مانند، باید یاد بگیرند که به جای یک ابرقدرت زورگو، با دو

ابر قدرت زورگو زندگی کنند.

در دسرهای ایجاد شده برای مینتز، بین و کپویشن مجاسبات بسیاری از کسب و کارها و سرمایه‌گذاران خارجی را به هم زد؛ چرا که این شرکت‌ها با جمع آوری داده کسب و کارها، از جمله مشتریان، سوابق، بازارهای هدف و حساب‌های تجاری، کار را برای شرکت‌هایی که قصد دارند با شرکت مذکور وارد تعامل شوند، ساده می‌کند. با این حال قوانین چینی جدید، لیست تازه‌ای از موارد ممنوعه را وارد لیست قانون دیتاها کرده است. این مساله دامن‌گیر شرکت‌های چینی مشابه در ارتباط با خارجی‌ها نیز شده است. «وایندا اینفورمیشن» یک شرکت داده چینی که توسط بانک‌ها و کارگزاران در سراسر جهان برای ارائه اطلاعات مالی درباره شرکت‌های چینی استفاده می‌شود، اخیراً از سوی مقامات چینی به این شرکت گفته شده است که ارائه برخی از خدمات خود را به خارجی‌ها متوقف کند؛ ظاهراً به این دلیل که ممکن است قوانین امنیت داده‌ها را نقض کنند.

«کوای چاچا»، دیگر ارائه‌دهنده داده‌های شرکتی نیز وضعیت مشابهی دارد. این وضعیت ساده‌ترین کارها، مانند نوشتن ایمیل تا تبادل اطلاعات حساب بانکی را به کاری شبیه به عبور از میدان مین تبدیل کرده است. به همین دلیل شرکت‌های غربی در

حال تدارک دستورالعمل‌هایی برای مقابله با این وضعیت هستند. در واقع گزارش‌ها حاکی از آن است که شرکت‌ها حتی پیش از اعزام مدیران خود به چین مواردی چون ملاقات و کلای شرکت برای بحث درباره نحوه رفتار در صورت دستگیری یا برخورد با مقامات چینی را در برنامه گنجانده‌اند و بدون این کار اجازه سفر نمی‌دهند، انجام می‌شود. ترفند دیگری که شرکت‌های چینی در دستور کار قرار داده‌اند؛ آنها شرکت‌های جدیدی در چین راه‌اندازی می‌کنند که از پول قرض گرفته شده از بانک‌های چینی برای خرید دارایی‌های متعلق به شعبه چینی شرکت خارجی استفاده کنند.

آن شرکت اصلی سپس درآمد حاصل از فروش را به خارج از کشور واریز می‌کند. اگر آن دارایی‌ها توقیف شوند، آن دارایی‌ها ما به ازای بدهی به بانک‌های چینی است، نه نزد شرکت چندملیتی خارجی یا بانک آن در خارج از کشور. چنین ترتیبی به لطف مجموعه‌ای از تغییرات قوانین در چهار سال گذشته امکان‌پذیر شده که معیارهای وام‌دهی به نهادهای خارجی تازه تاسیس را کاهش داده است. پیش‌تر چین حاضر بود برای دستیابی به رشد اقتصادی بالاتر، از کنترل جریان آزاد اطلاعات تجاری چشم‌پوشد؛ امتیازی که به نظر می‌رسد دیگر حاضر به پرداخت آن نیست.



# مانور ابر قدرت‌ها در زنجیره ارزش جهانی

بازخوانی تجربه دنیا در زنجیره ارزش افزوده،  
چه تاثیری بر صنعت دارو و تجهیزات پزشکی خواهد داشت؟



زنجیره تأمین استراتژیک بازسازی مجدد و منطقه‌سازی شده است. این پژوهش، پیشنهاد می‌کند که تحقیقات آینده بایدروی عوامل تعیین کننده توپولوژی زنجیره ارزش جهانی، از جمله راهبری این زنجیره و استراتژی‌های بازار بنگاه‌های چندملیتی تمرکز کند. در این راستا این مطالعه تاکید کرده است که سیاستگذاران باید سیستم گسترده‌تری از معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه و چندجانبه ایجاد کنند و به سمت همکاری‌های نظارتی بین‌المللی عمیق‌تر پیش بروند تا هزینه فعالیت‌های بنگاه‌های چندملیتی را کاهش دهند و در عین حال، آن‌ها را تشویق کنند که مسوولیت اجتماعی جامع‌تری را در سراسر زنجیره‌های ارزش جهانی برعهده بگیرند.



**نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که برای انواع گوناگون مالکیت بنگاه صورت‌های مختلفی از حضور در زنجیره‌های ارزش جهانی قابل مشاهده است که برحسب رویکرد طرف عرضه یا تقاضای بخش صنعت یا خدمات و نوع شبکه اتخاذشده، متفاوت است**

نتایج پژوهش «بنگاه‌های چندملیتی و زنجیره ارزش جهانی» که از سوی معاونت بررسی‌های اقتصادی اتاق تهران منتشر شده است، نشان می‌دهد زنجیره‌های ارزش جهانی بیشتر به صورت منطقه‌ای سازماندهی شده‌اند و تحت سلطه کشورهای بزرگی مانند آمریکا یا منطقه اروپا به‌ویژه آلمان و چین هستند. همچنین نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که برای انواع گوناگون مالکیت بنگاه صورت‌های مختلفی از حضور در زنجیره‌های ارزش جهانی قابل مشاهده است که برحسب رویکرد طرف عرضه یا تقاضای بخش صنعت یا خدمات و نوع شبکه اتخاذشده، متفاوت است. براساس این پژوهش، همه‌گیری کووید-۱۹ باعث پیکربندی مجدد زنجیره ارزش جهانی، مانند تنوع



می‌کند. این مطالعه برخلاف سایر مطالعات قبلی انجام شده، جنبه مهمی از زنجیره‌های ارزش جهانی (GVCS) در کسب و کارهای فراملی و بین‌المللی را که پیش‌تر به آن پرداخته نشده است مورد بحث قرار می‌دهد که مربوط به مشارکت TNC ها در فعالیت‌های ارزش افزوده است.

مطالعات قبلی در مورد GVC ها عمدتاً بر سطح کشور مبدأ بدون در نظر گرفتن منابع واقعی تولیدکنندگان از نظر مالکیت بنگاه متمرکز شده است که آگاهی و درک لازم برای سیاست‌گذاری درست را محدود می‌کند. در این راستا درک عمیق‌تر از مشارکت بنگاه‌های خارجی در فعالیت‌های تولیدی برای بهبود سیاست‌گذاری در این زمینه ضروری است. محدودیت‌های مرتبط با استفاده از معیارهای سنتی مانند تراز تجاری دو جانبه نمی‌تواند درک جامعی از ارزش مشارکت بازیگران در زنجیره‌های ارزش جهانی ارائه دهد.

به عنوان مثال، در سال ۲۰۱۵، کل فروش و خدمات بنگاه‌های آمریکایی (به انضمام بنگاه‌های آمریکایی مستقر در چین) به چین حدود ۳۷۲ میلیارد دلار و در مقابل، فروش بنگاه‌های چینی به آمریکا ۴۰۳ میلیارد دلار بوده که کسری تراز ۳۰ میلیارد دلاری را برای آمریکا ایجاد کرده است. در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ کسری مزبور مثبت بوده و به ترتیب به ۷ میلیارد دلار و ۲۰ میلیارد دلار رسیده است. حال چنانچه تراز تجاری سنتی را در نظر بگیریم، در سال ۲۰۱۵ تراز تجاری بین دو کشور آمریکا و چین دارای کسری ۳۶۷ میلیارد دلاری برای آمریکا و رقمی به مراتب کمتر از تراز فروش بین بنگاه‌های دو کشور بوده و در این محاسبات ارزش افزوده تجاری ایجاد شده توسط بنگاه‌های فراملیتی آمریکایی لحاظ نشده است. بنابراین برای درک بهتر ارزش ارتباطات متقابل و مشارکت بازیگران در زنجیره‌های ارزش جهانی به رویکرد دقیق‌تری نیاز است.

### چالش‌های زنجیره ارزش جهانی

با توجه به افزایش پیچیدگی و اهمیت GVC ها، چالش‌های بیشتری توسط محققان، سیاست‌گذاران و رهبران تجاری GVC شناسایی شده است. یکی از این چالش‌ها، عدم قطعیت‌های رو به رشد (مانند درگیری‌های ژئوپلیتیکی، همه‌گیری کووید-۱۹ و تغییرات آب‌وهوایی) است و این سؤال مطرح است که تا چه اندازه بر زنجیره‌های ارزش جهانی تأثیر می‌گذارد؟ یا این سؤال مطرح است که غالب بنگاه‌های موجود در زنجیره‌های ارزش جهانی ملی

زنجیره‌های ارزش جهانی (GVCS) در اقتصاد جهانی امروز از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. GVC ها در درجه اول توسط بنگاه‌های چندملیتی (TNC) سازماندهی می‌شوند و شامل تولید کالاها در مراحل و مکان‌های متعدد هستند که در هر مرحله ارزش افزوده ایجاد می‌کنند. GVC ها به طور گسترده در زمینه‌های گوناگونی مانند سیاست TNC، تحقیقات تجاری بین‌المللی و مدیریت زنجیره تامین مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. این مطالعات با سیاست‌های بین‌المللی فعلی مانند تنظیم حضور تجاری رقابت مالیاتی و مکانیزم‌های تنظیم مرکز کربن به دلیل اهمیت TNC ها مرتبط است. به طور کلی GVC ها جنبه‌ای حیاتی از جهانی شدن اقتصادی در قرن بیست و یکم در نظر گرفته می‌شوند.

در اقتصاد امروز جهان که تقریباً اکثر محصولات در همه نقاط جهان ساخته می‌شوند، استفاده از برچسب سنتی «ساخته شده در» منسوخ شده است. بنگاه‌های چندملیتی (TNC) مسوول ۸۰ درصد از تجارت جهان هستند و بخش قابل توجهی از تجارت صنعت ساخت، تولید ناخالص داخلی و اشتغال بین‌المللی را به خود اختصاص می‌دهند. علاوه بر این ۸۵ درصد ارزش بازار (۵۰۰ بنگاه بزرگ S&P بازار سهام آمریکا که بیشتر آنها TNC هستند) ناشی از ارزش دارایی‌های نامشهود آنهاست. این اتفاق یک چالش بزرگ برای سیاست‌گذارانی است که صرفاً به حسابداری سنتی یا مبتنی بر قلمرو یک اقتصاد متکی هستند. پرداختن به این موضوع نیازمند اندازه‌گیری بهتر زنجیره‌های ارزش جهانی (GVCS) از دیدگاه ناهمگونی بنگاه‌هاست. به طور کلی این موضوع نقش مهم بنگاه‌های TNC و GVC در اقتصاد جهانی و نیاز سیاست‌گذاران به انطباق با این تغییرات را برجسته

### در اقتصاد امروز جهان که تقریباً اکثر محصولات در همه نقاط جهان ساخته می‌شوند، استفاده از برچسب سنتی «ساخته شده در» منسوخ شده است





## مراکز تجارت ارزش افزوده در شبکه زنجیره ارزش افزوده

این مطالعه زنجیره‌های ارزش جهانی را در بخش صنعت ساخت بررسی می‌کند که هم بنگاه‌های داخلی و هم بنگاه‌های چندملیتی (TNCS) را شامل می‌شود و آنها را به سه زیرشبکه تجارت سنتی، تجارت ساده زنجیره ارزش جهانی و تجارت پیچیده زنجیره ارزش جهانی تقسیم می‌کند. نتایج نشان می‌دهد که از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۶ زنجیره‌های ارزش شامل بنگاه‌های ملی داخلی در سه منطقه با مرکزیت چین، آلمان و آمریکا از طریق تجارت سنتی و تجارت ساده زنجیره ارزش جهانی توسعه یافته است. همچنین به نظر می‌رسد الگویی از مراکز دوگانه در آلمان و چین از طریق تجارت پیچیده زنجیره ارزش جهانی وجود دارد. شایان ذکر است که در سطح کشوری نتایج این مطالعه تغییرات نسبتاً سریعی را شناسایی کرده است. این مطالعه نشان می‌دهد که اولاً اقتصاد چین از کشورهای ژاپن و آلمان به عنوان مراکز جهانی



**محدودیت‌های مرتبط با استفاده از معیارهای سنتی مانند تراز تجاری دوجانبه نمی‌تواند درک جامعی از ارزش مشارکت بازیگران در زنجیره‌های ارزش جهانی ارائه دهد**

داخلی) هستند یا اینکه زنجیره‌های ارزش جهانی به واقع جهانی بوده و پدیده‌های فرامنطقه‌ای هستند؟

درک دقیق مسائل یادشده بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا به شناخت بهتر تأثیرات اصلی آزادسازی تجاری (منطقه‌ای در مقابل جهانی) و جداسازی احتمالی تعامل تجارت و سرمایه‌گذاری به دلیل ریسک‌های جغرافیایی رو به رشد بر اقتصاد جهانی در کنار شناسایی بهترین رویکردها در زمینه مدیریت زنجیره تأمین جهانی کمک می‌کند. پاسخ‌های آکادمیک به این گونه چالش‌ها می‌تواند به دلیل تفاوت در رویکردها و اقدامات اتخاذشده بسیار متنوع باشد که این امر نیاز تحقیقات مربوط به زنجیره‌های ارزش جهانی در قالب رویکردهای بین رشته‌ای را بیشتر نشان می‌دهد. نتایج می‌تواند به سیاست‌گذاران کمک کند تا راهبردهای حکمرانی و رقابت‌پذیری خود را در زنجیره ارزش جهانی تقویت کنند و بر قابلیت‌های تحلیلی و سیاست‌محوری خود بیفزایند.





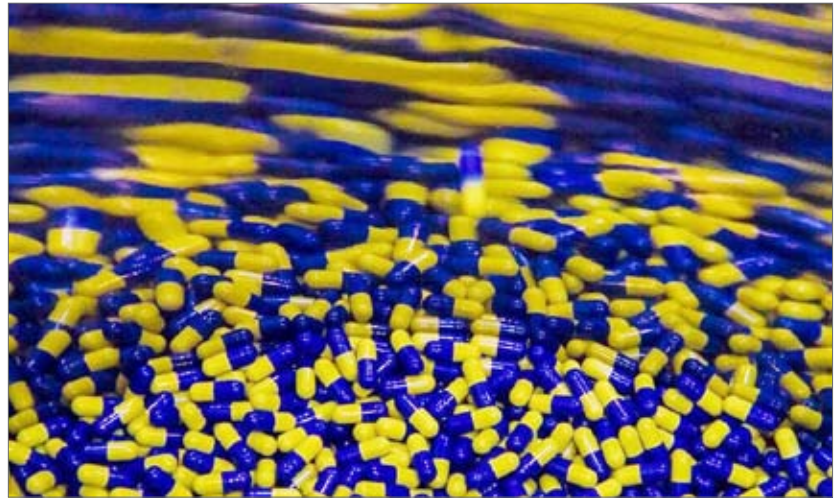
کشوری وجود دارد. بنگاه‌های TNC در آلمان به عنوان مرکزی برای ایجاد ارزش افزوده نسبت به چین، به ویژه در شبکه‌های پیچیده GVC حضور بیشتری نشان می‌دهند. TNC ها در آمریکا از حوزه تجارت سنتی و ساده GVC جدا شده و منطقه‌ای را تشکیل داده‌اند که شامل گروه USMCA و سنگاپور می‌شود.

در شبکه زنجیره ارزش پیچیده که شامل بنگاه‌های TNC است، آمریکا نسبتاً مستقل است و از طریق ارتباط مستقیم با آلمان در سال ۲۰۰۵ و با چین در سال ۲۰۱۶ نیازهای خود را تأمین کرده است. بنگاه‌های TNC سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی خود را در چین افزایش داده‌اند و تمایل دارند کالاهای واسطه‌ای پیچیده‌تری را از طریق GVC ها برای ارتباط با کشورهای بیشتر، عمدتاً در آسیا و همچنین کشورهای آسیای شرقی مانند کانادا و مکزیک به ویژه از طریق تجارت پیچیده ارائه دهند. همچنین آمریکا مرکز جهانی شبکه GVC از طریق تقاضای نهایی برای تولید کالا از سمت تقاضاست؛ در حالی که آلمان به عنوان مرکز تقاضای منطقه‌ای در اروپا برای تجارت زنجیره ارزش سنتی و ساده عمل می‌کند.

شایان ذکر است که کشورهای فرانسه و ایتالیا موقعیت‌های مرکزی خود را در اروپا از دست داده‌اند و اکنون در حال ایجاد ارزش افزوده برای آمریکا هستند. با این حال در تجارت زنجیره ارزش پیچیده، آلمان به عنوان اقتصادی جداگانه به آمریکا مرتبط بوده و دیگر مرکز زنجیره ارزش منطقه‌ای نیست. چین به طور مستقیم با آمریکا تجارت و برای برآوردن تقاضای نهایی کالاهای صنعتی ارزش افزوده فراهم می‌کند.

یافته‌های مطالعه نشان می‌دهد که چین به مرکز جهانی تقاضا در زنجیره‌های ارزش ساده تبدیل شده است و زنجیره‌های ارزش را از کشورهای همسایه آسیایی، اروپایی، آمریکا و آمریکای لاتین جذب می‌کند. این موضوع باعث شده است که حجم نسبی چین در تجارت زنجیره ارزش ساده تقریباً برابر با جذب ارزش افزوده آمریکا باشد.

در مقابل آمریکا همچنان مرکز غالب تقاضای جهانی در حوزه زنجیره‌های ارزش پیچیده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که آمریکا توان جذب بسیار بالایی برای کالاهای صنعتی نهایی در GVC ها دارد، همچنین زنجیره‌های ارزش جهانی که به آمریکا منتهی می‌شوند اغلب طولانی‌تر و پیچیده‌تر هستند. علاوه بر این، چین نه تنها به کارخانه جهانی تبدیل شده، بلکه به دلیل تقاضای داخلی



**چین به مرکز جهانی تقاضا در زنجیره‌های ارزش ساده تبدیل شده است و زنجیره‌های ارزش را از کشورهای همسایه آسیایی، اروپایی، آمریکا و آمریکای لاتین جذب می‌کند. این موضوع باعث شده است که حجم نسبی چین در تجارت زنجیره ارزش ساده تقریباً برابر با جذب ارزش افزوده آمریکا باشد**

تولید GVC در بخش صنعت ساخت پیشی گرفته است. ارزش افزوده چین در این بخش اکنون از آلمان فراتر رفته و این کشور در تجارت ساده و پیچیده زنجیره ارزش جهانی با کشورهای اطراف بیش از هر مرکز جهانی دیگری حضور قدرتمند دارد. این اتفاق در مورد موفقیت چین در ارتقای صنعت ساخت داخلی آن نیز سازگار است. چین نه تنها بیشترین میزان کالاهای نهایی را در جهان عرضه می‌کند، بلکه میزان قابل توجهی از کالاهای میانی با فناوری بالا را نیز مستقیماً از طریق تجارت ساده GVC و به طور غیر مستقیم از طریق تجارت پیچیده GVC در اختیار کشورهای پایین دستی قرار می‌دهد.

ثانیاً، آمریکا موقعیت خود را به عنوان یک مرکز تأمین منطقه‌ای برای اعضای USMCA (آمریکا، مکزیک و کانادا) حفظ کرده، اما حضور آن به ویژه در شبکه‌های پیچیده GVC نسبتاً کاهش یافته است. با این حال، همان طور که از رشد فزاینده ارتباط آمریکا و چین مشاهده می‌شود، آمریکا بیشتر به چین وابسته شده است. این امر به دلیل انتقال صنایع ساخت با سطح فناوری پایین به کشورهای کم‌دستمزد و افزایش تخصصی شدن صنایع ساخت بر خوردار از فناوری پیشرفته در آمریکا است. در همین حال موقعیت آلمان به عنوان یک مرکز منطقه‌ای در اروپا در طول زمان نسبتاً ثابت باقی مانده، به طوری که ارتباط آلمان و آمریکا تا حد زیادی با اتصال آلمان و چین جایگزین شده است. توپولوژی و تکامل شبکه کلی در طول زمان برای ارزش افزوده‌های جهانی شامل بنگاه‌های TNC مشابه آنهاست که شامل بنگاه‌های داخلی هستند؛ اما تفاوت‌های قابل توجهی در سطح



نهایی روی رو به رشد به مرکز تقاضای منطقه‌ای از طریق GVC های ساده تبدیل شده است. صنعت خدمات جهان حول دو منطقه اصلی آمریکا و اروپا متمرکز شده است. در ارائه خدمات از TNC ها، اروپا جایگاه بسیار مهمی در GVC ها دارد، به طوری که آلمان همواره تأمین کننده قابل توجه خدمات در زنجیره‌های ارزش جهانی بوده و در مقابل بریتانیا، نقش حیاتی در ارائه خدمات ارزش افزوده از طریق بنگاه‌های چندملیتی (TNC) چه در تجارت زنجیره ارزش سنتی، چه در تجارت زنجیره ارزش ساده و چه در تجارت زنجیره ارزش پیچیده ایفا کرده است.

در واقع انگلستان، هسته اصلی زنجیره ارزش بنگاه‌های TNC جهانی در سال ۲۰۰۵ بود و تنها در سال ۲۰۱۶ بود که آلمان و آمریکا به بریتانیا پیوستند تا گروه سه گانه‌ای از زنجیره‌های ارزش پیچیده در تجارت خدمات جهانی را تشکیل دهند. بنگاه‌های TNC مستقر در سنگاپور و هنگ کنگ نیز از طریق تجارت سنتی و تجارت ساده زنجیره ارزش در منطقه آسیا نقش مهمی دارند. از سوی دیگر بنگاه‌های داخلی در آمریکا همواره منبعی ضروری برای تأمین هر سه نوع تجارت بوده‌اند. در آسیا مرکز عرضه برای تجارت زنجیره ارزش ساده در خدمات بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۶ از ژاپن به چین منتقل شده است.

در شبکه‌های خدمات زنجیره ارزش جهانی (GVC)، چین توانسته است از طریق پیوند با آمریکا مشارکت گسترده تری داشته باشد. اگرچه در تجارت سنتی و ساده زنجیره ارزش، بنگاه‌های چینی به طور فزاینده‌ای نقش مراکز عرضه خدمات تجاری منطقه‌ای را ایفا کرده‌اند؛ اما از دیدگاه بنگاه‌های TNC چین همچنان باید از طریق پیوندهایی با هنگ کنگ یا آمریکا در سطح جهانی مرتبط باشد. از نظر تجارت زنجیره ارزش پیچیده در سال ۲۰۰۵ بنگاه‌های داخلی چین همچنان نیاز به عبور از ژاپن برای اتصال به شبکه خدمات GVC مرکزی آمریکا داشتند؛ ولی در سال ۲۰۱۶، چین برای مشارکت در این شبکه به طور مستقیم به آمریکا متصل بود. با این حال، بنگاه‌های TNC در بخش خدمات در مقایسه با بنگاه‌های TNC در بخش صنعت حضور برجسته‌ای در چین ندارند که این امر تا حد زیادی نشان دهنده این واقعیت است که بازار خدمات در چین در مقایسه با بازار کالایی باز نیست.

مانند بخش تقاضای صنعت، آمریکا همیشه هسته اصلی زنجیره‌های ارزش جهانی در بخش خدمات است. سایر اقتصادها از جمله آلمان و چین از طریق

پیوندهای مستقیم با آمریکا در زنجیره ارزش پیچیده تجارت جهانی خدمات مشارکت می‌کنند و بنگاه‌های داخلی و چندملیتی نیز ویژگی‌های اساسی مشابهی از خود نشان می‌دهند.

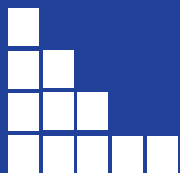
در تجارت سنتی، آمریکا و آلمان همچنان به عنوان مراکز تقاضای جهانی و منطقه‌ای تسلط داشتند. با این حال، بنگاه‌های داخلی و چندملیتی در سوئیس و چین به ترتیب در شمال اروپا و آسیا به عنوان مراکز تقاضای کوچک، شروع به ایفای نقش کردند. در زنجیره‌های ارزش تجاری ساده تا سال ۲۰۱۶ چین تعداد قابل توجهی از اقتصادهای منطقه آسیایی را برای رفع نیازهای خدمات خود جذب کرد؛ از جمله ژاپن که در سال ۲۰۰۵ مرکز فرعی تقاضا و مستقیماً با آمریکا در ارتباط بود. این امر نه تنها در زنجیره‌های ارزش بنگاه‌های داخلی چین، بلکه در زنجیره‌های ارزش تجاری خدمات بنگاه‌های چندملیتی با محوریت چین مشهود بوده که نشان دهنده اهمیت روزافزون چین در تجارت زنجیره‌های ارزش ساده در حوزه خدمات است.

در تجارت زنجیره ارزش پیچیده در سال ۲۰۱۶ آمریکا به عنوان مرکز جهانی مسلط باقی ماند، در حالی که آلمان نیز در اروپا به بلوغ رسیده بود و به عنوان مرکزی در قلب اروپا عمل می‌کرد که توانست ارزش افزوده بیشتر بنگاه‌های چندملیتی را جذب کند؛ برخلاف نقش مهم بنگاه‌های چندملیتی در بریتانیا از طرف عرضه، این کشور حضور چشمگیری در سمت تقاضا نداشت و صرفاً توسط آمریکا به عنوان تأمین کننده ارزش افزوده جذب شد.



**در شبکه‌های خدمات زنجیره ارزش جهانی (GVC)، چین توانسته است از طریق پیوند با آمریکا مشارکت گسترده تری داشته باشد. اگرچه در تجارت سنتی و ساده زنجیره ارزش، بنگاه‌های چینی به طور فزاینده‌ای نقش مراکز عرضه خدمات تجاری منطقه‌ای را ایفا کرده‌اند**





---

## فصل سوم

اقتصاد دستوری



نظام اقتصادی بر نامهریز مرکزی با مالکیت تمام قد دولتی منهای بازار دفاع کند. لکن، با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد، این نبرد گفتمانی نیز تمام شد و در نتیجه آن، بحث اقتصادی پیرامون مساله نظام اقتصادی مطلوب از ایدئولوژی دور و به علم نزدیک شد. پیرو این گذار از ایدئولوژی به علم بود که چه لیبرال‌ها و چه سوسیالیست‌ها رفته‌رفته نظریات اقتصادی خود را تعدیل کردند. آن چنان که اکنون به ندرت میان احزاب لیبرال و سوسیالیست جریان اصلی در سطح جهان بر سر نفس مالکیت خصوصی یا کارآمدی بازار در مقابل برنامه‌ریز مرکزی بحث و جدلی باقی مانده است. همگان کارآمدی بازار را پذیرفته‌اند و همگان بر دفاع از مالکیت خصوصی تاکید دارند.

مضاف بر این، همگان بر پدیده شکست بازار در مواردی اذعان دارند و از این رو، بر نقش دولت برای ورود به این حوزه‌ها حساب باز می‌کنند. در نتیجه، می‌توان گفت چه لیبرال‌ها و چه سوسیالیست‌های جریان اصلی امروز جهان بر سر اصول کلی بحث و جدلی ندارند و هر آنچه هست، بحث بر سر فروع علم اقتصاد است. با این مقدمه و پیرو مناظرات اقتصادی که این روزها بر سر پیوستی نظام اقتصادی مطلوب در داخل کشور صورت گرفته است، این شماره از صفحه باشگاه اقتصاددانان را به این موضوع اختصاص داده‌ایم که نظام اقتصادی مطلوب چیست؟ آیا همچنان می‌توان پس از شکست نظام اقتصادی شوروی و تغییر پارادایم نظام اقتصادی چین، از اقتصاد دستوری دفاع کرد یا خیر؟

### از دستور تا مداخله مشروط

بحران مالی سال ۲۰۰۸، با دخالت دولت آمریکا به عنوان سرمدار اقتصاد آزاد و مهد سرمایه‌داری دنیا پس از حدود سه سال کنترل شد و با وجود همه انتقاداتی که در آن زمان به مداخله دولت آمریکا در اقتصاد بازار می‌شد، بار دیگر قطار اقتصاد آزاد به ریل اصلی خود بازگردانده شد و مانع به انحراف کشیده شدن اقتصاد آزادی شد که بیش از ۳۰۰ سال تمرین شده بود و هنوز نسخه کامل تر و کارآتری نسبت به آن ارائه نشده است.

در آن زمان طرفداران نظام اقتصاد آزاد به مداخله دولت در قالب بسته‌های سیاستی تحریک تقاضا، تعیین نرخ دستوری بهره و خرید شرکت‌ها و بانک‌های ورشکسته آمریکایی، انتقادات تندی می‌کردند و این گونه دخالت‌ها را در تعارض با روح اقتصاد بازار می‌دانستند؛ ولی طرفداران دخالت



## از تنظیم‌گری تا اقتصاد

دارو و تجهیزات پزشکی، برعلیه اقتصاد دستوری



**در سیستم حاکمیتی ایران، به خصوص در دهه اخیر، نه تنها نشانه‌های از پیروی از نظام‌های اقتصادی رایج به عنوان اساس تئوریک سیاست‌گذاری‌های اقتصادی وجود ندارد و دائم سیاست‌های اقتصادی در تناقض و سردرگمی مورد آزمون و خطا قرار می‌گیرند؛ بلکه نشانه‌های از تلاش و برنامه برای برون‌رفت نیز مشاهده نمی‌شود**

دوران جنگ سرد به پایان رسیده است و با پایان این جنگ، به نظر می‌رسد که باید ادبیات این دوره نیز باید به پایان می‌رسید. اما شواهد حکایت از آن دارد که ادبیات این دوره همچنان در برخی محافل زنده است. محور اصلی نبرد گفتمانی دوران جنگ سرد میان ایالات متحده آمریکا به نمایندگی از بلوک غرب و اتحاد جماهیر شوروی به نمایندگی از بلوک شرق حول مساله پیوستی نظام اقتصادی مطلوب قرار داشت. این نبرد گفتمانی حول نظام اقتصادی مطلوب خواه ناخواه آمیخته به نوعی نگاه صفر و صدی بود.

نگاه صفر و صدی که یاد در تلاش بود تا از نظام اقتصاد بازار آزاد بدون دخالت دولت حمایت کند یا از

برنامه‌های توسعه‌ای که با التزام به اصول اقتصاد و تعیین رویکرد و خط فکری اقتصادی طراحی و تدوین شده‌اند، دولت‌ها از طریق برنامه‌های حمایتی و تسهیلاتی و ایجاد امنیت و افزایش سرمایه‌گذاری‌های موثر و فراهم کردن بسترها و زیرساخت‌های مقررانی لازم، نقش بسزایی ایفا می‌کنند که دخالت دولت را تا مدت زمان محدودی، توجیه می‌کند؛ اما در این نوع اقتصادی که به هیچ‌یک از تئوری‌های اقتصادی حاکم بر اقتصادهای پیشرفته دنیا پایبند نیست و انسجام و هماهنگی در هیچ‌کدام از برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی دیده نمی‌شود و هر دولتی سیستم وصله‌پینه‌ای پر از تناقض خود را آزمون می‌کند.

در آخر اقتصاد ویران شده را با انبوهی از مشکلات جدید تحویل گروه کم‌تجربه دیگر می‌دهد، صحبت از میزان دخالت دولت در اقتصاد و چگونگی ایفای نقش تنظیم‌گری و حمایتی، سخنی گزافه و بیهوده خواهد بود و قطعاً جز سیاه کردن کاغذ، فایده‌ای نخواهد داشت.

به نظر نگارنده، تا زمانی که سیاستگذار کلان، به علم اقتصاد گردن نهد و دست از ایستادن در مقابل علم بر ندارد و به مسیرهای تجربه‌شده موفق کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه احترام نگذارد و نخواهد چرخ را دوباره اختراع کند، این «در» بر همین پاشنه خواهد چرخید و اقتصاد ناسالم و ناکاراً بزرگ‌ترین دشمن کشور خواهد شد.

دولت در بازار هم بر این باور بودند در مواقعی که مکانیزم بازار به تنهایی قادر به تخصیص بهینه منابع و ایجاد کارایی در بازار نباشد، دولت حق دارد در اقتصاد مداخله کند و با نقش‌آفرینی خود، نارسایی‌های موجود را کاهش دهد.

در این مقدمه و براساس پژوهش‌های انجام‌شده، به روشنی مرز و زمان دخالت دولت در اقتصاد تعیین شده است؛ اما برای اقتصاد توسعه‌یافته و در حال توسعه‌ای که به میانی و اصول اساسی اقتصاد لیبرال پایبند است و رفاه اقتصادی جامعه با حضور پررنگ بخش خصوصی به‌عنوان رویکرد غالب در سیاست‌گذاری‌های حاکمیتی تعریف شده است.

متأسفانه در سیستم حاکمیتی ایران، به خصوص در دهه اخیر، نه تنها نشانه‌ای از پیروی از نظام‌های اقتصادی رایج به‌عنوان اساس تئوریک سیاست‌گذاری‌های اقتصادی وجود ندارد و سیاست‌های اقتصادی در تناقض و سردرگمی مورد آزمون و خطا قرار می‌گیرند؛ بلکه نشانه‌ای از تلاش و برنامه برای برون‌رفت نیز مشاهده نمی‌شود و صرفاً با وعده طراحی و اجرای نظام اقتصادی بومی - اسلامی، زمان و فرصت را زایل می‌کنند و گره‌های اقتصادی تنگ‌تر و ناگشودنی‌تر می‌شوند. طی تحقیقات انجام‌شده و تجارب کسب‌شده، قطعاً حضور پررنگ دولت در اقتصاد موجب خروج بخش خصوصی سالم خواهد شد که تخصیص ناکاراً و غیربهینه منابع و در نتیجه کاهش کارایی و بهره‌وری را به دنبال خواهد داشت. البته در شروع



**دولت‌ها از طریق برنامه‌های حمایتی و تسهیلاتی و ایجاد امنیت و افزایش سرمایه‌گذاری‌های موثر و فراهم کردن بسترها و زیرساخت‌های مقررانی لازم، نقش بسزایی ایفا می‌کنند که دخالت دولت را تا مدت زمان محدودی، توجیه می‌کند**







### تولیدکننده به دنبال گران فروشی نیست

وی در ادامه بیان می‌کند: ما تولیدکنندگان آنقدر درگیر مسائل داخلی هستیم که به رقبای خارجی هم فکر نمی‌کنیم. بخش خصوصی موتور پیشران است و قطعاً در بخش خصوصی تولیدکننده به دنبال گران فروشی نیست به رقابت فکر می‌کند.

برزین جفرتاش؛ کارشناس حوزه تولید با اشاره به همین موضوع بیان می‌کند: قیمت گذاری دستوری اثری منفی روی تورم دارد. قیمت گذاری وقتی شدید باشد، باعث کاهش تولید می‌شود و حتی اگر باعث کاهش تولید نشود، به کیفیت کالا ضربه می‌زند و در نهایت مصرف کننده زیان می‌بیند. این کار در کوتاه مدت به نفع حکومت است که بگوید مردم ماشین ارزان خریدند. وی ادامه می‌دهد: دولت می‌خواهد به مردم بخرچال و ماشین ارزان بدهد، ولی نمی‌خواهد قبول کند که تولید ناخالص کشور به خاطر تحریم‌ها ۴۰ درصد کاهش پیدا کرده است. جفرتاش مطرح کرد: همین موضوع باعث شده از سال ۹۷ واردات خودرو ممنوع شد و براساس منطق باید سود کنند، اما ۱۷۰ هزار میلیارد تومان در زیان هستند.

قیمت گذاری ربطی به کنترل سطح عمومی قیمت‌ها ندارد و باعث سرکوب تولید، کاهش رشد تولید و سرکوب بازار می‌شود. این کارشناس حوزه تولید در پایان سخنان خود اظهار داشت: سازمان حمایت از مصرف کنندگان به جای قیمت گذاری دستوری باید روی کیفیت و خدمات پس از فروش تمرکز کند و بابت کاهش قدرت خرید مردم باید سراغ تسهیل خرید اقساطی برویم.

زیان شرکت‌ها می‌انجامد. مجید نصیرایی؛ دبیر کمیسیون تلفیق بودجه ۱۴۰۲ با بیان اینکه قیمت گذاری دستوری و زیان شرکت‌ها بارها در چندسال گذشته اجرایی شده، ادامه می‌دهد: بازنده اول این تفکر مردم و برنده اصلی آن، عده خاص هستند که از رانت قیمت گذاری دستوری بهره می‌برند. شاید فهم قیمت گذاری دستوری در ذهن عامه مردم به این صورت باشد که سازمان حمایت با اعمال فشار به تولیدکنندگان، مانع از افزایش قیمت تمام شده، می‌شود، اما باید بدانیم که سیاست سرکوب قیمتی، به ضرر مصرف کنندگان نیز است، چرا که دیگر تولید کالا برای صنعتگر، سودی ندارد. در این جا تولید کاهش پیدا می‌کند، اما تقاضا ثابت مانده است و کمبود در بازار حس می‌شود و براساس تجربه موجبات افزایش تورم را فراهم می‌آورد که در حال حاضر براساس داده‌های مرکز آمار ایران، با تورم ۵۵.۵ درصدی دست و پنجه نرم می‌کنیم.

### حبس نفس تولید توسط دولت با اهرم سازمان حمایت

به گفته بسیاری از صاحب نظران، دولت با اهرم سازمان حمایت از مصرف کنندگان و تولیدکنندگان در بخش خصوص دخالت می‌کند و فرصت تنفس را از پیشران‌های اقتصادی گرفته است. آذین حیاتی؛ فعال حوزه تولید در همین رابطه معتقد است: در اولین قدم یک پذیرش باید در ساختار دولت ایجاد شود که با کاهش دخالت، از بخش خصوصی به عنوان موتور پیشران اقتصاد کشور حمایت کند و اجازه دهد یک نظام بازار واقعی رقابتی حکمفرما شود، زیرا باعث افزایش کیفیت و خلاقیت‌ها می‌شود.



**به گفته بسیاری از صاحب نظران، دولت با اهرم سازمان حمایت از مصرف کنندگان و تولیدکنندگان در بخش خصوص دخالت می‌کند و فرصت تنفس را از پیشران‌های اقتصادی گرفته است**





پژوهشگر و اندیشور جدی از این موضوع آگاه است که باید در گفتار و نوشتار خود، پیش از هر چیز منظور نظر خود از این انگاره‌ها را روشن کند؛ اما دایره اطلاق اصطلاحات مورد اشاره، به ویژه در نزد اهل فن، آنچنان گسترده و دل‌خواهی نیست که بتوان برای نمونه برای ساختار حاکم بر اقتصاد ایران از عنوان سرمایه‌داری یا برای اشاره به رویکرد دولت‌های اروپایی (حتی در کشورهای حوزه اسکاندیناوی) از عنوان دولت‌های مداخله‌گر استفاده کرد.

علاوه بر این، باید توجه کرد که دو گانه‌های مورد اشاره، دو گانه‌هایی از جنس صفر و یک نیستند، بلکه عنوانی هستند که برای اشاره به دو متهای طیفی از رویکردهای اقتصادی به کار گرفته می‌شوند. در این معنا، حتی در اقتصادهای مبتنی بر بازار آزاد نیز یافتن نمونه‌هایی از سیاست‌های دستوری چندان دشوار نخواهد بود و اصولاً روزنامه‌ها، مجلات و نیز صفحات مجازی در همه کشورها از مباحثه‌های داغ در مورد سیاست‌های اقتصادی و کارآیی / منصفانه بودن آنها آکنده است.

در نهایت، انتخابات در ساختارهای دموکراتیک، فرآیندی است که برای شهروندان این امکان را فراهم می‌آورد تا از میان احزابی که نماینده نگرش‌های مختلف اقتصادی هستند، دست به گزینش بزنند و جهت‌گیری کلی اقتصاد کشورهای خود را تعیین کنند. این همه در حالی است که مناظره‌های اخیر، جز و نادر مواردی بوده که یک اقتصاددان ایرانی، فرصت تشریح و دفاع از مبنای لیبرالیسم، آن هم با تابلوی اصلی را یافته است.

به طور کلی، پایه و اساس دفاع اقتصاددانان جریان اصلی از آزادی اقتصادی و مخالفت آنها با رویکردهای جمع‌گرایانه، مداخله‌گرایانه و دستوری بر این اساس استوار است که تخصیص منابع کمیاب توسط نیروهای بازارهای غیر متمرکز و شهروندان آزاد و خودمختار، تخصیصی کارآ و بیشینه‌کننده رفاه اجتماعی است. آیا این امر به آن معناست که اقتصاددانان از جهانی بدون هرگونه قاعده‌مندی دفاع می‌کنند؟ تردیدی نیست که چنین جهانی، آشفته و آکنده از هرج و مرج خواهد بود.

در زیرین‌ترین لایه، شکل‌گیری بازار خود وابسته به به رسمیت شناخته شدن و اجرای حق مالکیت است و احتمالاً، مهم‌ترین دستاورد دانش اقتصاد این بوده است که نشان می‌دهد مبادله داوطلبانه میان افراد با انگیزه‌های خودخواهانه به طور متقابل سودمند خواهد بود («دست نامرئی» آدام اسمیت).



## دریای گسترش دخالت‌های اقتصادی

مثلث صنعت سلامت، اقتصاد دستوری و توسعه



**پایه و اساس دفاع اقتصاددانان جریان اصلی از آزادی اقتصادی و مخالفت آنها با رویکردهای جمع‌گرایانه، مداخله‌گرایانه و دستوری بر این اساس استوار است که تخصیص منابع کمیاب توسط نیروهای بازارهای غیرمتمرکز و شهروندان آزاد و خودمختار، تخصیصی کارآ و بیشینه‌کننده رفاه اجتماعی است**

یکی از تفاوت‌های موضوعات مرتبط با علوم اجتماعی با سایر دانش‌ها این است که این موضوعات به دلیل سروکار داشتن با زندگی فردی و اجتماعی روزمره شهروندان، به طور معمول، محل بحث و جدل عمومی قرار می‌گیرند.

اظهار نظر آزادانه شهروندان در مورد حوزه‌های مرتبط با علوم اجتماعی، به طور عام و دانش اقتصاد، به طور خاص، یک حق عمومی است و بیش از آن، می‌تواند از پویایی فکری جامعه حکایت داشته باشد؛ اما مناظره‌های اقتصادی اخیر نشان دادند که درک و ذهنیت بخشی از صاحب‌نظران و فعالان اجتماعی و سیاسی در کشورمان - که دست بر قضا، طنین صدایشان نیز در دولت‌ها غالب بوده است - در مورد انگاره‌هایی مانند فردگرایی / جمع‌گرایی، اقتصاد آزاد / اقتصاد دستوری و مداخله‌گرایی / تنظیم‌گری تا چه اندازه با اوجاج همراه است. در واقع، ارائه تعریفی جامع، مانع و نیز مورد اجماع از این ایده‌ها تا حدی دشوار است و اصولاً هر

منظر، مداخله‌گرایی، در نقطه مقابل تنظیم‌گری، به رویکردی اشاره دارد که در آن هدف اجتماعی تغییر اندازه نسبی برش‌های یک اقتصاد از کانال دستکاری سطوح قیمت‌های نسبی پی گرفته می‌شود و از همین رو، به شدت کارآیی اقتصادی را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

در حالت بعدی، چنین رویکردی می‌تواند با تخریب کامل اطلاعات موجود در سطوح قیمتی در زمینه کمیابی منابع به کوچک شدن یک اقتصاد منجر شود (توزیع فقر).

با توجه به آنچه گفته شد، تفاوت میان تنظیم‌گری و مداخله‌گرایی اقتصادی را باید نه به عنوان تفاوتی از سنخ ارزش‌های هنجاری، بلکه به عنوان تفاوتی از جنس نگاه به پدیده‌های اجتماعی فهم کرد. در رویکرد اول، اقتصاد بازار، نظمی خودانگیخته و فاقد اهداف از پیش تعیین شده است که در آن هماهنگی اهداف بازیگران بی‌شمار صرفاً از مسیر مکانیزم قیمت‌ها حاصل می‌شود. در نقطه مقابل، در رویکرد دوم، جامعه به مثابه نوعی سازمان سلسله‌مراتبی مبتنی بر دستور برای نیل به اهداف از پیش تعیین شده در نظر گرفته می‌شود. این از سر اتفاق نیست که میان مالکیت خصوصی و آزادی فردی پیوندی نزدیک وجود دارد و قواعد رفتاری در یک نظم خودانگیخته، افراد را آزاد می‌گذارد تا از شناخت خود برای پیشبرد اهداف خویش - که هم‌زمان می‌تواند برای دیگران نیز سودمند باشد - استفاده کنند. علاوه بر این، قواعد اجتماعی که به صورت خودانگیخته تکوین یافته‌اند، در معرض فرآیند انتخاب قرار دارند و از همین رو در طول زمان پالایش می‌شوند و بهبود می‌یابند؛ این در حالی است که در الگوی فکری جامعه به مثابه یک سازمان اجتماعی، قانون به شکل فرمان و دستور حاکمان درمی‌آید؛ امری که نه تنها می‌تواند به فاصله‌گیری بیش از پیش اقتصاد از قواعد انصاف منجر شود، بلکه می‌تواند حاکمیت را به ورطه تمامیت‌خواهی اجتماعی و سیاسی نیز سوق دهد.

نقل است که سید حسن مدرس خطاب به فرمان فرما که از او خواهش کرده بود حضرت آیت‌الله اینقدر پا روی دم او نگذارند، پاسخ داده بود: حدود دم حضرت والا باید مشخص شود؛ زیرا من هر کجا پا می‌گذارم دم حضرت والا است. داستان مداخله دولت در اقتصاد (اجتماع) کشورمان نیز روایتی مشابه دارد و باید پرسید حدود دخالت دولت را تا کجا گسترش داده‌اند که در همه جا با حقوق فردی و آزادی‌های اجتماعی - اقتصادی شهروندان در کشاکش قرار دارد.

اجتماعی به عنوان امری مطلوب تلقی کنند. به بیان دیگر، شهروندان می‌توانند مکانیزمی را که در آن تنها افرادی از کالاها و خدمات خاصی بهره‌مند می‌شوند که حاضر و قادر به پرداخت بهای بازاری آنها باشند غیرمنصفانه ارزیابی کنند. شایان توجه است که آنچه به عنوان نمونه‌هایی از مداخله‌های اقتصادی دولت‌های غربی در مناظره‌های اخیر مورد اشاره قرار گرفت، از این سنخ است. در یک تصویر بزرگ‌تر، تامین مالی اهداف اجتماعی نیازمند دریافت مالیات از بنگاه‌ها یا گروه‌های بیشتر برخوردار جامعه است و از همین رو، مورد اخیر بنیان نظری بازتوزیع در اقتصاد سیاسی به عنوان دومین منشأ دولت را فراهم می‌آورد.

ذکر دو نکته در این مورد حائز اهمیت است: اول؛ در برخی موارد، فراهم آوردن کالاها و خدمات می‌تواند علاوه بر استبدال مبتنی بر انصاف، به دلیل اثرات خارجی آن امری اجتماعی و مطلوب تلقی شود؛ اما به طور کلی در بازتوزیع، برخلاف تصحیح شکست بازار، هدف مداخله‌های دولتی، نه بازیابی کارآیی اقتصادی - به معنای پیشینه‌سازی رفاه اجتماعی - بلکه دستیابی به عدالت اجتماعی است. از آنجا که عدالت اجتماعی، مفهومی هنجاری است، سطوح بازتوزیع و میزان نقش‌آفرینی دولت‌ها در این زمینه می‌تواند بنا بر توزیع درآمد و ثروت، دسترس‌سی / عدم دسترس‌سی به منابع طبیعی و از آن مهم‌تر نگرش‌های فرهنگی در جوامع مختلف، متفاوت باشد.

مشاهده طیفی از اقتصادهای آزاد از ساختارهای به شدت مبتنی بر سرمایه‌داری تا اقتصادهای رفاه در دنیای واقع دقیقاً از همین تفاوت‌ها سرچشمه می‌گیرد.

دوم؛ از منظر اجرایی، بازتوزیع می‌تواند توسط ابزارهای مختلف و متعدد صورت پذیرد. در واقع، حتی فراهم آوردن کالاها و خدمات عمومی توسط دولت‌ها نیز ذیل خود و اجزای آن بازتوزیعی است. از این

بهرغم این موضوع، در غیاب اجرای حقوق مالکیت، بازی با حاصل جمع مثبت مبادله در بهترین شرایط به بازی با حاصل جمع صفر بدل می‌شود (حالت «طبیعی» هابزی). در حقیقت، یک سیستم حقوق مالکیت و رویه‌های اجرای آن، یک کالای عمومی (سامونلسونی) است که مصرف یک فرد از این کالا، به کاهش مصرف سایر افراد منجر نمی‌شود. به‌طور کلی، وجود انگیزه برای سواری مجانی موجب می‌شود تا بازار در تخصیص کارآیی کالاها و عمومی با شکست مواجه شده و بنیانی برای لزوم دولت در جهت نیل به کارآیی اقتصادی فراهم شود.

بنیان لزوم دولت تنها به تامین مالی و عرضه کالاها و عمومی محدود نمی‌شود. انحصارها و اثرات خارجی دو مورد دیگری هستند که به ناکارآیی در تخصیص و شکست بازار منجر می‌شوند. در نهایت، عدم تقارن اطلاعاتی عامل دیگری است که می‌تواند به ناکامل بودن بازارها - برای نمونه، بازارهای مالی - منجر شود. به بیان تخصصی، موارد چهارگانه فوق، بنیان دولت به عنوان نهاد تنظیم‌گر اقتصاد را پایه‌گذاری می‌کنند. از این منظر، تنظیم‌گری اقتصادی به قواعدی اشاره دارد که دولت‌ها برای تغییر رفتار بنگاه‌ها و تصحیح شکست‌های بازار به آحاد اقتصادی تحمیل می‌کنند.

شکست بازار در اقتصاد سیاسی به عنوان اولین منشأ دولت شناخته می‌شود؛ اما علاوه بر آن، دولت‌ها در کشورهای مختلف از منظر تفاوت نیز به نقش‌آفرینی در اقتصاد می‌پردازند. مورد اخیر زمانی رخ می‌دهد که پیامدهای بازار نه از منظر کارآیی، بلکه از منظر عدالت اجتماعی با خواست و اهداف عمومی در تضاد باشد.

به عنوان نمونه، ممکن است شهروندان دسترسی حداقلی همگانی به نیازهای ابتدایی مانند نان، آب، انرژی، خدمات درمانی و نظایر آن را از منظر





## شکست اقتصاد دستوری در ایران

تجربه‌های سخت دارو و تجهیزات پزشکی از اقتصاد دستوری

مکانیزم‌هایی که در آن وجود دارد به تعادل می‌رسد. از این رو اقتصاد سیاسی فیزیوکراسی را می‌توان اقتصاد سیاسی لسفری نیز نام نهاد. در اقتصاد سیاسی کلاسیک (سال‌های ۱۷۷۶ تا ۱۸۷۱ میلادی) هم کاهش حضور دولت در اقتصاد به همراه کارکرد مکانیزم بازار و خودتنظیم‌گری اقتصاد و بازار، تشویق روحیه فردگرایی، تاکید بر انگیزه نفع شخصی و هماهنگی آن با نفع جمعی، هماهنگی کارایی و رقابت، سیطره اندیشه لسفر تمام‌عیار و موارد مشابه، از خصوصیات بارز بود. با این حال رفته‌رفته در مقابل قرائت کلاسیک از اقتصاد، برخی قرائت‌های دیگر از اقتصاد سیاسی نیز ظهور یافتند که به نقد کلاسیک یا حتی طراحی

**مداخله دولت در اقتصاد و حدود این مداخله، محل مناقشه مکاتب مختلف اقتصادی است و در حیطه اقتصاد سیاسی قرار دارد؛ به طوری که نخستین مکتب رسمی اقتصاد سیاسی مدون شده، یعنی مکتب سوداگرایی (یا مرکانتیلیسم) در قرن شانزدهم همسو با رخداد انقلاب تجاری، بر کاهش دخالت دولت در اقتصاد و حضور پررنگ بازار و بخش خصوصی تاکید داشت و زمینه‌ای قوی برای ظهور اقتصاد سیاسی کلاسیک فراهم کرد. قرائت مکمل اقتصاد سیاسی سوداگرایان، یعنی مکتب طبیعی‌گرایان (یا فیزیوکرات‌ها) نیز بر آزادی اقتصاد و عدم دخالت دولت در اقتصاد تاکید و اشاره داشت که اقتصاد نیز مانند طبیعت با توجه به**

بحث مداخله دولت در اقتصاد و حدود این مداخله، محل مناقشه مکاتب مختلف اقتصادی است و در حیطه اقتصاد سیاسی قرار دارد؛ به طوری که نخستین مکتب رسمی اقتصاد سیاسی مدون شده، یعنی مکتب سوداگرایی (یا مرکانتیلیسم) در قرن شانزدهم همسو با رخداد انقلاب تجاری، بر کاهش دخالت دولت در اقتصاد و حضور پررنگ بازار و بخش خصوصی تاکید داشت و زمینه‌ای قوی برای ظهور اقتصاد سیاسی کلاسیک فراهم کرد. قرائت مکمل اقتصاد سیاسی سوداگرایان، یعنی مکتب طبیعی‌گرایان (یا فیزیوکرات‌ها) نیز بر آزادی اقتصاد و عدم دخالت دولت در اقتصاد تاکید و اشاره داشت که اقتصاد نیز مانند طبیعت با توجه به

و نئو کلاسیک، بر این ایده استوارند که با فراهم کردن شرایط رقابتی در اقتصاد، نیروهای عرضه و تقاضا توان تنظیم‌گری در بازار را دارند و دخالت دولت در بازار و تحمیل دستوری قیمت و مقدار تولید لازم نیست. در این نگرش، دولت موظف است شرایط بازار رقابتی را فراهم کند و هر گونه دخالت و تحمیل دستوری قیمت و مقدار اتفاقاً موجب انحراف بازار از شرایط تعادلی می‌شود و تبعات رانت و دستکاری قیمت و تنزل کیفیت محصولات تولیدی را ایجاد خواهد کرد.

در نقطه مقابل این نگرش، ضرورت حضور و دخالت دولت در اقتصاد و بازار مطرح می‌شود؛ به طوری که طیف طرفدار این نگرش معتقدند به دلیل پدیده شکست بازار، نیروهای عرضه و تقاضا توان ایجاد تعادل در بازار را ندارند و دولت باید برای ایجاد تعادل و حمایت از مصرف‌کننده در بازار دخالت کند. بر اساس دیدگاه طرفداران این نگرش، به دلیل ماهیت منفعت‌طلبی، تولیدکنندگان به دنبال افزایش و دستکاری قیمت‌ها و کسب سود بیشتر هستند؛ بنابراین در این نوع نگرش، ماهیت بازار و شکست آن، شرایط و بسترهای لازم برای اقتصاد دستوری را فراهم می‌کند.

باید اذعان کرد، تجربه تاریخی اقتصاد ایران از غلبه نگرش اقتصاد دستوری حکایت دارد و در برهه‌های مختلف، رویکرد تحمیل دستوری قیمت‌ها مدنظر قرار گرفته است. نهادسازی‌های اقتصاد ایران نیز بر مبنای نگرش اقتصاد دستوری شکل گرفته‌اند. در واقع، نهادهایی همچون سازمان حمایت از مصرف‌کننده و تزییرات و دیگر ارگان‌های نظارت بر رفتار و عملکرد بازار در جهت نظارت و پایش و کنترل بازار و برای جلوگیری از انحراف قیمتی در بازار ایجاد شده‌اند.

به نظر نگارنده، نبود بازارهای متمایل به رقابت، گستره انحصار در بخش‌های مختلف صنعتی، بدهستان دولت و بخش خصوصی و توسعه اقتصاد شبه دولتی سبب شده است تا در اقتصاد ایران شرایط رقابت در بازار فراهم نشود و همین مساله نیز موجب شده است تا پدیده اقتصاد دستوری شکل بگیرد و گسترش نهادهای نظارتی در چنین ساختاری توجیه یافته است.

پایان سخن این است که تجربه تاریخی اقتصاد ایران حداقل در چند دهه اخیر از شکست نگرش اقتصاد دستوری حکایت دارد و جز تحمیل هزینه بی‌اعتمادی، تشدید رانت و فساد، انحراف قیمتی و تنزل کیفیت و گسترش هزینه‌های نظارتی (نه چندان کارآمد) حاصل دیگری نداشته است.

پاراادایم جایگزین برای آن مبادرت کردند. الگوی سوسیالیستی و مارکسیستی از اقتصاد سیاسی به عنوان یکی از منتقدان جدی و جایگزینی قوی برای اقتصاد سیاسی کلاسیک ظهور کرد. در این قرائت، اندیشه لسفرفی و اقتصاد خودکار و خودتنظیم‌گر مردود اعلام شد و به جای عقیده به هماهنگی بین منافع فردی و اجتماعی، تضاد منافع آن دو مطرح شد.

از لحاظ حقوقی، مالکیت عمومی جای مالکیت خصوصی را گرفت و محصولات و ارزش‌های ایجاد شده اقتصادی فقط حق نیروی کار تلقی شدند. اقتصاد سیاسی کینزی نیز از زاویه دیگر به نقد پارادایم نئو کلاسیک پرداخت و کینزین‌ها ریشه مشکلات اقتصادی را با بخش تقاضای اقتصاد مرتبط می‌دانستند و معتقد بودند اقتصاد به صورت خودکار به تعادل نخواهد رسید و برای تحقق اشتغال کامل و حل مسائل کلان اقتصادی، حضور و دخالت دولت توجیه‌پذیر است.

با توجه به سیر تحولات مکاتب اقتصادی و نگرش این مکاتب در نقش خودتنظیم‌گری بازار و اقتصاد یا لزوم حضور و مداخله دولت در اقتصاد و بازار، باید اشاره کرد در اقتصاد کینزی که بر مبنای تنظیم‌گری اقتصاد بنا نهاده شده، محوریت تعادل اقتصاد بر عهده بازار و نیروهای عرضه و تقاضاست. پیاده‌سازی و تقویت نظام رقابت در اقتصاد توان بهینه‌سازی، تعادل بخشی و شفافیت را در بازار فراهم کرده و رقابت حاصل از مکانیزم بازار ضمن ارتقای کیفیت محصولات تولیدی در اقتصاد، مناسب‌ترین و منصفانه‌ترین قیمت را نیز در بازار تعیین می‌کند.

باید گفت مکاتب اقتصادی اشاره شده، از سوداگران و طبعی‌گرایان گرفته تا مکتب اقتصادی کلاسیک



**تجربه تاریخی اقتصاد ایران از غلبه نگرش اقتصاد دستوری حکایت دارد و در برهه‌های مختلف، رویکرد تحمیل دستوری قیمت‌ها مدنظر قرار گرفته است. نهادسازی‌های اقتصاد ایران نیز بر مبنای نگرش اقتصاد دستوری شکل گرفته‌اند. در واقع، نهادهایی همچون سازمان حمایت از مصرف‌کننده و تزییرات و دیگر ارگان‌های نظارت بر رفتار و عملکرد بازار در جهت نظارت و پایش و کنترل بازار و برای جلوگیری از انحراف قیمتی در بازار ایجاد شده‌اند**





### رواج صنایع کوچک

روند مذکور تا شروع حکومت ناصرالدین شاه و صدارت میرزا تقی خان امیر کبیر ادامه یافت و از این تاریخ، توسعه صنعتی با جدیت بیشتری از سوی میرزا تقی خان امیر کبیر دنبال شد که می‌توانست در صورت ادامه‌دار بودن شرایط مناسبی را برای توسعه صنعتی ایران رقم بزند؛ بنابراین، با برکناری امیر کبیر صنایع نوپایی که به همت او و پیروانش برپا شده بود از میان رفت و مجدداً توسعه صنعتی کشور، که از سوی حکومت مرکزی آغاز شده بود و تجار و طبقه سرمایه‌دار داخلی در آن نداشتند، عقیم ماند و در انزوا قرار گرفت.

بعد از ناصرالدین شاه نیز تحول چندانی در صنعت و توسعه صنعتی رخ نداد؛ زیرا عواملی مانند عدم کفایت امکانات زیرساختی، هزینه بالای حمل و نقل ماشین‌آلات در داخل کشور، هزینه سنگین تامین مواد اولیه، کارایی نامناسب نیروی کار و کمبود کارشناس و متخصص، وجود رقبای خارجی از یک سو و ماهیت استبدادی حکومت‌های ایران، و نبود حمایت آنها از صنایع داخلی، که جو نامناسبی را برای سرمایه‌گذاری‌های کلان صنعتی فراهم آورده بود، از سوی دیگر، باعث شد که سرمایه‌های داخلی به تدریج در جای دیگری غیر از صنعت انباشته شوند و در نتیجه سرمایه‌ها خصلت صنعتی بودن را از دست بدهند و به صورت غیر صنعتی (تجاری) درآیند.

این سرمایه‌ها نه فقط غیر فعال بود، بلکه خود با تحمیل بار سنگین بهره‌تزیل به تولید کنندگان کم‌مایه به ضرر توسعه صنعت نیز بود و باعث افول و زوال صنعتگران و پیشه‌وران می‌شد. سرمایه‌گذاران خارجی نیز همین وضع را داشتند؛ به طوری که اگر در ابتدا تمایل بسیاری برای سرمایه‌گذاری در ایران، از سوی کشورهای غربی به ویژه روسیه وجود داشت، به دلایل مذکور این سرمایه‌گذاری‌ها نیز در نیمه دوم قرن سیزدهم به حداقل خود رسید و صنایع کارخانه‌ای ایجاد شده با شکست مواجه شد. بنابراین، تأثیری بسزادر بهبود فضای صنعتی نگذاشت. در مجموع، شرایط مذکور باعث شد تا در این دوران صنایع بزرگ فرصت کمتری برای رشد پیدا کنند و غالباً روبه‌زوال گذارند؛ اما برخلاف آنها صنایع کوچک در همین مدت رواج زیادی یافت. به ویژه در اطراف تهران تعداد زیادی از این دسته از صنایع شکل گرفت. اما به سبب فقدان توسعه صنعتی به معنای فراگیر آن، در پایان ربع اول قرن بیستم همچنان سهم صنایع در تولید ناخالص ملی بسیار ناچیز بود.



## سیطره دولت بر صنعت

### دارو و تجهیزات پزشکی از چه گلیاه دارد؟

#### زیر سلطه مناسبات ارباب-رعیتی

در بخشی از این پژوهش آمده است: صنایع دستی از زمان‌های دور در ایران رونق چشمگیری داشته است، اما استفاده از صنایع ماشینی سابقه طولانی ندارد. در واقع مروری بر روند تحولات تجربی مرتبط با صنعت و توسعه صنعتی این موضوع را مشخص می‌کند که اولین صنایع ماشینی ایران در ابتدای قرن سیزدهم شکل گرفتند؛ اما برخلاف کشورهای پیشرو توسعه صنعتی به ویژه بریتانیا و فرانسه، که با پشت سر گذاشتن دو انقلاب عظیم فکری و صنعتی (رنسانس و انقلاب صنعتی) و اجتماعی (انقلاب کبیر فرانسه) زمینه‌های لازم برای شکل‌گیری چنین توسعه‌ای از درون ایجاد شده بود، در ایران همچنان روابط تولید ارباب-رعیتی بر اقتصاد حاکم بود و بیش از چهار پنجم جمعیت آن ساکن روستاها بودند و بیشتر شهرها مرحله اول توسعه خود را تجربه می‌کردند. بنابراین، در این دوران صنایع ماشینی به گونه‌ای وابسته و وارداتی از غرب و تحت نظارت مباشرانی از آن وارد ایران شد و توسعه‌ای صنعتی به مفهوم فراگیر آن که بتواند بر ابعاد اجتماعی و اقتصادی جامعه اثر گذارد صورت نپذیرفت.

اگرچه برخی از متفکران شروع صنعت و توسعه صنعتی را مقارن با ساخت نخستین ابزارها به وسیله بشر ابتدایی می‌دانند و ایران جزو اولین سرزمین‌ها در ارتباط با ساخت چنین ابزارهایی، به ویژه در ارتباط با بافت قالی و فرش بوده است اما نگاهی به ادبیات مرتبط با صنعتی شدن در ایران نشان می‌دهد که شروع توسعه صنعتی با گسترش صنایع ماشینی، روند تحولات تجربی مرتبط با صنعت، و توسعه صنعتی را می‌توان در سه مرحله اصلی تقسیم‌بندی کرد: ۱- از شروع قرن سیزدهم شمسی تا پایان سلسله قاجار، ۲- از شروع سلسله پهلوی تا انقلاب اسلامی و ۳- از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۳. در این راستا مقاله‌ای با عنوان «بررسی تحولات صنعت و توسعه صنعتی در ایران به منظور آسیب‌شناسی توسعه صنعتی ایران» تلاش کرده زمینه‌های ورود صنعت به ایران را واکاوی کند. این مقاله به قلم محمدحسین شریف‌زادگان و همایون نورایی نوشته شده و در پژوهشنامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی منتشر شده است.

بین‌المللی توانست صنعت و معدن را از رکود شدید خارج کند. این برنامه بعد از دو سال در پی فرار شاه در سال ۱۳۳۰ و جانشین شدن دولت ملی و ملی شدن صنعت نفت کنار گذاشته شد.

با بازگشت شاه به ایران، برنامه عمرانی دوم (۱۳۴۱-۱۳۳۴) مجدداً با تأکید بر توسعه کشاورزی و تقویت ساختارها مدنظر قرار گرفت و در کنار آن از لحاظ صنعتی بر تاسیسات زیربنایی، صنعت نفت، صنایع مونتاژی و صنایع سبک متمرکز شد و اولویت صنعتی به تاسیس طرح‌های شکر، سیمان و نساجی داده شد. ضمن اینکه در این دوران، که می‌توان از آن با نام «دوره ساختارسازی اولیه» نام برد، تسهیلات و برنامه‌هایی برای حمایت و جلب نظر بخش خصوصی در بخش صنعت به اجرا درآمد که ارائه کمک‌های فنی و تاسیس بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران به منزله ساختاری برای شکل‌گیری توسعه صنعتی به گونه‌ای غیردولتی نمونه‌ای از آنها بود. در برنامه سوم (۱۳۴۶-۱۳۴۲) و چهارم عمرانی (۱۳۵۱-۱۳۴۷) بر زیربناسازی صنعتی در ایران تأکید شد. به گونه‌ای که از این دهه با نام مرحله اجرایی مقدماتی یاد می‌شود.

در واقع برنامه سوم عمرانی، که از آن به عنوان اولین برنامه جامع ایران یاد می‌شود، نخستین برنامه بود که بر صنعتی کردن کشور به منزله ابزار اساسی برای توسعه اقتصادی تأکید داشت. در برنامه عمرانی پنج‌ساله چهارم نیز بر توسعه صنعتی تأکید شد و سهم صنایع و معادن از درآمد ۴۸۰ میلیارد ریالی به ۲۲ درصد رسید. در برنامه عمرانی پنج‌ساله پنجم (۱۳۵۶-۱۳۵۲) سیاست جانشینی واردات، برای خودکفایی تکنولوژیک، مهم‌ترین هدف برنامه تعیین شد.

افزایش ارزش افزوده و محصول، به حداکثر رساندن بهره‌برداری از ظرفیت صنعتی، تاسیس صنایع جدید، توسعه صنایع موجود بر اساس مزیت نسبی و تشویق صادرات صنعتی به مثابه منبع اصلی درآمد ارزی در نظر گرفته شد. مهم‌ترین اختلالی که در برنامه پنجم عمرانی در جهت‌گیری‌های مذکور پیش آمد شوک نفتی سال ۱۳۵۲ و فزونی درآمدهای ارزی به‌دست‌آمده از صادرات نفت فراتر از ظرفیت جذب در اقتصاد ایران بود که باعث گشودن بی‌رویه مرز به روی واردات شد و صنایعی که در پی رقابت بودند به شدت آسیب دیدند. آخرین برنامه عمرانی در دوره پهلوی برنامه ششم عمرانی بود که اگرچه برای سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۱ تدوین شده بود اما به سبب وقوع انقلاب اسلامی فرصت اجرا شدن پیدا نکرد.

## شروع مدرنیزاسیون

آغاز حکومت پهلوی در ایران با شروع مدرنیزاسیون در این سرزمین مقارن است. لازم است تا این دوره از دوره پیش از آن که دربرگیرنده تغییرات آرام و بطئی بود جدا شود. در واقع در این دوره تحولات گسترده‌ای در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی رخ داده است و ابعاد مختلف توسعه از جمله توسعه صنعتی را تحت تأثیر خود قرار داده است. مهم‌ترین این تحولات تغییرات سریع صورت‌پذیرفته در تشکیلات اداری است، به گونه‌ای که بتواند توسعه صنعتی را تسریع بخشد؛ از جمله این تغییرات می‌توان به مجموعه قوانین وضع شده برای حمایت از صنایع داخلی اشاره کرد که با هدف سوق دادن کشور به سوی صنعتی شدن وضع شده بود. متأسفانه با شروع جنگ جهانی دوم، رکود شدیدی گریبانگیر صاحبان صنایع شد و آنها را دچار بحران کرد. بنابراین، تغییرات سریع در ابعاد مختلف، که با حکومت پهلوی اول شروع شده بود، نهایتاً به سبب بحران‌های گوناگونی که عمدتاً جنبه بین‌المللی داشت، ابر مانده. این موضوع تا جانشینی پهلوی دوم ادامه یافت تا اینکه با گرایش‌های دولت در نوسازی صنایع و اقداماتی برای تجدید سازمان یا تکمیل کارخانه‌های دولتی در نیمه دوم دهه ۱۳۳۰ تغییرات روبه‌رشدی در صنایع نمودار شد. ضمن اینکه در همین سال‌ها اولین برنامه ملی ایران به نام برنامه عمرانی اول (۱۳۳۴-۱۳۲۷) تدوین و اجرا شد. که اگرچه بیشتر در قالب مجموعه‌ای از طرح‌ها و پروژه‌ها تعریف و کمتر به شکل برنامه مدون تنظیم شده بود و بیش از همه بر توسعه کشاورزی متمرکز بود، اما با اختصاص ۱/۳ درصد از اعتبارات به بخش صنایع و معادن، بازسازی تعدادی از صنایع و توجه به صنایع مرتبط با بخش کشاورزی و معدن بر مبنای تقسیم کار



**با موازی‌کاری در بدنه سازمانی صنعت، ابهام و پیچیدگی در شرح اختیارات و وظایف سازمان‌های مرتبط با صنعت و توسعه صنعتی، و فقدان نظام حقوقی منسجم و تقویت رابطه‌بازی به جای ضابطه‌روبه‌رو باشیم؛ امری که باعث شده است سیطره دولت بر صنایع و مداخله‌گری آن افزایش یابد و دولت از نقش نظارتی خود، به سبب گستردگی نقش مداخله‌گری، غافل بماند**





### اقتصاد دولتی و فرار سرمایه

با وقوع انقلاب سال ۱۳۵۷ بسیاری از صاحبان صنایع از ایران فرار کردند و بدین ترتیب به هم ریختگی شدیدی در توسعه صنعتی ایران حکمفرما شد. این موضوع به همراه تداوم افزایش درآمدهای نفتی از یک سو و نگرش حاکم به نقش مسلط دولت در مدیریت اقتصادی بعد از سال‌های انقلاب باعث شد که بدون نیاز به توسعه بخش خصوصی کارآفرین و بدون توجه به توسعه صنعتی صادرات گرا و رقابتی، بخش عمده‌ای از سرمایه‌گذاری‌ها از طریق شرکت‌های دولتی به انجام رسد.

چنین جوی به همراه کاهش درآمدهای نفتی در ابتدای دهه ۱۳۶۰ باعث شد تا برنامه‌های عمرانی ادامه پیدا نکند و اقدامات بخشی از سازمان‌ها و دستگاه‌های دولتی و حکومتی، که غالباً به گونه‌ای غیرمنسجم صورت می‌پذیرفت، جهت‌گیری توسعه را تعیین کند. این موضوع با شدت گرفتن بحران‌های نفت و جنگ از حدود سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۷ باعث شد بسیاری از جوانب توسعه از جمله توسعه صنعتی در حاشیه قرار گیرد و بر حفظ مجموعه انقلاب و پیروزی در جنگ تمرکز شود. با پایان یافتن جنگ در سال ۱۳۶۸ ایران از نظر توسعه صنعتی وارد مرحله جدیدی شد. در این دوران با توجه به فضای متشنج بین‌المللی و غیرآماده داخلی برای توسعه صنعتی، بازسازی بوروکراتیک در دستور کار قرار گرفت. ضمن اینکه در چنین شرایطی به منظور رفع مشکلات پدیدآمده از ساختار اقتصاد دولتی و در راستای نیاز به اصلاح شرایط محیطی و ایجاد الزامات توسعه در سطح اقتصاد ملی تنظیم و اجرای برنامه‌های پنج‌ساله بعد از انقلاب به شکل برنامه‌های توسعه‌ای و متفاوت از برنامه‌های پیش از انقلاب از سال ۱۳۶۸ آغاز شد.

ویژگی برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۷۲-۱۳۶۸) را از جنبه سیاست‌گذاری می‌توان شروع سیاست‌های آزادسازی و خصوصی‌سازی‌های صنعتی بعد از انقلاب و بازسازی و توسعه زیرساخت‌ها بعد از سال‌های جنگ دانست. برنامه اول توسعه توانست به همه اهدافش، به‌ویژه در بخش صنعت و صادرات غیرنفتی، دست یابد و متوسط نرخ رشد سالانه تا حد بسیاری با نرخ در نظر گرفته شده فاصله داشت و فقط در صنایع مربوط به آب، گاز، برق و تا حدودی بخش کشاورزی رشد واقعی از رشد مدنظر پیشی گرفت. در برنامه دوم توسعه (۱۳۷۸-۱۳۷۴)، که به

سبب طولانی شدن فرآیند بررسی و تصویب لایحه برنامه با وقفه‌ای آغاز شد، اگر چه با توجه به مساله بحران بدهی‌های خارجی و همچنین بی‌ثباتی سیاست‌های پولی، مالی و ارزی سال‌های پایانی برنامه اول سیاست‌های آزادسازی اقتصادی در برنامه دوم با سرعت کمتری دنبال شد؛ اگر چه تنوع سیاستی برنامه دوم فراتر از برنامه اول بود، اما به سبب نبود جهت‌گیری مشخص و تعریف‌شده صنعتی و در نتیجه تحقق نیافتن مجموعه‌ای از سیاست‌های هماهنگ و یکپارچه و الزامات نهادی مشکل اساسی بخش صنعت همچنان ادامه داشت.

برنامه سوم توسعه (۱۳۸۳-۱۳۷۹) با نگرش متفاوت به امر الزامات تحقق و توسعه ملی در سطوح فرابخشی و بخشی و با تاکید بر اصلاحات ساختاری و نهادی تنظیم شد. در همین حین، سندی با عنوان «سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی» به تصویب رسید. در این سند، ایران در سال ۱۴۰۴ کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام، و با تعامل سازنده و موثر در روابط بین‌الملل.

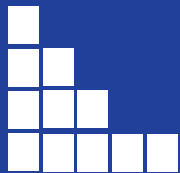
در برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۸-۱۳۸۴) نیز بر تهیه سند ملی توسعه بخش‌های صنعت و معدن تاکید شد و دولت موظف شد این سند را با توجه به مطالعات استراتژی توسعه صنعتی کشور، ظرف مدت شش ماه از تاریخ تصویب این قانون با محوریت توسعه رقابت‌پذیری مبتنی بر توسعه فناوری و برای تحقق هدف رشد تولید صنعتی و معدنی متوسط سالانه ۱۱/۲ درصد و رشد متوسط سرمایه‌گذاری صنعتی و معدنی ۱۶/۹ درصد تهیه کند، به گونه‌ای که بخش صنعت و معدن از تولید ناخالص داخلی از ۱۴ درصد در سال ۱۳۸۳ به ۱۶ درصد در سال ۱۳۸۸ برسد و صادرات صنعتی از رشد متوسط سالانه ۱۴/۸ درصد برخوردار شود. درباره اهداف کمی ذکر شده نیز بررسی عملکرد بخش صنعت و معدن در پایان سال برنامه چهارم نشان می‌دهد که تولید صنعتی و معدنی به‌طور میانگین حدود هفت درصد رشد داشته است؛ بنابراین، فقط ۶۵ درصد از رشد هدف گذاری شده تحقق یافته است. در ادامه نیز در برنامه پنجم توسعه (۱۳۹۴-۱۳۹۰) بر تدوین راهبرد (استراتژی) توسعه صنعتی و معدنی با هماهنگی معاونت در زیربخش‌های برگزیده صنعت و معدن، برای تحقق هدف رشد تولید صنعتی و معدنی تاکید شد.

### جمع‌بندی

با توجه به روند تاریخی مذکور و وضعیت فعلی صنایع ایران می‌توان گفت که اگر چه ایران جزو کشورهای پیشرو در امر تدوین برنامه‌های توسعه بوده است و صنعت و توسعه صنعتی در آن نیز پیش از بسیاری از کشورهای توسعه یافته فعلی شروع شده است، اما نبود یا کمبود پیش‌نیازهای نهادی توسعه صنعتی در ایران در ابتدای شکل‌گیری چنین فرآیندی که خود به حادث شدن غالب قریب به اتفاق دگرگونی‌های صنعت و توسعه صنعتی از سوی دولت و سیطره بیش از حد دولت بر صنایع در طی تاریخ منجر شده است، از یک سو و ناکارآمدی بیشتر ساختارها و کنشگران دولتی در هدایت صحیح توسعه صنعتی از سوی دیگر باعث شده است در مجموع همان‌طور که اشاره شد: اول، به سبب منفعل بودن بخش خصوصی، نهادهای مدنی و صنفی مرتبط با صنعت، اجتماعات خودجوش و خودانگیخته کمتر به صورت کارا شکل گیرد؛ دوم، به واسطه نبود مشارکت افراد و گروه‌های ذی‌نفع در امر سیاست‌گذاری صنعتی نوعی بی‌اعتمادی میان بخش‌های خصوصی، عمومی و دولتی شکل گیرد که در ادامه به قلت سرمایه اجتماعی و قانون‌گریزی منجر شود؛ سوم، به سبب رانتی بودن دولت، کمتر تلاشی برای بهبود ساختارها و شایسته‌سالاری سازمانی در درون آن رخ دهد.

به این ترتیب، با موازی‌کاری در بدنه سازمانی صنعت، ابهام و پیچیدگی در شرح اختیارات و وظایف سازمان‌های مرتبط با صنعت و توسعه صنعتی، و فقدان نظام حقوقی منسجم و تقویت رابطه‌بازی به جای ضابطه روبرو به باشیم؛ امری که باعث شده است سیطره دولت بر صنایع و مداخله‌گری آن افزایش یابد و دولت از نقش نظارتی خود، به سبب گستردگی نقش مداخله‌گری، غافل بماند؛ در مجموع، موارد مذکور باعث شده است تا فرهنگ صنعتی تکوین نیابد و محیط نهادی مرتبط با صنعت دچار هرج و مرج بسیار باشد که نهایتاً به گرایش روز افزون مردم به فعالیت‌های توزیعی (دلالی) به جای فعالیت‌های صنعتی و تولیدی بینجامد و باعث شود ایران فقط در طی حدود یک قرن صاحب صنعت شود، نه توسعه یافته صنعتی.





---

## فصل چهارم

ارز



## بن بست ارز دستوری

گرفتاری های فعالان عرصه دارو و تجهیزات پزشکی، تمامی ندارد



است و در نتیجه تداوم سیاست دلار ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی، کسری منابعی به میزان ۱۴۸ هزار میلیارد تومان ایجاد می کند. پیشنهاد این پژوهش، تغییر مبنای ارز مدنظر با نرخ مرکز مبادله ایران است که باعث می شود کسری منابع به رقم ۷۰ هزار میلیارد تومان کاهش یابد. در این شرایط سیاست ارز دستوری در صنایع پتروشیمی نیز باعث سر در گمی شده است.

همزمان با نامه قالیباف به رئیسی مبنی بر غیرقانونی بودن تثبیت نرخ ارز برای محصولات پتروشیمی، بازوی پژوهشی مجلس از عواقب دلار ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی در تشدید کسری بودجه سال جاری خبر داد. بررسی های یک پژوهش نشان می دهد با توجه به وابستگی بالای منابع هدفمندی در بودجه



**تداوم سیاست دلار ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی، کسری منابعی به میزان ۱۴۸ هزار میلیارد تومان ایجاد می کند**

بررسی ها حاکی از آن است که ارز دستوری با نرخ ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی، واکنش های سیاسی و کارشناسی را به همراه داشته است. نامه قالیباف به رئیسی، مبنی بر غیرقانونی بودن تثبیت نرخ ارز و تعیین نرخ تسعیر ارز شرکت های پتروشیمی که به تصویب هیات وزیران رسیده است، آخرین فاز مجادله مجلس و دولت را نمایان ساخت. «دنیای اقتصاد» در گفت و گو با نمایندگان مجلس ابعاد این نامه را تشریح کرده است.

از بعد کارشناسی نیز مرکز پژوهش های مجلس در یک گزارش تخصصی، تاثیر ارز دستوری بر کسری منابع هدفمندی را تشریح کرده است. بر اساس این گزارش، ۸۴ درصد از منابع هدفمندی در بودجه سال ۱۴۰۲ به سیاست های ارزی دولت گره خورده

صنایع که منابع حاصل از آن حدود ۴۰ درصد از منابع تبصره «۱۴» را تشکیل می‌دهد، براساس فرمولی وابسته به نرخ ارز تعیین می‌شود؛ بنابراین در مجموع ۸۴ درصد از منابع هدفمندی به سیاست ارزی دولت گره خورده است.

این گزارش عنوان می‌کند سیاست‌های ارزی دولت در سال جاری تاثیر زیادی بر عملکرد منابع هدفمندسازی خواهد گذاشت. به این صورت که در شرایط تداوم سیاست تثبیت نرخ ارز ۲۸۵۰۰ تومانی، منابع هدفمندی با عدم تحقق حدود ۱۴۸ هزار میلیارد تومان همراه خواهد بود. اما اگر نرخ ارز سامانه نیما بدون تثبیت به نرخ ارز مرکز مبادله ارز و طلا که در حال حاضر معادل ۳۸ هزار و ۶۰۰ تومان است، نزدیک شود، کسری این منابع کاهش یافته و حدود ۷۰ هزار میلیارد تومان خواهد بود.

اخیراً رئیس مجلس در نامه‌ای به رئیس‌جمهور، مصوبه هیات وزیران مبنی بر تثبیت نرخ ارز و تعیین نرخ تسعیر ارز جهت قیمت‌گذاری کالاها توسط بانک مرکزی را معایر قانون دانسته و براساس این نامه تعیین نرخ ارز ۲۸۵۰۰ پالایشی و پتروشیمی غیرقانونی عنوان شد.

### مکانیزم محاسبه منابع هدفمندی

مطابق این پژوهش، در فرض محاسبه منابع هدفمندی در لایحه بودجه سال ۱۴۰۲، مبنی بر این بوده است که قیمت گاز خوراک پتروشیمی‌ها، براساس فرمول وزارت نفت، در طول سال ۱۴۰۲ همواره در سقف ریالی خود یعنی ۷۰۰۰ تومان باقی خواهد ماند. در حال حاضر نرخ خوراک پتروشیمی‌ها براساس فرمول معادل ۱۸ سنت است. لذا با ارز حدود ۴۰ هزار تومان قیمت گاز خوراک به ۷۰۰۰ تومان خواهد رسید.

با احتساب نرخ ۲۸۵۰۰ تومان اعلامی بانک مرکزی، قیمت گاز خوراک براساس فرمول مصوب کمتر از ۷۰۰۰ تومان خواهد بود و همچنین چشم‌انداز از قیمت گاز هاب‌های منطقه‌ای کاهش است. محاسبات نشان می‌دهد هر ۱۰۰۰ تومان کاهش نرخ گاز خوراک پتروشیمی‌ها منجر به کاهش ۳۷ هزار میلیارد تومانی منابع هدفمندی می‌شود. این پژوهش ضمن تاکید بر آسیب‌های تثبیت نرخ ارز به منابع هدفمندی و افزایش کسری بودجه، پیشنهاد داده است در راستای اصلاح این مساله نرخ تسعیر ارز جهت محاسبه نرخ خوراک پالایشگاهی و پتروشیمی‌ها معادل متوسط نرخ فروش ارز صادراتی این شرکت‌ها در مرکز مبادله ارز و طلا ایران تعیین شود.

۱۴۰۲ به درآمدهای ارزی دولت از محل صادرات فرآورده‌های نفتی، سیاست‌های دولت برای تثبیت نرخ ارز می‌تواند تاثیر بالایی بر تحقق منابع این بخش بگذارد. براساس محاسبات این پژوهش در مجموع ۸۴ درصد از منابع هدفمندی به سیاست‌های ارزی دولت گره خورده است. در چنین شرایطی با تداوم سیاست تثبیت نرخ ارز ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی، منابع هدفمندی با عدم تحقق حدود ۱۴۸ هزار میلیارد تومانی همراه خواهد بود. همچنین اگر نرخ ارز سامانه نیما بدون تثبیت به نرخ ارز مرکز مبادله ارز و طلا (که در حال حاضر معادل ۳۸ هزار و ۶۰۰ تومان است) نزدیک شود کسری این منابع کاهش یافته و حدود ۷۰ هزار میلیارد تومان خواهد بود.

### مانع ارز دستوری در تحقق منابع

بررسی‌های یک پژوهش‌نشان می‌دهد که مطابق قانون بودجه ۱۴۰۲، سقف منابع هدفمندی در لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ معادل ۶۶۰ هزار میلیارد تومان در نظر گرفته شده است که نسبت به قانون بودجه سال ۱۴۰۱ حدود ۱۲ درصد معادل ۷۶ هزار میلیارد تومان رشد داشته است. نکته مهم این گزارش این است که از ۶۶۰ هزار میلیارد تومان منابع در نظر گرفته شده برای هدفمندسازی یا همان تبصره «۱۴» در بودجه، ۲۹۱ هزار میلیارد تومان که معادل ۴۴ درصد است، از محل صادرات فرآورده‌های نفتی حاصل شده و از نوع منابع ارزی است. همچنین قیمت فروش داخلی گاز طبیعی به



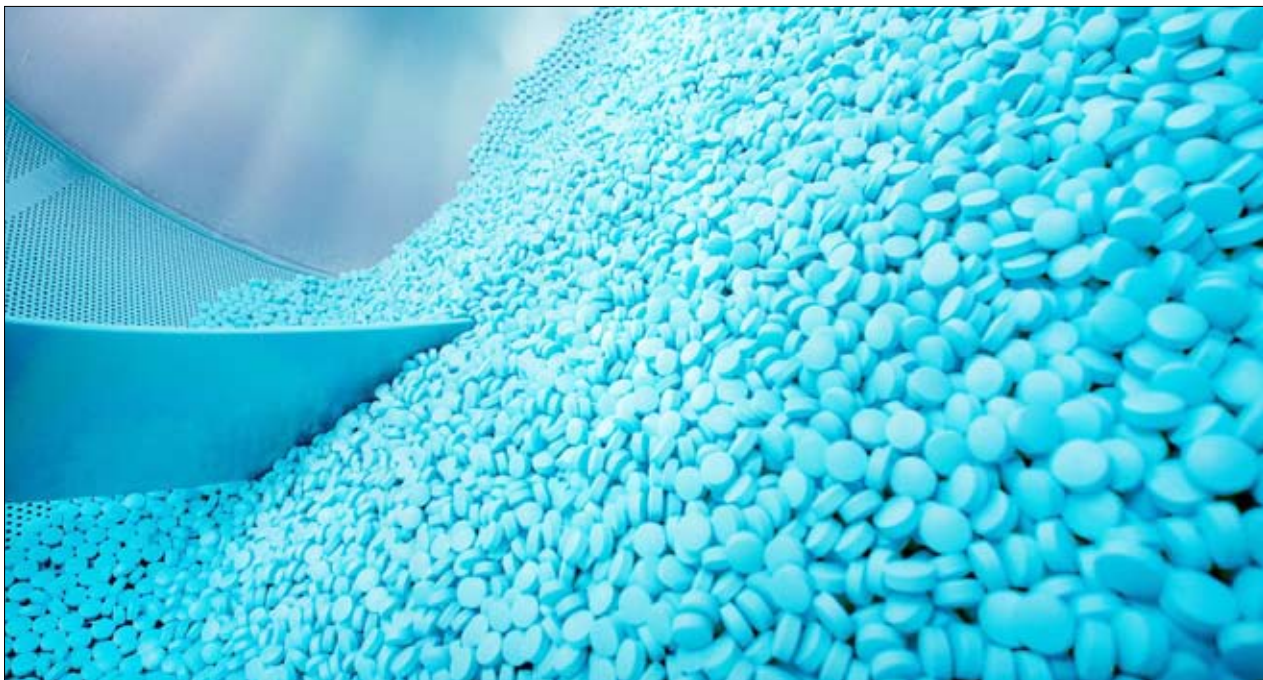
**مطابق قانون بودجه ۱۴۰۲، سقف منابع هدفمندی در لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ معادل ۶۶۰ هزار میلیارد تومان در نظر گرفته شده است که نسبت به قانون بودجه سال ۱۴۰۱ حدود ۱۲ درصد معادل ۷۶ هزار میلیارد تومان رشد داشته است**





## توصیه به سیاست‌گذاران برای اجتناب از تثبیت نرخ ارز

شکل‌گیری مطالبه جدی از سوی فعالان صنعت سلامت برای رهایی از گرفتاری‌های ارزی



گیرد.

پژوهش‌گران بازاری مشورتی مجلس در این مطالعه، علاوه بر بررسی صادرات و واردات کل کشور، با استخراج ۲۰ بخش اصلی کالاهای صادراتی و وارداتی بر مبنای کد تعرفه از سایت گمرک ایران، عملکرد این گروه‌های تعرفه‌ای را نیز به طور مجزا مورد بررسی قرار داده‌اند.

بررسی‌های انجام شده در رابطه با اثرگذاری سیاست‌های ارزی بر گروه‌های کالایی بر مبنای کد تعرفه گمرکی و بر صادرات و واردات گروه‌ها در طی برنامه سوم تا ششم نشان می‌دهد که ترکیب بیشترین کالاهای صادراتی و وارداتی عمدتاً ثابت مانده است. به طوری که در طول تمامی برنامه‌های توسعه گروه ماشین‌آلات و وسایل مکانیکی بیشترین سهم را در کل واردات داشته است. در رابطه با گروه کالاهای صادراتی نیز گروه



**بررسی‌های انجام شده در رابطه با اثرگذاری سیاست‌های ارزی بر گروه‌های کالایی بر مبنای کد تعرفه گمرکی و بر صادرات و واردات گروه‌ها در طی برنامه سوم تا ششم نشان می‌دهد که ترکیب بیشترین کالاهای صادراتی و وارداتی عمدتاً ثابت مانده است. به طوری که در طول تمامی برنامه‌های توسعه گروه ماشین‌آلات و وسایل مکانیکی بیشترین سهم را در کل واردات داشته است**

مرکز پژوهش‌های مجلس در تازه‌ترین مطالعه خود به تحلیل اثرگذاری سیاست‌های ارزی اتخاذ شده طی برنامه‌های سوم تا ششم توسعه بر تحولات بخش تجارت خارجی کشور پرداخته است و نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که سیاست‌های ارزی یک دهه اخیر، مانع تنوع بخشی به ترکیب کالاهای صادراتی شده است.

در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس که به بررسی اثرگذاری سیاست‌های ارزی بر تحولات بخش تجارت خارجی اختصاص دارد، به این نکته اشاره شده است که اجرای سیاست تثبیت نرخ ارز اسمی توسط مقامات پولی کشور با اهداف سیاست‌های ارزی در نظر گرفته شده برای ارتقای بخش بازرگانی خارجی کشور سازگاری ندارد و باید برای ارتقای سطح مراودات تجاری کشور، ایجاد ثبات در روند بلندمدت نرخ ارز حقیقی در دستور کار قرار

در این دوره مواردی از قبیل افزایش حضور ایران در بازارهای بین‌المللی، گسترش تنوع کالاهای صادراتی و اضافه شدن خدمات به سبب صادراتی کشور و همچنین، بهبود مناسبات سیاسی، فضای مناسبی را برای ارتقای صادرات گمرکی کشور پدید آورد.

در این راستا، اتخاذ سیاست‌های تجاری جهت گسترش صادرات در کنار ثبات و آرامش بازار ارز در نتیجه اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز موجب شد تا در دهه ۱۳۸۰ روند صادرات گمرکی کشور همواره صعودی باشد. به طوری که متوسط صادرات گمرکی طی بازه زمانی (۱۳۸۱-۱۳۸۹) برابر با ۱۳۶۶ میلیارد دلار بوده و طی این مدت صادرات کشور سالیانه به طور متوسط ۲۳.۱۸ درصد رشد کرده است.

با آغاز دهه ۱۳۹۰ و افزایش نااطمینانی در نرخ ارز، نرخ رشد صادرات کشور نسبت به دهه قبل از آن کاهش محسوسی داشته است. بر این اساس، طی این دهه، متوسط نرخ رشد صادرات گمرکی کشور تنها ۳.۷۳ درصد بوده است. به طور کلی میزان صادرات کشور در دهه مذکور با نوسان بسیار زیادی همراه بوده است. کمترین نرخ رشد در دهه ۱۳۹۰ در سال ۱۳۹۹ و با رشد منفی ۱۵.۸۴ درصدی و بیشترین نرخ رشد صادرات نیز در سال ۱۳۹۰ و با نرخی معادل ۲۷.۳۷ درصدی اتفاق افتاده است. در این زمینه، مسلماً یکی از علل اصلی افزایش نوسان در نرخ رشد صادرات، افزایش نوسانات نرخ ارز در دوره دوم بوده است.

بنابراین ملاحظه می‌شود که با وجود افزایش نرخ ارز حقیقی، صادرات در بیشتر گروه‌های تعرفه‌ای کاهش یافته یا افزایش قابل توجهی نداشته است. چنین نتیجه‌ای این امر را متذکر می‌کند که افزایش نرخ ارز حقیقی تنها یکی از علل افزایش رقابت‌پذیری کالاهای صادراتی است و مواردی از قبیل وارداتی بودن برخی از مواد اولیه، مشکلات متعدد ناشی از تحریم‌های خارجی و مبادلات بانکی، نامساعد بودن محیط کسب و کار، عدم بهره‌مندی نگاه‌ها از فعالیت‌های تحقیق و توسعه و ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های صادراتی از جمله عواملی هستند که بر رقابت‌پذیری محصولات تجاری به شکل منفی اثر گذار هستند. ضمن اینکه افزایش نرخ ارز حقیقی پس از تحریم با افزایش نوسانات و نااطمینانی همراه بوده است که این موضوع خود به‌عنوان یک عامل اساسی منفی بخش تجارت خارجی و به ویژه صادرات کشور را متأثر ساخته است.

محصولات معدنی بیشترین سهم را در صادرات در طول برنامه‌های سوم تا ششم به خود اختصاص داده است.

همچنین، تحلیل داده‌های صادرات و واردات در بردارنده این واقعیت است که افزایش نوسانات نرخ ارز پس از تشدید تحریم‌ها، کاهش رشد و افزایش نوسان صادرات و واردات را در پی داشته است. چنین نتیجه‌ای نشان‌دهنده این است که نااطمینانی در اقتصاد به ایجاد نوسان در بخش تجارت خارجی کشور منجر شده است و چنانچه برای کاهش نوسانات نرخ ارز راهکار مناسبی اتخاذ نشود، تجارت خارجی کشور با مشکلات بیشتری مواجه خواهد شد.

در بخشی از این گزارش آمده است: از سال ۱۳۸۱ تا سال ۱۳۸۹ روند نرخ ارز حقیقی کشور همواره نزولی بوده است و این امر زمینه‌ساز افزایش مستمر کسری تراز تجاری را فراهم آورده است. از سال ۱۳۹۰ به‌رغم وجود نوسانات، به‌طور میانگین روند نرخ ارز حقیقی افزایشی بوده و هم‌زمان کسری تراز تجاری کشور به تدریج کاهش یافته است.

علاوه بر این، افزایش نرخ ارز حقیقی پس از تشدید تحریم‌ها با افزایش صادرات و واردات تمامی کدهای تعرفه همراه نبوده است؛ در واقع با اینکه همراه با افزایش نرخ ارز حقیقی، صادرات در برخی از گروه‌های کالایی افزایش یافته، اما در برخی دیگر از گروه‌ها، میزان صادرات تفاوت چندانی زیادی نکرده و یا حتی کاهش یافته است.

در رابطه با واردات نیز تنها واردات ۴ گروه کالایی شامل محصولات معدنی، پوست خام و چرم، مروارید و سنگ‌های گرانبها و گروه فلزات معمولی پس از افزایش نرخ ارز حقیقی کاهش یافته است. طی دهه ۱۳۸۰ شمسی سیاست‌ها و راهکارهای متعددی برای تشویق صادرات به اجرا گذاشته شد.



**اتخاذ سیاست‌های تجاری جهت گسترش صادرات در کنار ثبات و آرامش بازار ارز در نتیجه اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز موجب شد تا در دهه ۱۳۸۰ روند صادرات گمرکی کشور همواره صعودی باشد**





بنگاه‌ها و فعالان خوشنام را ضروری دانست و با نظر دیگر اعضای شورا مقرر کرد مسدودی‌ها بر اساس تفکیک بین خوش حساب‌ها و قانونمداران با سایرین انجام شود و بنگاه‌های خوشنام در شرایط آسان‌تری ارزش مورد نیاز را تامین کنند

همچنین در نشست هیات‌نماینده‌گان اتاق بازرگانی تهران نیز در میان فعالان اقتصادی مساله ثبت سفارش و تخصیص ارز مهم‌ترین موضوع بود و برخی اعضا از روند طولانی ثبت سفارش و تخصیص ارز گلایه داشتند. مساله‌ای که اکنون تقریباً از هر فعال اقتصادی می‌توان شنید. به گفته صاحبان کسب و کار، اکنون زمان ثبت سفارش یک ماه و تخصیص ارز هم حداقل یک ماه زمان می‌برد و از سوی دیگر تغییر مداوم مقررات و دستورالعمل‌ها نیز کار را سخت‌تر کرده‌است.

### تسهیل تامین ارز بنگاه‌های خوشنام

در نشست شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی فعالان اقتصادی با انتقاد از طولانی بودن مهلت تخصیص ارز، تمديد آن و مسدودسازی سپرده نزد بانک‌ها، خواستار لغو بخشنامه مسدودسازی شدند. بر اساس آنچه در این جلسه مطرح شد، بانک عامل به دلیل نبود ارز کافی، قادر به تامین و تخصیص بموقع ارز مورد نیاز فعال اقتصادی نیست و به ناچار مهلت مسدودی سپرده‌های بانکی و رقم مسدودی به صورت پلکانی افزایش پیدا می‌کند که مانع جدی در فعالیتهای اقتصادی بوده و امکان دسترسی واحدها به منابع مالی خودشان را کاهش می‌دهد. این موضوع با توجه به سطح انتقادهای گسترده‌ای که به دنبال داشت از سوی دبیرخانه شورای گفت‌وگو مورد بررسی قرار گرفت و طبق آنچه در جلسات کارگروه تخصصی مطرح شد، اعضا به چند راهکار پیشنهادی رسیدند.

بر این اساس واحدهای تولیدی و واردکنندگان کالاهای اساسی و دارو از این بخشنامه مستثنی شوند. همچنین واردکنندگان غیر تولیدی که در مدت اعتبار اولیه گواهی ثبت آماری برای درخواست خرید ارز آنها پیشنهادی از سمت صرافی‌ها ارائه نشده‌است، بدون تودیع سپرده، تمديد گواهی ثبت آماری آنها صورت گیرد.

همچنین با توجه به اینکه گاهی تهیه، تولید و آماده‌سازی کالای مورد سفارش زمانبر خواهد بود و پرداخت به یک‌باره مبلغ مورد سفارش بیم کلاهبرداری یا تضييع حقوق واردکنندگان را دربر خواهد داشت؛ در صورتی که بخشی از مبلغ پروفرما



## مخمصه ارزی تولیدکنندگان

فعالان صنعت سلامت هم همچون فعالان سایر صنایع، قربانی ارزهایی هستند که وعده داده می‌شود ولی فراهم نمی‌شود



**در شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی، موضوعاتی از جمله تامین ارز، طولانی بودن مهلت تخصیص ارز و مسدودسازی سپرده‌ها مطرح شد که نهایتاً سیداحسان خاندوزی، وزیر اقتصاد با اشاره به تعدد مشکلات ارزی فعالان اقتصادی، این موضوع را تایید کرد که با وجود مدیریت بازار ارز، همچنان فعالان اقتصادی در تامین ارز واردات و مسدودسازی منابع ریالی مشکلات متعددی دارند**

بخش خصوصی در دو جلسه جداگانه به مشکلات ارزی تولیدکنندگان و بنگاه‌های اقتصادی پرداخت که باید از آن با عنوان چالش‌هایی ادامه‌دار و گلایه‌هایی بی‌نتیجه نام برده شود

در شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی، موضوعاتی از جمله تامین ارز، طولانی بودن مهلت تخصیص ارز و مسدودسازی سپرده‌ها مطرح شد که نهایتاً سیداحسان خاندوزی، وزیر اقتصاد با اشاره به تعدد مشکلات ارزی فعالان اقتصادی، این موضوع را تایید کرد که با وجود مدیریت بازار ارز، همچنان فعالان اقتصادی در تامین ارز واردات و مسدودسازی منابع ریالی مشکلات متعددی دارند. او قائل شدن تسهیلاتی در زمینه تامین ارز برای

بانک مرکزی در یک جلسه فوق العاده، موضوع ارز بررسی شود.

### بازار داغ گلابه ارزی در اتاق تهران

در ابتدای دومین جلسه هیات نمایندگان اتاق تهران که نخستین جلسه پس از انتخاب رئیس و هیات رئیسه اتاق بود، طبق روال ۳ ناطق پیش از دستور به ایراد سخنانی پرداختند و سپس رئیس اتاق تهران در باب مهم ترین موضوعات اقتصادی روز سخنانی ایراد کرد. اعضای اتاق در این نشست از دشوارتر شدن برخی از پارامترها از جمله نصف شدن مهلت استفاده از اعتبار ارزی گلابه کردند و دوبرابر شدن بلوکه شدن معادل ریالی، از ۵۵ درصد به ۱۰ درصد از کل پروفرمای ثبت سفارش انتقاد داشتند.

در ادامه رئیس اتاق تهران اولین نطق خود را پس از انتخاب شدن به این سمت ارائه کرد؛ نخست از تعامل با بخش دولتی سخن گفت، سپس به بی‌برنامگی قطعی برق صنایع و آثار مخرب آن پرداخت و از عدم هماهنگی با بخش خصوصی در این زمینه انتقاد کرد. مروری بر برنامه هفتم توسعه انجام داد و رشد ۸ درصدی و نیز رسیدن به تورم ۱۹ درصدی و دیگر ارقام چشم‌انداز را با توجه به ارقام کنونی نیازمند ۶۰ همت سرمایه‌گذاری دانست. اولین مساله مورد بررسی عمومی در این جلسه، مساله نام‌گذاری و تشکیل کمیسیون‌ها بود که می‌توان گفت نخستین تجربه مدیریت جلسه رئیس و هیات رئیسه اتاق تهران محسوب می‌شود، اما نکته جالب این جلسه، اخراج ناگهانی و بی‌برنامه خبرنگاران از جلسه هیات نمایندگان بود که به منظور مشورت برای انتخابات هیات رئیسه اتاق ایران صورت گرفت. رئیس اتاق تهران بدون هماهنگی قبلی، ناگهان از خبرنگاران خواست تا جلسه را ترک کنند و جلسه را محرمانه اعلام کرد که بنا به شنیده‌ها، خروجی این جلسه محرمانه نیز «هیچ» بود، چرا که تا زمانی که تایید صلاحیت‌های کاندیداهای هیات رئیسه اعلام نشده، هر گونه مشورت و نظرخواهی در این باره بیهوده است.

### دارایی به اندازه داریم

در این نشست نخست حسن فروزان فرد پشت‌تربییون رفت و گفت: باید توجه داشته باشیم که این دهمین دوره اتاق بازرگانی نیست، بلکه بیست و یکمین دوره است و این نهاد در سن ۱۴۰ سالگی خود قرار دارد. او در ادامه یادآور شد: باید هم‌زمان به داشته‌ها و میراث خود احترام

امروز، تامین ارز برای درخواست‌های سایر استان‌ها بسیار سخت است، از این رو پیشنهاد می‌شود مسدودسازی برای کالاهایی که قبض انبار دارند، انجام نشود.

مصطفی طاهری، رئیس کمیسیون صنایع مجلس که عضو شورای گفت‌وگو نیز هست، گفت: چون هنوز سیاست چند نرخی برای ارز وجود دارد، بهتر است مسدودی سپرده‌های بانکی به‌طور کامل لغو نشود، چرا که علت اصلی به‌وجود آمدن درخواست‌های غیرواقعی تخصیص همین ارز چند نرخی است، بنابراین باید پیشنهاد دوم را اجرایی کنیم و مسدودی آنها را که مدارک لازم مانند قبض انبار دال بر واردات کالا را دارند، لغو کنیم. در واکنش به آنچه عنوان شد، حسین طاهر محمدی، رئیس اتاق اصناف ایران تاکید کرد: اگر فردی از شرایط سوءاستفاده می‌کند و دستگاه‌های نظارتی هم توان اجرای ماموریت خود را ندارند و نمی‌توانند مانع این سوءاستفاده‌ها شوند، منطقی و مطابق با عدالت نیست برای حل مشکل موجود کل فعالان و ذی‌نفعان را جریمه و فضا را مخدوش کنیم.

در نهایت خاندوزی با نظر دیگر اعضای شورا برای حل چالش موجود مقرر کرد مسدودی‌ها بر اساس تفکیک بین خوش حساب‌ها و قانون مداران با سایرین انجام شود. بدین ترتیب بنگاه‌های خوشنام می‌توانند در شرایط آسان‌تری ارز مورد نیاز را تامین کنند. او پیشنهاد مربوط به ارائه قبض انبار و رفع مسدودی را نیز قابل اجرا دانست و با اشاره به اینکه در حال حاضر امکان لغو کامل بخشنامه مربوط به مسدودسازی سپرده‌ها وجود ندارد، گفت: می‌توان در صورت پایان مهلت اول برای تامین ارز، بانک را موظف کنیم بسودی را برای تمدید منابع مسدودی مربوط به واحدها در نظر بگیرد تا فعالان اقتصادی به دلیل طولانی شدن مدت تامین ارز، متضرر نشوند. همچنین قرار شد با حضور رئیس کل

در مدت اعتبار اولیه گواهی ثبت آماری پرداخت شده باشد، در مراتب بعدی و پرداخت متمم، تمدید گواهی ثبت آماری بدون تودیع سپرده صورت گیرد. با در نظر گرفتن بندهای فوق، ایجاد و تمدید گواهی ثبت آماری درباره کالاهای موجود در گمرک با ارائه قبض انبار بدون تودیع سپرده صورت گیرد.

پس از طرح این پیشنهادها، سیداحسان خاندوزی، وزیر اقتصاد و رئیس شورای گفت‌وگو با اشاره به آرامش نسبی که در قیمت ارز ایجاد شده و از طرفی روند نزولی قیمت آن، تاکید کرد امروز که این آرامش نسبی در قیمت ارز ایجاد شده باید دسترسی به ارز، تخصیص و تامین آن را مورد توجه قرار دهیم چرا که همچنان مشکلاتی در این بخش وجود دارد. در این رابطه نماینده سازمان توسعه تجارت و بانک مرکزی اظهارات خود را مطرح کردند و بر اساس آنچه مطرح شد، در حال حاضر چنانچه کالایی نیاز به ارز فوری داشته باشد، تخصیص آن با دستگاه و وزارتخانه مربوطه است و اگر تاییدیه مبنی بر فوریت در تخصیص از طرف این دستگاه‌ها به بانک مرکزی برسد، در اسرع وقت ارز را تامین کرده و تخصیص می‌دهد. از طرفی مسدودسازی سپرده‌های بانکی برای واحدهای تولیدی برداشته شده است.

محمدرضا فاروقی با تاکید بر اینکه مصوبه مورد نظر مربوط به شرایط خاص انتهای سال قبل بوده و چون در آن زمان شاهد درخواست‌های غیرواقعی تخصیص ارز بودیم، موضوع مسدودسازی سپرده‌ها اجرایی شد، حال اگر شرایط خاص آن زمان تمام شده پس می‌توان مصوبه را به‌طور کامل لغو کرد. خورشید گزدرازی، رئیس اتاق بوشهر نیز تصریح کرد: هر گونه تغییر در سیاست‌ها و قوانین باید عماه قبل اعلام شود؛ اما بخشنامه‌های بانک مرکزی این رویه را طی نمی‌کند و بدون اطلاع قبلی ابلاغ و اجرایی می‌شوند. از طرفی





بگذاریم؛ اکنون نیز به اندازه کافی دارایی داریم و در عین حال نباید سرگرم میراث خود باقی بمانیم. او این دارایی‌های مشهود و نامشهود را سرمایه انسانی و اندیشه و خیال خوب و انگیزه لازم توصیف کرد و گفت: اما مواردی مهم با قابلیت بهبود وجود دارد؛ سرمایه انسانی، شبکه‌سازی و توانمندسازی از این زمره است. فروزان فرد نکته پایانی را مطرح کرد و افزود: اتاق تهران، اتاق بازرگانی استانی است و از این جنبه باید اهتمام خود را بر پیشبرد امور اعضای خود متمرکز کند؛ اما در عین حال از این جنبه که اتاق پایتخت است و چهره‌ای ملی دارد که از آن نیز نباید غافل شود.

### اثر پروانه‌ای

نطق پیش از دستور بعدی را مهرداد عباد ارائه کرد و به مساله تخصیص ارز و ثبت سفارش پرداخت. او در سخنان خود اظهار کرد: از ۱۰ سال پیش و از زمان شروع تحریم‌ها ثبت سفارش مشکل شد و از آن روز نیز ضوابط مربوط به واردات اعم از میزان تخصیص ارز و افراد واجد شرایط دریافت ارز مدام در حال تغییر است. به گفته عباد زمان ثبت سفارش اکنون به یک ماه رسیده است و برخلاف تمامی ضوابط شفافیتی نیز مشاهده نمی‌شود. او در ادامه افزود: اثر پروانه‌ای این موانع به ظاهر کوچک، بخش بزرگی از اقتصاد را تحت تاثیر قرار می‌دهد، بنابراین اصلاح این فرآیندها به نحوی که شفافیت و سرعت عمل در آنها ارتقا پیدا کند، ضروری به نظر می‌رسد. او در ادامه اظهار کرد: با زمانی که یک ماه صرف تخصیص و یک ماه صرف ثبت سفارش می‌شود، کار کردن بسیار دشوار است؛ آن هم در مواردی مانند دارو و لوازم پزشکی که فوریت وجود دارد. او به فهرست کالاها ممنوع برای واردات نیز اشاره کرد و به لزوم اصلاح این فهرست ۲ هزار قلمی تاکید کرد. عباد در نهایت ادامه این روند را هم به ضرر بخش خصوصی و هم به ضرر بخش دولتی توصیف کرد.

### سریال بی‌پایان مشکلات ارزی

هرویک یاریجانیان، دیگر عضو هیات‌نمایندگان اتاق تهران نیز در این جلسه به موضوع سیاست‌های بانک مرکزی در ارتباط با ثبت سفارش کالا پرداخت و با انتقاد از رویه فعلی این نهاد پولی و بانکی کشور، فرآیند صدور فیش تخصیص ارز برای پرونده‌های ثبت سفارش را طولانی مدت عنوان کرد و گفت: طبق سیاست جدید بانک مرکزی که از ابتدای امسال اجرایی شده است، درخواست تخصیص ارز از

طریق سامانه جامع تجارت و تایید الکترونیکی بانک‌دی نفع صورت می‌گیرد که پس از ارائه درخواست بعد از ۳۰ روز فیش تخصیص ارز از سوی بانک مرکزی تایید می‌شود و متقاضی می‌تواند نسبت به خرید ارز نیما اقدام کند. او با بیان اینکه اعتبار فیش تخصیص ارز تا پیش از این ۶۰ روزه بود ولی از ابتدای امسال به ۳۰ روز تقلیل یافته، افزود: به این ترتیب، خریدار باید در بازه ۳۰ روزه، نسبت به خرید ارز نیما اقدام کند در غیر این صورت، فیش تخصیص ارز ابطال می‌شود.

یاریجانیان همچنین تصریح کرد که طبق مقررات جدید و اجرای آن از ابتدای امسال، در زمان درخواست برای صدور فیش تخصیص ارز، معادل ریالی ۵ درصد از مبلغ کل پروفرمای ثبت سفارش از سوی بانک‌دی نفع در حساب خریدار بلوکه شود و در صورت درخواست تمدید فیش، معادل ریالی ۱۰ درصد از کل پروفرمای ثبت سفارش بلوکه می‌شود. به گفته وی، با توجه به وضعیت نقدینگی بنگاه‌های اقتصادی و نیاز مبرم به آن، مسدودسازی این میزان از نقدینگی، بخشی از توان واحدهای تولیدی تحلیل خواهد رفت.

این عضو هیات‌نمایندگان اتاق تهران، پیشنهاد کرد از واحدهایی که دارای پروانه بهره‌برداری و جواز هستند، این مبالغ دریافت نشود. وی همچنین یادآور شد که امکان تامین ارز از صرافی‌های بانک‌ها، در بسیاری از موارد برای فعالان اقتصادی و متقاضیان سامانه جامع تجارت، میسر نیست.

اولین نطق رئیس اتاق تهران: تعامل و برنامه هفتم نمایندگان بخش خصوصی و دولتی در دور دهم هیات‌نمایندگان اتاق تهران در دومین نشست رسمی خود به بحث در مورد تعداد کمیسیون‌های تخصصی و عناوین آنها پرداختند. این کمیسیون‌ها در چهار سال آینده قرار است مسائل و چالش‌های تخصصی حوزه‌های مختلف اقتصاد کشور را بررسی و نتایج آن را برای پیگیری به هیات‌نمایندگان ارائه دهند. بعد از گفت‌وگوهای امروز تعیین تکلیف نهایی این کمیسیون‌ها به هیات‌رئیس اتاق تفویض شد.

بعد از سخنان پیش از دستور، جلسه با سخنرانی رئیس اتاق بازرگانی تهران ادامه یافت. محمود نجفی‌عرب در آغاز سخنان خود با اشاره به نگاه تعامل‌گرا بین اعضای انتخابی هیات‌نمایندگان اتاق تهران با نمایندگان دولتی، گفت: ما در این دوره به دنبال این هستیم که هیات‌نمایندگانی شکل بدهیم که منتخبان و منتصبان در یک مسیر و در یک جهت حرکت کنند؛ همه ما یک وظیفه داریم و

آن تلاش برای تسهیل حوزه کسب و کار کشور است.

رئیس اتاق تهران در ادامه گفت: بنای مادر دوره جدید و در جلسات هیات‌نمایندگان بر این است که در هر جلسه روی چند موضوع خاص متمرکز شویم و همه سخنرانی‌های پیش از دستور و صحبت‌های رئیس و مهمانی که دعوت می‌کنیم حول همان محور و همان موضوعات باشد تا بتوانیم در نهایت خروجی مناسبی از جلسات هیات‌نمایندگان داشته باشیم و پیگیر نتایج مجموع مباحثی که به جمع‌بندی می‌رسد، باشیم.

او ادامه داد: در این جلسه با توجه به مشکلاتی که در حوزه تامین برق واحدهای تولیدی و کسب و کارها به وجود آمده است از وزیر نیرو دعوت کرده بودیم تا مهمان هیات‌نمایندگان اتاق تهران باشند اما به دلیل گرفتاری‌هایی که آقای وزیر داشتند؛ میسر نشد که امروز به جلسه بیایند.

نجفی‌عرب گفت: بحث تامین برق و قطع برق صنایع و واحدهای تولیدی و کسب و کارها مساله‌ای جدی است. مستحضرید که سرپرست محترم وزارت صمت و وزیر نیرو و توافق‌نامه‌ای را در جهت تنظیم شرایط قطعی برق در حوزه‌های مختلف از جمله واحدهای صنعتی و شهرک‌های صنعتی امضا کرده‌اند که این موضوع با اعتراض صاحبان کسب و کار و فعالان بخش خصوصی مواجه شد. ما قصد داشتیم در این جلسه میزبان آقای وزیر باشیم تا این موضوع را بررسی کنیم. این گالیه را داریم که در تنظیم این توافق‌نامه‌ها از حوزه‌های مختلف کسب و کار، تشکل‌ها و بخش خصوصی نظرخواهی صورت نگرفته است.

ما صنایع مختلفی داریم که هر کدام حساسیت‌های بسیار جدی در ارتباط با تامین برق دارند؛ مثلاً در صنایع دارویی بخش داروهای بایوتک در بیوری اکتورهایشان چیزی حدود ۲۵۰۰ لیتر سلول وجود دارد تا بتوانند در فرآیندها پروتئین تولید و ترخیص کنند و در این بین یک شوک برق کافی است که سلول‌ها از بین بروند و به خط تولید آسیب بزنند. در صنایع دیگر هم حساسیت‌های بالای دیگری وجود دارد که باید در نظر گرفته شود. متأسفانه تا جایی که می‌دانیم با بخش خصوصی مشورتی صورت نگرفته و تصمیم‌گیری از طریق خود وزارتخانه‌ها انجام شده است؛ بنا داشتیم در این جلسه خدمت وزیر محترم نیرو باشیم تا هم‌فکری صورت گیرد و آسیب‌های قطع برق آن هم در سال مهار تورم و رشد تولید به کمترین میزان برسد.



۳ درصد) در نظر گرفته شده است. علاوه بر این متوسط نرخ تورم در پایان برنامه ۹/۵ درصد و متوسط نرخ دوره هم ۱۹/۷ درصد پیش بینی شده است، در حالی که عدد کنونی تورم را همه می دانیم. او افزود: رشد بهره وری کل عوامل تولید که ۳۵ درصد سهم رشد اقتصادی را در برنامه دارد ۲/۸ درصد اعلام شده است. از سوی دیگر متوسط رشد نقدینگی ۲۰/۴ درصد پیش بینی شده که در پایان برنامه باید به ۱۳/۸ درصد برسد و متوسط رشد صادرات نفتی ۱۲/۴ درصد و غیرنفتی هم ۶/۶ درصد در نظر گرفته شده است.

همچنین متوسط رشد واردات کالا ۱۶/۲ و رشد اعتبارات تملک دارایی های سرمایه ای ۴۴ درصد و متوسط نسبت درآمدهای عمومی به هزینه ای ۹۴ و متوسط نسبت درآمدهای عمومی به هزینه ای هم در سال پایانی ۱۰۰ اعلام شده است. نجفی عرب در ادامه گفت: از بین ۸ درصد رشد اقتصادی که در برنامه هفتم در نظر گرفته شده سهم هر بخش اقتصادی به این ترتیب است؛ متوسط رشد در حوزه کشاورزی ۵/۵ درصد، نفت ۱۳/۳ درصد، معدن ۸/۱۱ درصد، صنعت ۸/۵ درصد، ارتباطات ۱۰/۹ درصد، حوزه آب و برق ۸/۱ درصد، ساختمان ۹ درصد و حمل و نقل و انبارداری هم ۹/۷ درصد است. همچنین طبق برنامه تدوین شده دولت برای تحقق این میزان رشد اقتصادی چیزی در حدود ۶۰ هزار میلیارد تومان (همت) نیاز به سرمایه گذاری وجود دارد؛ در واقع اگر ۶۰ هزار همت سرمایه گذاری صورت گیرد این برنامه ان شاء الله تحقق پیدا خواهد کرد.

رئیس اتاق تهران در ادامه صحبت هایش به پایش برنامه های اجرا شده توسعه در سال های گذشته پرداخت و گفت: همان گونه که اطلاع دارید این برنامه چهارمین برنامه از برنامه سند چشم انداز ۲۰ ساله کشور (سند ۱۴۰۴) است که براساس آن مقرر شده بود رشد اقتصادی کشور به صورت متوسط سالانه ۸ درصد باشد و اقتصاد ایران در مقایسه با دیگر کشورهای حوزه منا در جایگاه اول قرار داشته باشد. همچنین مقرر شده بود ۳ درصد از رشد ۸ درصد اقتصادی با بهبود بهره وری و در نتیجه رفع موانع تولید و بهبود محیط کسب و کار حاصل شود. نجفی عرب در بخش دیگری از صحبت هایش گفت که در مقدمه برنامه هفتم اشاره شده است که رشد اقتصادی در طول ۳ برنامه گذشته سالانه به صورت متوسط برابر ۱/۸ درصد بوده و بهره وری عوامل تولید در طول دو دهه گذشته رشد منفی داشته است.

## مهم ترین پیش بینی ها و داده های برنامه هفتم

رئیس اتاق بازرگانی تهران در بخش دیگری از صحبت های خود به اهمیت بسیار زیاد تدوین برنامه هفتم توسعه اشاره کرد و گفت: تدوین برنامه هفتم برای اقتصاد کشور و کسب و کارها بسیار مهم است. دولت محترم تقریباً با دو سال تاخیر، در ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۲ از برنامه هفتم رونمایی کرد. این برنامه تاجایی که اعلام شده است به زودی تقدیم مجلس خواهد شد و در این بین مرکز پژوهش های اتاق ایران مطالعاتی روی محتوای برنامه انجام داده است. در اتاق تهران هم کارگروهی در این حوزه راه اندازی شده که مسوولیت آن با آقای دکتر بهادری است که روی برنامه های توسعه اشرف دارند. درخواست من از اعضای محترم هیات نمایندگان این است که هر کدام از که علاقه مند هستند در این کارگروه عضو شوند تا بتوانیم روی بهبود برنامه و مطالبه گری خواسته های بخش خصوصی متمرکز شویم و بعد از جمع بندی نظرات و هماهنگی و همسویی با اتاق ایران از مسیر مجلس محترم خواسته ها را پیگیری کنیم. محمود نجفی عرب در ادامه به مهم ترین شاخص ها و عددهای پیش بینی شده در برنامه هفتم که از سوی دولت تدوین شده است، اشاره کرد و گفت: رشد اقتصادی که در برنامه هفتم دیده شده سالانه ۸ درصد است، رشد تشکیل سرمایه ناخالص سرمایه گذاری نیز ۲۲/۶ درصد دیده شده است. همچنین رشد موجودی سرمایه ۵/۵ درصد و رشد اشتغال هم معادل یک میلیون شغل در سال (۵/۵)



**محمود نجفی عرب در ادامه به مهم ترین شاخص ها و عددهای پیش بینی شده در برنامه هفتم که از سوی دولت تدوین شده است، اشاره کرد و گفت: رشد اقتصادی که در برنامه هفتم دیده شده سالانه ۸ درصد است، رشد تشکیل سرمایه ناخالص سرمایه گذاری نیز ۲۲/۶ درصد دیده شده است**



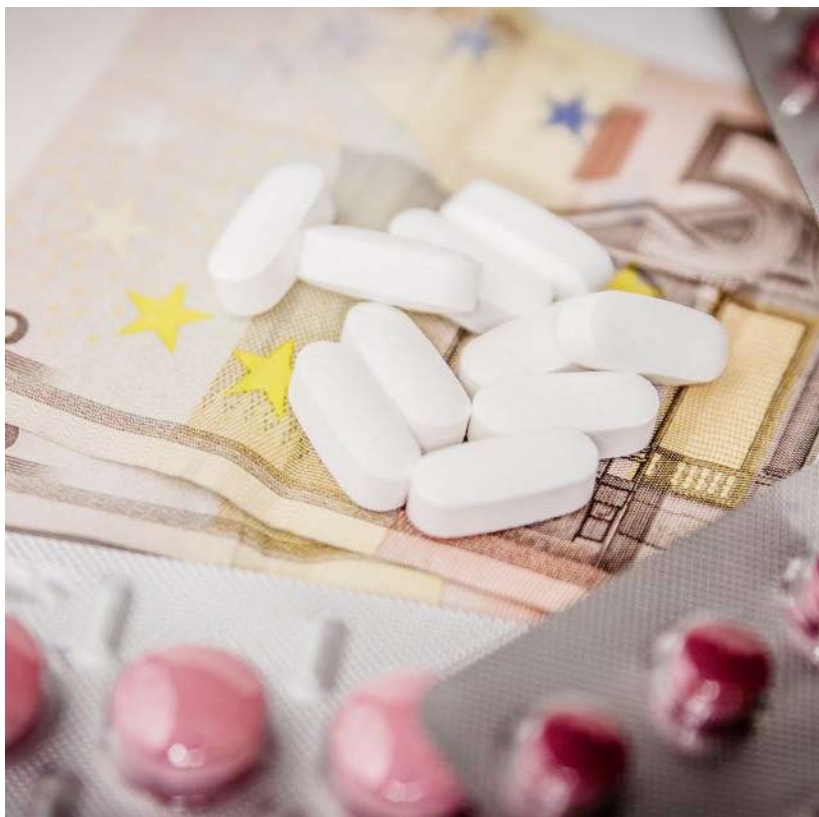


گزارشی که بازوی پژوهشی مجلس منتشر کرده به بررسی سیاست‌های ارزی کشور و تاثیر آن بر تجارت خارجی ایران پرداخته است. شاید مهم‌ترین نتایجی که از این پژوهش حاصل شده است این باشد که در رابطه با اثرگذاری سیاست‌های ارزی بر گروه‌های کالایی بر مبنای کد تعرفه گمرکی و بر صادرات و واردات گروه‌ها در برنامه سوم تا ششم ترکیب بیشترین کالاهای صادراتی و وارداتی عمدتاً ثابت مانده است.

علاوه بر این، افزایش نرخ ارز حقیقی تنها یکی از علل افزایش رقابت پذیری کالاهای صادراتی است و مواردی از قبیل وارداتی بودن برخی از مواد اولیه، مشکلات متعدد ناشی از تحریم‌های خارجی و مبادلات بانکی، نامساعد بودن محیط کسب و کار، عدم بهره‌مندی بنگاه‌ها از فعالیت‌های تحقیق و توسعه و ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های صادراتی از جمله عواملی هستند که بر رقابت پذیری محصولات تجاری به شکل منفی اثر گذار هستند، ضمن اینکه افزایش نرخ ارز حقیقی پس از تحریم با افزایش نوسان‌های و نااطمینانی همراه بوده که این موضوع خود به عنوان یک عامل اساسی منفی، بخش تجارت خارجی و به ویژه صادرات کشور را متاثر ساخته است.

راهکار تثبیت نرخ ارز، در دوره اول ۱۳۸۰-۱۳۸۹ با پایین نگه داشتن غیر واقعی نرخ ارزی اسمی به کاهش نرخ ارز حقیقی منجر شده و در نهایت برخلاف هدف اولیه بهبود تراز تجاری در برنامه‌های چهارم و پنجم با تضعیف صادرات و ترغیب واردات به تشدید کسری تراز تجاری دامن زده است. بنابراین ملاحظه می‌شود که هرچند در برنامه‌های توسعه بر بهبود وضعیت تراز تجاری تأکید شده است، اما عملاً این هدف هیچ‌گاه در اولویت نبوده و نگرانی از افزایش تورم موجب شده تا مقامات پولی، به رغم داشتن دغدغه در زمینه گسترش صادرات غیر نفتی، همواره تثبیت نرخ ارزی اسمی را در دستور کار قرار دهند.

امادر دوره دوم ۱۳۹۰-۱۳۹۹ و همزمان با کاهش قدرت مقامات بانک مرکزی برای تثبیت نرخ ارزی اسمی، نرخ ارز حقیقی با وجود نوسان‌های دوره‌ای به طور متوسط افزایش یافته، به طوری که نرخ رشد نرخ ارز حقیقی طی بازه زمانی مذکور ۱۸/۷۴ درصد بوده است. این موضوع در کنار محدودیت‌های قانونی واردات و عدم تخصیص ارز بر واردات برخی از کالاها، می‌تواند به عنوان یکی از علل کاهش کسری تراز تجاری در دوره دوم مطرح شود، اما باید افزود که نرخ رشد صادرات کشور نسبت به دهه قبل



## باخت به سیاست ارزی

فرسایش دارو و تجهیزات پزشکی  
با رویکردهای آزمون و خطا در سیاست‌های ارزی



**افزایش نرخ ارز حقیقی تنها یکی از علل افزایش رقابت پذیری کالاهای صادراتی است و مواردی از قبیل وارداتی بودن برخی از مواد اولیه، مشکلات متعدد ناشی از تحریم‌های خارجی و مبادلات بانکی، نامساعد بودن محیط کسب و کار، عدم بهره‌مندی بنگاه‌ها از فعالیت‌های تحقیق و توسعه و ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های صادراتی از جمله عواملی هستند که بر رقابت پذیری محصولات تجاری به شکل منفی اثر گذار هستند**

سیاست‌های ارزی عمدتاً در خدمت تجارت خارجی کشور نبوده است؛ حداقل در دو دهه ۸۰ و ۹۰ که مورد بررسی یک گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس قرار گرفته است. سیاست تثبیت نرخ ارز حداقل سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ به دلیل ناسازگاری با سیاست بهبود تراز تجاری، به تضعیف صادرات و ترغیب واردات و در نتیجه تشدید کسری تراز تجاری دامن زد. در دوره دوم ۱۳۹۹-۱۳۹۰ و همزمان با کاهش قدرت بانک مرکزی برای تثبیت نرخ ارزی اسمی، علاوه بر عدم تخصیص ارز واردات، کسری تراز تجاری کم شده اما در مقابل، رشد صادرات به شکلی قابل ملاحظه کاهش داشته است.

برخی دیگر از گروه‌ها، میزان صادرات تفاوت چندانی زیادی نکرده یا حتی کاهش یافته است. در رابطه با واردات نیز تنها واردات ۴ گروه کالایی پس از افزایش نرخ ارز حقیقی کاهش یافته است. این نتیجه ضمن تأکید بر نامطلوب بودن افزایش همزمان با نوسان در نرخ ارز حقیقی و آثار منفی آن بر بخش تجارت خارجی، لزوم توجه به سایر عوامل اثرگذار بر افزایش رقابت پذیری کالاهای داخلی را متذکر می‌شود. بر این اساس باید اقدامات و اصلاحات بسیاری در سطح بنگاه‌ها و صنایع و همچنین در سطح کلان اقتصاد برای افزایش رقابت پذیری کالاهای داخلی صورت گیرد.

### سیاست تثبیت

با توجه به گسترش رانت‌های ناشی از چند نرخ بودن ارز و فاصله بیش از ۴/۵ برابری نرخ ارز بازار آزاد از نرخ رسمی در آغاز دهه ۱۳۸۰ شمسی، موضوع یکسان سازی نرخ ارز به عنوان یک دغدغه جدی در محافل اقتصادی مورد بحث قرار گرفت. در این راستا، بهبود نسبی وضعیت درآمدهای نفتی زمینه مناسبی برای اجرای سیاست تک‌نرخ ارز تلقی می‌شد و بر این مبنای سال ۱۳۸۱ سیاستگذاران همراه با اتخاذ نظام ارزی شناور مدیریت شده، سیاست یکسان سازی نرخ ارز را در پیش گرفتند. اتخاذ این سیاست تا حدود یک دهه موجب یکسان سازی نرخ ارز در اقتصاد کشور شد و بانک مرکزی به عنوان راهبر در بازار ارز با تامین ارز تمامی متقاضیان بر اساس نرخ رسمی توانست نرخ ارز را تا حد زیادی تثبیت کند. در این زمینه لازم است ذکر شود؛ تثبیت نرخ ارز در اقتصاد ایران عمدتاً به عنوان راهکاری برای کنترل تورم به کار برده شده است.

در واقع دولت‌ها به جای ایجاد انضباط مالی و برقراری چارچوب سیاست پولی کارآمد، از لنگر اسمی نرخ ارز برای کنترل انتظارات تورمی استفاده کرده‌اند. اعمال سیاست تثبیت تا حدودی در کنترل تورم و انتظارات تورمی موفق بوده است، اما مواردی از قبیل ناترازی بودجه کشور، سیاست‌های پولی ناکارآمد و مشکلات ساختاری نظام بانکی موجب رشد بالای نقدینگی شده و عموماً پس از یک دوره تثبیت، جهش‌های ارزی به وقوع پیوسته است.

در این رابطه افزایش درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت عاملی بوده است که قدرت مقامات پولی را برای مدیریت بازار ارز و اجرای سیاست تثبیت افزایش داده است. در واقع هرگاه درآمدهای ارزی دولت افزایش یافته و ذخایر ارزی بانک

کالاهای صادراتی و وارداتی کد تعرفه از سایت گمرک جمهوری اسلامی ایران، عملکرد گروه‌های تعرفه‌ای نیز به طور مجزا بررسی شد. در این زمینه، ضمن تحلیل سیاست‌های ارزی اتخاذ شده در برنامه‌های توسعه، اثرگذاری سیاست‌های ارزی بر کدهای تعرفه در قالب برنامه‌های سوم تا ششم توسعه تحلیل شد. بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد، اجرای سیاست تثبیت نرخ ارز اسمی توسط مقامات پولی کشور با اهداف سیاست‌های ارزی در نظر گرفته شده برای ارتقای بخش بازرگانی خارجی کشور سازگاری ندارد و باید برای ارتقای بخش بازرگانی خارجی کشور، ایجاد ثبات در روند بلندمدت نرخ ارز حقیقی در دستور کار قرار گیرد.

در رابطه با اثرگذاری سیاست‌های ارزی بر گروه‌های کالایی بر مبنای کد تعرفه گمرکی، بر صادرات و واردات گروه‌ها در برنامه سوم تا ششم تمرکز شد. نتایج در این زمینه نشان داد؛ ترکیب بیشترین کالاهای صادراتی و وارداتی عمدتاً ثابت مانده است، به طوری که در طول تمامی برنامه‌های توسعه گروه ماشین‌آلات و وسایل مکانیکی بیشترین سهم را در کل واردات داشته است. در رابطه با گروه کالاهای صادراتی نیز گروه محصولات معدنی بیشترین سهم را در صادرات در طول برنامه‌های سوم تا ششم به خود اختصاص داده است. همچنین تحلیل داده‌های صادرات و واردات در بردارنده این واقعیت است که افزایش نوسان‌های نرخ ارز پس از تشدید تحریم‌ها، کاهش رشد و افزایش نوسان صادرات و واردات را در پی داشته است.

چنین نتیجه‌ای نشان دهنده این است که نااطمینانی در اقتصاد به ایجاد نوسان در بخش تجارت خارجی کشور منجر شده است و چنانچه برای کاهش نوسان‌های نرخ ارز راهکار مناسبی اتخاذ نشود، تجارت خارجی کشور با مشکلات بیشتری مواجه خواهد شد. از سال ۱۳۸۱ تا سال ۱۳۸۹ روند نرخ ارز حقیقی کشور همواره نزولی بوده است و این امر زمینه‌ساز افزایش مستمر کسری تراز تجاری را فراهم آورده است. از سال ۱۳۹۰ به رغم وجود نوسان‌ها، به طور میانگین روند نرخ ارز حقیقی افزایشی بوده و همزمان کسری تراز تجاری کشور به تدریج کاهش یافته است.

علاوه بر این، افزایش نرخ ارز حقیقی پس از تشدید تحریم‌ها با افزایش صادرات و واردات تمامی کدهای تعرفه همراه نبوده است، بر این اساس با اینکه همراه با افزایش نرخ ارز حقیقی صادرات در برخی از گروه‌های کالایی افزایش یافته، اما در

از آن کاهش محسوسی داشته است. بر این اساس، طی این دهه، متوسط نرخ رشد صادرات گمرکی کشور تنها ۳/۷۳ درصد بوده است. به طور کلی میزان صادرات کشور در دهه مذکور با نوسان بسیار زیادی همراه بوده است؛ به بیان دیگر میزان صادرات تفاوت چندانی نداشته یا حتی کاهش یافته است.

### ناسازگاری سیاست ارزی و نتیجه تجاری

طی دهه‌های گذشته همواره سیاست‌های ارزی متفاوتی توسط سیاستگذاران اتخاذ شده است. یکی از بخش‌هایی که به طور مستقیم از سیاست‌های ارزی تاثیر می‌پذیرد، بخش بازرگانی خارجی است. لزوم کاهش اتکاب به درآمدهای نفتی و رهایی از اقتصاد تک محصولی موجب شده است تا توجه به متنوع سازی درآمدهای ارزی از محل بازرگانی خارجی همواره مورد تأکید قرار گیرد.

از این رو به ویژه از برنامه چهارم توسعه افزایش رقابت پذیری در زمینه تولیدات داخلی و صادرات غیر نفتی مدنظر سیاستگذاران بوده و بر این مبنای ضمن سیاست‌های ارزی اعلامی در برنامه‌های توسعه، تعیین نرخ ارز در چارچوب دستیابی به اهداف توسعه بخش بازرگانی خارجی مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس در این پژوهش به بررسی اثرگذاری سیاست‌های ارزی اتخاذ شده بر تحولات بازرگانی خارجی کشور پرداخته شده است.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در طول دهه‌های گذشته به رغم دغدغه‌مندی مسوولان در زمینه وضعیت تراز تجاری کشور، سیاست‌های اعمال شده در رابطه با نرخ ارز با اهداف در نظر گرفته شده برای ارتقای بخش بازرگانی خارجی کشور سازگاری نداشته است. بر این مبنای نیاز است تا ضمن پایبندی به سیاست‌های ارزی اعلامی در برنامه‌های توسعه، اصلاحاتی در سیاست‌های ارزی به منظور ایجاد ثبات در روند بلندمدت نرخ ارز حقیقی برای ارتقای بخش بازرگانی خارجی کشور اتخاذ شود.

### سیاست ارزی؛ تحول تجاری

در این گزارش اثرگذاری سیاست‌های ارزی بر تحولات بخش تجارت خارجی کشور پس از اتخاذ نظام ارزی شناور مدیریت شده، مورد بررسی قرار گرفت. در این راستا علاوه بر بررسی صادرات و واردات کل کشور، با استخراج ۲۰ قسمت اصلی



مرکزی در سطح مطلوبی قرار داشته، مقامات پولی در مدیریت بازار ارز موفق بوده‌اند و با کاهش ذخایر ارزی بانک مرکزی، قدرت اعمال سیاست تثبیت نرخ ارزی کاهشی یافته و انحرافات و نوسان‌های نرخ ارز رخ داده است. در این زمینه با تشدید تحریم‌ها در سال ۱۳۸۹ بانک مرکزی تا حد امکان از سیاست تثبیت نرخ ارز برای کنترل بازار و مدیریت انتظارات تورمی استفاده کرد، اما با کاهش سطح ذخایر خارجی به تدریج قدرت اعمال سیاست تثبیت نرخ ارز توسط بانک مرکزی کاهش یافت.

### صادرات

طی دهه ۱۳۸۰ شمسی سیاست‌ها و راهکارهای متعددی برای تشویق صادرات به اجرا گذاشته شد. در این دوره مواردی از قبیل: افزایش حضور ایران در بازارهای بین‌المللی، گسترش تنوع کالاهای صادراتی و اضافه شدن خدمات به سید صادراتی کشور و همچنین، بهبود مناسبات سیاسی فضای مناسبی را برای ارتقای صادرات گمرکی کشور پدید آورد. در این راستا، اتخاذ سیاست‌های تجاری جهت گسترش صادرات در کنار ثبات و آرامش بازار ارز در نتیجه اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز موجب شد تا در دهه ۱۳۸۰ روند صادرات گمرکی کشور همواره صعودی باشد. متوسط صادرات گمرکی طی بازه زمانی ۱۳۸۱-۱۳۸۹ برابر با ۶۶/۱۳ میلیارد دلار بوده و طی این مدت صادرات کشور سالانه به طور متوسط ۲۳/۱۸ درصد رشد کرده است. با آغاز دهه ۱۳۹۰ و افزایش نااطمینانی در نرخ ارز،

نرخ رشد صادرات کشور نسبت به دهه قبل از آن کاهش محسوسی داشته است. بر این اساس، طی دهه ۱۳۹۰ متوسط نرخ رشد صادرات گمرکی کشور تنها ۳/۷۳ درصد بوده است. به طور کلی میزان صادرات کشور در دهه مذکور با نوسان بسیار زیادی همراه بوده است. کمترین نرخ رشد در دهه ۱۳۹۰ در سال ۱۳۹۹ و با رشد منفی ۱۵/۸۴ درصدی و بیشترین نرخ رشد صادرات نیز در سال ۱۳۹۰ و با نرخ ۲۷/۳۷ درصدی اتفاق افتاده است. در این زمینه، مسلماً یکی از علل اصلی افزایش نوسان در نرخ رشد صادرات، افزایش نوسان‌های نرخ ارز در دوره دوم بوده است.



### هرچند در خلال ۲ دهه اخیر ارزش کلی

**صادرات کشور به طور متوسط از ۱۳/۶۶**

**میلیارد دلار به ۳۸/۳۱ میلیارد دلار افزایش**

**یافته است، اما در همین مدت زمان، رشد**

**صادرات کشور با کاهش قابل توجهی مواجه**

**بوده است**

### تراز تجاری

مقایسه دو دوره زمانی ۱۳۸۱-۱۳۸۹ و ۱۳۹۰-۱۳۹۹ نشان می‌دهد که در هر دو دوره متوسط واردات سالانه بیشتر از میزان صادرات بوده است، باین حال میزان کسری تراز تجاری در دوره دوم به نسب کاهش یافته است. در دوره دوم به طور متوسط سالانه شاهد منفی ۹/۳۹ میلیارد دلار کسری بوده‌ایم که مقایسه آن با متوسط کسری منفی ۲۹/۶ میلیارد دلاری در دوره اول، نشانگر این است که در دوره دوم تراز تجار کشور بهبود یافته است، بنابراین به طور کلی در دوره دوم کسری تراز تجاری به نسبت کاهش یافته و حتی در مقاطعی این حساب مثبت شده است. تراز تجاری در سال‌های ۱۳۹۴، ۱۳۹۵ و ۱۳۹۷ مثبت بوده است؛ با این حال مطابق با آنچه پیش‌تر ذکر شد؛ اگرچه در دوره دوم و همزمان با عدم ثبات در وضعیت ارزی کشور، ارزش دلاری صادرات و واردات نسبت به دوره اول افزایش یافته؛ اما نرخ رشد هر دوی این متغیرها به طور قابل توجهی کاهش یافته است. بر این اساس، هرچند در خلال ۲ دهه اخیر ارزش کلی صادرات کشور به طور متوسط از ۱۳/۶۶ میلیارد دلار به ۳۸/۳۱ میلیارد دلار افزایش یافته است، اما در همین مدت زمان، رشد صادرات کشور با کاهش قابل توجهی مواجه بوده است و از متوسط رشد ۲۳/۱۸ درصدی در دوره اول به رشد ۳/۷۳ درصدی در بازه زمانی ۱۳۹۹-۱۳۹۰ کاهش یافته است. در رابطه با واردات نیز نرخ رشد از ۱۵/۵ درصد در دوره اول به نرخ منفی ۳/۲۵ درصد در دوره دوم کاهش یافته است.



اینجا امید

ادامه دارد



همین الان  
منو اسکن کن



نشانی: تهران، ابتدای بزرگراه ارتش، بلوار شهید مژدی (اوشان)،  
خیابان پروفیسور وثوق، بلوار محک، مؤسسه خیریه و بیمارستان  
فوق تخصصی سرطان کودکان محک  
تلفن: ۰۲۱-۲۳۵۴۰



محک

مؤسسه خیریه حمایت از  
کودکان مبتلا به سرطان

mahak-charity.org



**Darman Yab**  
Group of Companies

20 years of successful experience in the field  
of medicine & medical equipment



Oral solid medicine for Diabetes,  
Cardiovascular, GI, ...



Food & Herbal supplement  
under licence of Vitex  
Pharmaceuticals Australia



**DarmanYab**  
Darou



**DarmanYab**  
Ana



**DarmanYab**  
Paksh Mehr Aria



**DarmanYab**  
Salamat Pouya

Darman Yab Building, No. 36, 20th St., Kordestan Highway 1437634561 Tehran-Iran  
Tel.: +98 (21) 87 175 175      [www.darmanyab.com](http://www.darmanyab.com)      @ darmanyab\_official